اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شمارهٔ ۹۴ دورهٔ دوم دوشنبه ۲۳ شهریورماه ۱۳۶۰ بها ۳۰ ریال



اگر دقیقاً به وظیفهٔ مبارزه با آمریکای جنایتکار ادامه دهیم فرزندانمان شهد پیروزی را خواهند چشید

درصفحه۲

دولت جدید در برابر وظایفی عظیم و دشوار

دولت جدید باید هرچه سریعتر و قاطعانه‌تر عمل کند

سه جبههٔ جنگ انقلاب ایران: جنگ با متجاوز خارجی، جنگ با ضدانقلاب توطئه‌گر و جنایتکاران داخلی وجنگ با کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان غارتگر است.

شورای موقت ریاست جمهوری، پس از شهادت آقای محمدعلی رجائی رئیس جمهور و آقای دکتر باهنر نخست‌وزیر، آقای مهدوی کنی را بعنوان نخست‌وزیر جدید جمهوری اسلامی ایران به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد، ومجلس نیز با رای قاطعی به ایشان و سپس به دولت ایشان، رای اعتماد داد و بدینسان دولت جدید در شرایطی حساس، آغاز به کار کرد.

اظهارات آقای مهدوی کنی نخست‌وزیر، مبنی بر اینکه برنامهٔ کار دولت ایشان همان برنامهٔ دولت شهید دکتر باهنر است و نیز ترکیب کابینهٔ جدید، که بجز ۲ مورد همان ترکیب کابینه نخست‌وزیر شهید است، ما را از تکرار مطالبی که پس از تشکیل دولت شهید دکتر باهنر در مورد برنامهٔ دولت ایشان نگاشتیم، بی‌نیاز می‌کند. در واقع همگان با دولت جدید با همان انتظاراتی برخورد کردند که با دولت شهید دکتر باهنر روبرو شده بودند.

دولت آقای مهدوی کنی، که در یکی از حساس‌ترین و حادترین لحظات جنگ همه جانبه جمهوری اسلامی ایران با امپریالیسم آمریکا و نقاله‌هایش، آغاز به کار کرده است، وظایف عظیمی برعهده دارد، که بیشک موفقیت یا عدم موفقیت این دولت در انجام آنها، با سرنوشت انقلاب ایران رابطهٔ ناگسستنی دارد.

همانگونه‌که، آقای مهدوی کنی نخست‌وزیر در حضور امام خمینی مطرح کرد، این وظایف سه جنبهٔ اساسی را در برمی‌گیرد که: یکی جنگ، دیگری امنیت وسومی مشکلات اقتصادی است، ودولت باید با سرعت و قاطعیت هر چه بیشتری در هر سه جهت به اقدام بپردازد. در واقع این سه عرصهٔ مهم، سه جبههٔ جنگ بزرگ انقلاب ایران با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی را نیز تشکیل می‌دهد. جنگ با متجاوزی چون صدام، که به تحریک آمریکا به ایران حمله کرده است، جنگ با ضدانقلاب سازمان یافته داخلی وبالاخره جنگ با بزرگ مالکان وکلان سرمایه‌داران، که از یک طرف به ضدانقلاب سازمان یافته کمک می‌کنند و از طرف دیگر در جهت توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، به فلج کردن اقتصاد کشور، ایجاد گرانی طاقت فرسا و بالنتیجه ایجاد نارضائی درمیان مردم مشغولند.

دولت جدید باید با اتکاء به توده‌های میلیونی مردم در هر سه جبهه جنگ فوق‌الذکر قاطعانه به پیش تازد و دشمن را در همه عرصه‌ها به شکست بکشاند.

"باید عمل کرد"، این سخن **امام خمینی** وهمه مردم انقلابی ایران درمقابل دولت شهید **دکتر باهنر** بود. "باید هرچه **سریعتر و قاطعانه‌تر عمل کرد**"، این سخن امروز همهٔ نیروهای انقلابی به دولت آقای **مهدوی کنی** است.

آمریکا همچنان خواب تجزیهٔ ایران را می‌بیند!

ولی اتحاد شوروی با سیاست اصولی خود این خواب را مرتباً برهم زده است

چندی پیش- سه‌شنبه ۲۷ مرداد ۱۳۶۰- خبرحالی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، که برای شناخت "دوابرقدرت" وسیاست هرکدام از آنها نسبت به موجودیت، تمامیت ارضی و استقلال کشور ما دارای اهمیت درجهٔ اول است، ولی، متاسفانه، این خبر در روزنامه‌ها و رادیو- تلویزیون مورد بحث وتفسیر قرار نگرفت، بر روی آن انگشت تاکید گذاشته نشد و در نتیجه در میان انبوه اخبار "گم" شد.

خبر بدین مضمون بود:

"مارتین کال، نویسندهٔ سیاسی آمریکائی، درکتاب خود پیرامون ایران، فاش ساخته است که در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) کارتر (رئیس جمهور وقت آمریکا) توسط اشمیت، صدراعظم آلمان فدرال به شوروی پیشنهاد کرد که ایران به دو بخش شمالی وجنوبی تقسیم شود، براساس این پیشنهاد، قسمت شمالی ایران تحت تسلط

بقیه‌در صفحه ۱۴

تنها یک معیار...

تشکیل جبههٔ متحد برای مبارزه با امپریالیسم وصهیونیسم، که از جانب وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد و با استقبال کشورهای مترقی منطقه روبرو شده، از مسائل مهم درسیاست جاری کشوراست.

نظریات گوناگونی که در ایران از جانب نیروهای انقلابی دراین زمینه ابراز می‌شود، نشان دهنده این واقعیت خرسندکننده است که با اصل تشکیل این جبهه مخالفتی نیست. اکنون بحث برسر کیفیت تشکیل این جبهه و ماهیت شرکت‌کنندگان درآنست، که درواقع سرنوشت آن را تعیین می‌کند.

باید گفت که اساساً تشکیل جبههٔ متحدی درمنطقه برای مبارزه با امپریالیسم وصهیونیسم تابع این امر است که‌چه‌شرایطی برای شرکت‌کنندگان درآن درنظرگرفته میشود، ویا به عبارت دیگر، معیار برای برپائی این جبهه‌چیست؟

بقیه‌در صفحهٔ ۱۰

به پیشواز هفتهٔ سالگرد جنگ عادلانه برضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

صفحه۱۳

دربارهٔ سیاست خارجی:

درجهان دو جبههٔ امپریالیستی و ضدامپریالیستی بایکدیگر درنبردند

بدنبال نخستین مصاحبهٔ مهمی که آقای موسوی، وزیر امور خارجه در زمینهٔ مشی سیاست خارجی بعمل آورد (و متن آن در روزنامه‌های سه‌شنبه ۲۶ مرداد ۶۰ منتشر شد) وما درباره برخی نکات مهم آن در **"اتحاد مردم"** (شماره ۹۲) زیرعنوان **"سیاست خارجی مبتنی براصل استقلال"** اظهارنظر کردیم، آقای وزیر امورخارجه مصاحبهٔ دیگری با خبرنگار سیاسی **"اطلاعات"** بعمل آورد، که در شماره های اول ودوم شهریورماه ۶۰ این روزنامه انتشاریافت.

آقای **موسوی** دراین مصاحبه دربارهٔ اظهار نظرهای کسانی که " **درکانال دیپلوماسی جمهوری اسلامی ایران قرار**

بقیه‌در صفحه۲

توطئه بزرگ نفتی امپریالیسم علیه ایران را خنثی سازیم!

تصمیم جدید ژاپن درمورد خودداری از خرید نفت از ایران وادامهٔ ساختمان مجتمع پتروشیمی دربندر امام خمینی، از یک توطئهٔ بزرگ نفتی امپریالیسم علیه ایران خبرمی دهد.

قبل از هرچیز به اصل خبر مراجعه کنیم که در شماره ۱۶ شهریور ۱۳۶۰ روزنامه "اطلاعات" به نقل از خبرگزاری فرانسه، درج شده است. خبر مزبور چنین است:

"وزارت صنایع ژاپن اعلام کرد که سیزده کمپانی نفت ژاپنی تصمیم گرفته‌اند قراردادهای واردات مواد نفتی از ایران را که موعد آنها در آخر ماه جاری بسر می‌رسد، تجدید نکنند. سیزده کمپانی نفت ژاپنی از جمله "ماروزن اویل"،

بقیه‌در صفحه۱۵

درصفحات دیگر

درسالروز جمعهٔ خونین (۱۷ شهریور):

خلق قهرمان ایران یاد شهیدانش را با شعار "مرگ بر آمریکا" گرامی داشت

صفحه۳

امام خمینی: از ۱۷ شهریور تا امروز هرگز سستی در ارادهٔ ملت انقلابی ایران حاصل نشده است.



اتحاد مردم

شماره ۹۴ دوره دوم دوشنبه ۲۳ شهریور ماه ۱۳۶۰

دربارهٔ سیاست ...

بقیه از صفحه ۱

ندارند ،ولی دربارهٔ سیاست خارجی اظهارنظرمی کنند" ،تصریح کرده اندکه: **"کشورماکشور آزادی است . . . بنظر من (ما) نمی بایدتلاش کنیم که جلو این اظهارنظرها رابگیریم ،بلکه باید بگذاریم هرکس حرف خودش را در این زمینه بیان کند ،ولی درعین حال باید توجه داشت که نظر رسمی جمهوری اسلامی ایران از زبان وزارت خارجه است که عنوان می شود".**

این گفتهٔ آقای وزیرامورخارجه مارا بیش از گذشته تشویق به اظهار نظر دربارهٔ امورمربوط به سیاست خارجی نمود ،زیرا یقینا آقای **موسوی** اظهارنظرهارابرای آن لازم می دانند که به آنها توجه شود ،تااگرمطلب صحیحی درآنهاطرح و عنوان شود ،درتدوین مبانی واصول سیاست خارجی کشورما ،مورد بهره‌برداری قرارگیرد .پس با امیدبه این که وزیرامورخارجه ،نظرات مارامورد بررسی و توجه قرارخواهدداد ،می پردازیم به ارائه برخی نظرات نسبت به برخی مطالب مهمی که آقای موسوی در مصاحبهٔ اخیربارورنامه **"اطلاعات"** بیان داشته است.

* * *

مقدمتا باید تصریح کرد که آقای وزیر امورخارجه ،در این مصاحبه بیانات مشخصی دارد که روشن تر ازگذشته بیانگر "خط" اساسی استقلال طلبانه ضد‌امپریالیستی فعالیت وزارت امورخارجه است وآن مسیراصلی حرکتی است که وزارت امورخارجه جمهوری اسلامی ایران درآن فعالانه گام نهاده ومی باید ، ضمن پاکسازی هرآنچه ازبازمانده های خط غرب گرای لیبرالها احیانا دراندیشه و کاروزارت امورخارجه باقیست ، درآن به پیش حرکت کند.

ازجمله آقای **موسوی** این اصل راکه ما **"باتمام سلطه گران مخالفیم ، با تمام زورگویان ،باامپریالیسم مخالفیم ،با صهیونیسم مخالفیم"** ، اصلی اعلام داشته اندکه **"بر روابط ما و جهان حاکم است".**

این اصل که ازطبیعت انقلاب اسلامی ایران بامحتوای ضدامپریالیستی استقلال طلبانه ومردمی آن ناشی است ، طبعا حکم می کندکه مادست همکاری به سوی آن کشورهایی درازکنیم که آنها نیز برضدامپریالیسم وبرای استقلال وآزادی وعدالت اجتماعی می رزمند. درنتیجه ، بگفتهٔ آقای **موسوی**:

"اگردقت کرده باشید (مابه سهم خود دقت کرده ایم ـ اتحادمردم) سیاست ایران درقبال کشورهایی که مبارزه می کنند باصهیونیسم وامپریالیسم ، نسبت به روزهای اول خیلی روشن تر ، صریح تروقاطع ترشده ،یعنی بطورعملی موضع خودمان رانسبت به این کشورها داریم روشن می کنیم وبیان می کنیم وحتی بطورعملی باآن مواجه می شویم".

ونیزآقای **موسوی** بدرستی بر روی اصل استقلال ،که درشعار "نه شرقی ، نه غربی" بیان گردیده ومضمون آن ،هم به نظرایشان ،پرهیزوجلوگیری از **"جذب شدن وهضم شدن"** توسط دیگرقدرت ها و ابرقدرتهااست انگشت تاکیدنهاده اند. بگفتهٔ ایشان:

"اگربطورعمیق واصولی به سیاست نه شرقی ،نه غربی ،جمهوری اسلامی پایبندباشیم وموضع استقلال خودراحفظ کنیم ،قادرخواهیم بودجلو این جذب شدن وهضم شدن رابگیریم ،واین به نفع تمام بشریت است".

ازمجموعهٔ سخنان آقای **موسوی** ، دراین مصاحبه تاحدودزیادی به روشنی دیده می شود که اصل استقلال واصل مبارزه برضدامپریالیسم وصهیونیسم ،دو اصل اساسی ودواهرمی درنظرگرفته شده است که وزارت امورخارجه کشورما در فعالیت خود به آنها تکیه خواهدکرد ،و این موردتاییدوموجب خوشحالی است.

* * *

اماآقای وزیرامورخارجه در مصاحبهٔ خود مطالب دیگری نیز عنوان کرده است ،که گاه خالی ازابهام نیستند ، ونیزازدیدگاهی به مجموعهٔ جهان نگریسته است که به نظرماچندان واقع بینانه نیست . نظر به اینکه آقای **موسوی** چه دراین مصاحبه وچه درمصاحبه ها و اظهارنظرهای قبلی خود ،همواره تاکید کرده است که وزارت امور خارجه در فعالیت خود سعی خواهدکردکه **"واقعیت"** هارادرنظربگیرد ،لذامانیزسعی خواهیم کرد **"واقعیت"** جهانی راکه اکنون ما با آن روبروهستیم ،به نظرخودودرحد حوصله یک مقاله روزنامه ای ترسیم کنیم.

آقای **موسوی** واقعیت جهان راچنین توصیف کرده است:

"ماباجهانی روبروهستیم که درآن زور ،پول ،خشونت وسلطه گری ونظائر اینهاحاکم است وآنها را بصورت یک واقعیت درجهان لمس می کنیم. در جوار آن باواقعیت دیگری روبروهستیم وآن آگاهی مردم است که درمقابل این اسارت و زور ونظائراینهادارد گسترش پیدا می کند .آگاهی مستضعفان جهان درحال گسترش است .این آگاهی وآن واقعیت در یک تضادعمیق قراردارندوحاصل این تضادمنجربه رشدورهائی و ظهور یک جهان تازه ای درآینده خواهدشد".

سپس آقای **موسوی** افزوده است که:

"منتهاازابعاددیگری هم می توان به جهان نگاه کرد . درجهان اکنون ابر قدرتهایک توازن وحشت ایجادکرده اند تمام جهان مانندیک ماشین حساب شده‌ای دارد میچرخدکه آخرین پیچها وآخرین چرخ دنده هاکاملا تنظیم شده و عملا هر حرکت مخالفی به یک نحوی جذب ابر قدرتها ،که ظاهرا باهم تقابل هم دارند ، میشودوبه نفع سیاست های آنها تمام میشود. تصورمی کنم (با) انقلاب اسلامی ایران (در) این ماشین که تعادل و توازن آن برپایهٔ وحشت است و برپایهٔ اصالت زوراست ، ظاهرا یک پیچ دررفته واین (ماشین) رادچارآشفتگی کرده . انقلاب ماممکن است درمقابل میلیاردها بشرودرمقابل ۱۵۰ کشوروملت یک واحد کوچک باشد ،ولی مسئله این است که انقلاب ما این توازن رابهم زده وبهم می زند . . .

بنظر ما بیانات فوق متاسفانه انعکاس کامل واقعیت جهانی نیست که ماباآن روبروهستیم ونیزدر این بیانات نقش مهمی که انقلاب ماایفاء نموده چنانکه بایدانعکاس نیافته است.

مطلب را از بیان این واقعیت عیان آغازکنیم که انقلاب ماموردتایید و پشتیبانی همه کشورهایی که باامپریالیسم وصهیونیسم مبارزه می کنند ، اعم از سوسیالیستی یا غیرسوسیالیستی ، ونیز همهٔ جنبشهای آزادی بخش استقلال طلبانه وهمچنین همهٔ احزاب وسازمان‌هاونیروهائی قرارگرفته است که در گیر مبارزه با امپریالیسم ،صهیونیسم و ارتجاع بین المللی . بسرکردگی آمریکا هستند . این **واقعیت** است . اگرما تمامی جهان (و نه فقط بخشی از آن را که امپریالیسم برآن حاکم است) ماشینی تصورکنیم که درآن زور و پول وخشونت وسلطه گری حاکم است وانقلاب اسلامی ایران رانیز "پیچی در رفته" در این ماشین بدانیم ،آنگاه تمامی جهان که تعادلش بوسیله انقلاب مابهم خورده می‌بایست یکجا به مخالفت وبه مقابله با انقلاب مابرمی خاست ،وحال آن که ما می بینیم که بخشی ازاین جهان از انقلاب ماپشتیبانی می کندوبخش دیگری ازآن (کدامپریالیسم برآن حاکم است) باآن به مقابله برخاسته ،برای براندازی آن تلاش می کند.

این واقعیت که بخشی ازجهان در موافقت و بخش دیگری از جهان در مخالفت باانقلاب ماموضعگیری کرده اند خودبیانگرواقعیت دیگری است دائر بر اینکه ،انقلاب ما "پیچی در رفته" در ماشین **جهانی** نیست ،بلکه "پیچی در رفته" درماشین **امپریالیسم** است ،واگر وقوع آن تعادلی را بهم زده ،تعادل ماشین امپریالیسم رادرمنطقه ، به سود مجموعهٔ نیروهای ضدامپریالیستی وبه زیان مجموعهٔ نیروهای امپریالیستی بر هم زده است ، یابعبارت دیگر ،انقلاب اسلامی ایران ،که درکشوری پهناور ، غنی با موقعیت مهم استراتژیک و جمعیتی سی وچند میلیونی ،رخ داده ،ضربه فوق العاده سختی به سلطه گری امپریالیسم و صهیونیسم واردکرده است . و به همین دلیل نیزدشمن انقلاب ماامپریالیسم و صهیونیسم ،بسرکردگی آمریکااست ونیز به همین دلیل مورد پشتیبانی تمامی نیروهای ضدامپریالیستی درسراسرجهان واقع شده است.

اگرازدریچه این واقعیت علنا وعملا مشهودبه جهان بنگریم ،یعنی اگرملاک شناخت جهان را رفتار و کرداردیگران نسبت به انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران بسنجیم ، متوجه خواهیم شدکه مجموعهٔ جهان ماشینی نیست که در آن زوروپول وخشونت وسلطه گری حاکم باشد ،بلکه جهان به دوبخش عمده تقسیم شده ،که دریک بخش آن زور و پول و خشونت وسلطه گری حاکم است ،یعنی بخشی که برآن امپریالیسم سلطهٔ خود را مستقرساخته ،وبخش دیگرآن بخشی است رهاشده ازاین سلطه ،که برای رهایی بشریت ازاین سلطه می رزمد .اگر جهان به این دوبخش تقسیم نشده بود ،اگر هنوز مجموعهٔ جهان زیر سلطهٔ امپریالیسم می بود ،آنگاه هیچ کشوری ازانقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ما پشتیبانی نمی کرد ، و ما درمبارزه علیه سلطه گری امپریالیستی ،درمبارزه برای استقلال وآزادی ونوسازی کشورخودبسود مستضعفان ،یکه وتنها می بودیم ، در صورتیکه چنین نیست.

از سوی دیگر اصطلاح **"توازن وحشت"** که در **غرب** رایج است ، نیز بیانگرواقعیت جهان ومبارزهٔ عظیمی که درآن جریان دارد ،نیست ،واقعیت این است که نیروی امپریالیستی ،که هنوزدر بخشی از جهان وجود دارد ،درصدد بازپس گرفتن آن بخش دیگری ازجهان است که ازچنگ داده ،چه بصورت کشور ـ های سوسیالیستی ، که در آن اساسا حکومت سرمایه واستثمارانسان توسط انسان ازبن ریشه کن شده ، چه به صورت کشورهائی که از زیرسلطه امپریالیسم بدر آمده اندودرکارتحکیم استقلال خویش و نوسازی جامعهٔ خویش بسود مستضعفانند. بدیهی است که این بخش نجات یافته از چنگ حکومت سرمایه و از چنگ سلطهٔ امپریالیستی ،می بایستی برای دفاع از خود دربرابرامپریالیسم تجاوزگر ،نیروی مسلحی داشته باشدکه امپریالیسم را از هوس و وسوسه تجاوز مسلح بازدارد .این نیروئی است پاسدار صلح ، کوشا برای جلوگیری از بروز جنگ، برای جلوگیری ازتجاوزامپریالیسم ، برای دفاع ازاستقلال وآزادی ،ونه برای استقرار **"توازن وحشت"** . **"توازن وحشت"** اصطلاحی است که در **غرب** رایج کرده اند ،تادرپشت این اصطلاح سیاست امپریالیستی تازاندن مسابقه تسلیحاتی و جنگ طلبی امپریالیسم را بپوشانند ، تدارک جنگ تجاوزی را با تدارک دفاع دربرابراین تجاوز دارای سرشت وهدف واحدجلوه دهند ،وبدینسان تجاوزگری امپریالیسم وتدارک تجاوزازسوی آنرا تبرئه وتوجیه کنند . در حالیکه آقای **موسوی** خود بدرستی گناه مسابقهٔ تسلیحاتی رابرعهدهٔ امپریالیسم ، به ویژه آمریکا ،نهاده وحتی دربارهٔ سلاح جدیدضدانسانی بمب نوترونی مشخصا اظهارمی دارد:

"مانظرخود را اعلام میکنیم . ساختن این نوع تسلیحات ودامن زدن به رقابت های تسلیحاتی به ضررملت های جهان است و ما شدیدا با این مسئله مخالفت می کنیم واین را نشانهٔ روحیهٔ سبعانه وسلطه گرانه آمریکامی دانیم".

امادربارهٔ تضاداصلی کنونی در جهان ،که آقای **موسوی** آن رابین **"آگاهی"** گسترش یابنده مستضعفان باجهانی دانسته اندکه برآن **"زوروپول وخشونت و سلطه گری حاکم است"** ،باید گفت که ،این نظر ،بگمان ما ،دچار ابهام است ،می ـ توان باآن موافقت نموداگر ،همانطور که گفتیم ،این واقعیت رادرنظربگیریم که ، نه درتمامی جهان ،بلکه فقط در بخشی ازآن هنوز زور و پول و خشونت وسلطه‌گری ،یعنی امپریالیسم حاکم است ،و نیز اگر مفهوم **"آگاهی"** گسترش یابنده را مجموعه امواج انقلاب ها و جنبش های ضدامپریالیستی ،استقلال طلبانه ، دمکراتیک ،مردمی وضداستثماری بدانیم که ازآغازقرن کنونی درگرفته اندو تاکنون درگروهی ازکشورها منجر به ریشه کن شدن حکومت سرمایه واستثمار شده و دربرخی دیگر ازکشورها منجربه استقلال آنها وگزینش راه رشدغیرسرمایه داری گردیده اند وامروز نیز پیروزمندانه گسترش میابند .بعبارت دیگر ،درجهان امروزدوجبهه ضد امپریالیستی و امپریالیستی در مقابل هم قرارگرفته‌اندوباهم در نبردند .درجبهه ضد ـ امپریالیستی ،جامعهٔ کشورهای سوسیالیستی ،جنبش کارگری درکشور ـ های سرمایه داری رشد یافته ،کشورهای مستقل ضدامپریالیستی و جنبش های رهایی بخش ملی در "جهان سوم" قرار دارند ،درجبهه امپریالیستی ،کشورهای امپریالیستی ودولت های دستیارودست‌نشاندهٔ آنها.

این نکته رانیز بایدافزود که ،آن بخشی ازجهان رانیز که درآن زور وپول وخشونت وسلطه گری ،یعنی امپریالیسم حاکم است ،نمیتوان به ماشینی تشبیه کرد که "تاآخرین پیچ ها وآخرین دنده‌های آن کاملا تنظیم شده" است . خود آقای وزیرامور خارجه ،درمصاحبه قبلی خود ،به وجودانواع اختلافات ،شقاق ها جدائی ها، تناقضات وتضادها در جهان اشاره کرده بودند ،واقعیت اینستکه آن بخشی ازجهان ،که زیرسلطهٔ امپریالیسم و درآن نظام سرمایه داری هنوز حاکم است ،دچار انواع تناقضات وتضادهای غیرقابل حلی است که به صورت بیکاری دهها میلیون زحمتکش ،تورم شتابنده ، گرانی سرسام آور ،جنگ بازرگانی ، کسر بودجهٔ مداوم ،نبردطبقاتی ، اختلاف بین دولت های امپریالیستی و غیره متجلی میشوند و درآخرین تحلیل باعث میشوند که هرچندی ،یکی ازپیچ‌های ماشین سرمایه داری امپریالیستی از جاکنده شود . این روندی است که ماآنرابه عیان دربرابرخودمی بینیم وانقلاب ضد‌امپریالیستی ،مردمی واسلامی ایران ، نقش شایسته ای درپیشبرد این روند دارد ومیتواند داشته باشد ،که پایان آن همان "ظهور یک جهان تازه ای در آینده" در سطح **تمامی جهان** خواهد بود ،جهان تازه ای که درآن دیگر در **هیچجا** ،پول و زور و خشونت و سلطه‌گری وستم ملی وطبقاتی ونژادی وتبعیض واستثمار نخواهد بود.

خلاصه کنیم :اگربطورکلی بخواهیم جهان را "تقسیم" کنیم ،این جهان به دو بخش ،به دوجبهه تقسیم شده است : جبهه امپریالیستی وجبهه ضدامپریالیستی انقلاب اسلامی ایران ،جمهوری اسلامی ایران ،درجبهه ضدامپریالیستی قرار گرفته وبه همین دلیل از یک سومورد پشتیبانی تمام اعضاء این جبهه ضد ـ امپریالیستی و از سوی دیگر در معرض خصومت تمام اعضاء جبهه امپریالیستی است.

مابادر نظر گرفتن این واقعیت و نیز باحفظ استقلال تام وتمام کشورخود میباید ازیکسو دست دوستی و همکاری به سوی هرکشور و هرنیرو وجنبش ضد‌امپریالیستی دراز کنیم ، و ازسوی دیگر می بایدهر دستی را ،که از جانب هرنیرو وکشور ضدامپریالیستی به سوی ما دراز شود ،به شرط آنکه احترام بی خدشه به استقلال تام وتمام ما داشته باشد و خواستار تقویت آن باشد ،بفشاریم . یعنی در یک جمله ،ماباید ضمن حفظ و برمبنای حفظ وتقویت استقلال کامل کشورخود ،باامپریالیسم ،صهیونیسم و ارتجاع بین المللی ،که سرکردگی آن را آمریکا برعهده دارد ،باتمام نیروی خود وهمراه بادیگر نیروهای ضدامپریالیستی درسراسر جهان ،مبارزه کنیم . این چنین سیاستی خود مطمئن ترین ضامن استقلال ماست . و این اصولی است که آقای **موسوی** نیز به آنها توجه دارد و ما درآغاز مقال ،بانقل بیاناتی از ایشان ، بر روی آنها انگشت تائید و تاکید نهادیم.

سیاست خارجی ما خوشبختانه میرود که در فعالیت عملی خود براین اصول ـ اصل استقلال و اصل مبارزه ضد‌امپریالیستی قاطعانه تکیه کند . به گمان ما ، با اتکاء قاطع و مستمر بر این اصول ، فعالیت های آتی وزارت امور خارجه ،عملا ودرجریان تجربه ،منجر به رفع ابهاماتی خواهد شد که هنوز در اندیشه و کار وزارت امور خارجه باقی است .انگیزهٔ ما در طرح برخی مطالب ، که دراین نوشتار مورد بحث قرار دادیم ،کمکی است که ، بااینگونه اظهارنظرها ،احیانا بتوان به تسریع واقع بینی و واقع گرائی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمود ، تاکار برد آن بسود انقلاب ما واستقلال ما وشکستن امپریالیسم درسطح **منطقه و جهان** موثرتر شود.

قسمت هایی از پیام تاریخی امام

به مناسبت برگزاری مراسم حج

*** این قرن بخواست خداوند قادر قرن غلبهٔ مستضعفان بر مستکبران و حق برباطل است.**

*** آیاوعاظ السلاطین سرکوبی انقلاب اسلامی ایران را از مخالفت با آمریکا واسرائیل لازم ترمی شمارند؟**

*** اگر دقیقا به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ، ادامه دهیم فرزندانمان شهد پیروزی راخواهند چشید**

*** جهان عرب بداندامروز ضربه‌ای که صدام و سادات به آنهازده اندچنان دهشتناک است که تنها با اتحاد شان می توانند جبران نمایند.**

*** ما بیشتر از بیست سال است که در خطابه ها واعلامیه ها ، اسرائیل را همردیف آمریکا درستمگری ودنبالهٔ اودر تجاوز وغارتگری محکوم کردیم وکیست که نداند درطول انقلاب اسلامی و در شور تظاهرات میلیونی ،ملت مسلمان ایران ، اسرائیل را در ردیف آمریکا دشمن خود خواند ونفت را بر روی آنان بست وخشم ونفرت خودرانثار هر دو کرد . و تعجب نیست که این نغمه مشئوم (رابطهٔ ایران با اسرائیل) از گلوی آمریکا مادر نامشروع اسرائیل وصدام برادرکوچک بگین سر داده شدوبوقهای تبلیغاتی آنان خصوصا آمریکا بطوروسیعی درپخش آن کوشیدند . چراکه آن ضربه که این دوازاسلام واقعی خوردند ، دیگران نخوردندوآن نگرانی که آنان ازوحدت برادران مسلمان عرب با ایران دارند ، دیگران ندارند.**

ازسخنان امام درحضورائمهٔ جماعات (۶۰/۶/۱۸)

*** این اشکال اولش به نبی اکرم وارد است . اگرایشان هم به سرمایه دارهای مکه و حجازکاری نداشت وتوی مسجد می نشست و مسئله می گفت جنگ پیش نمی آمد ،کشتار نمی شد . عموی معظمش کشته نمی شد و به سیدالشهدا وارداست . اگرسیدالشهدا می رفت پیش یزید بیعت می کردومسئله می گفت بااومی ساخت.**

*** پیغمبراکرم چقدرجنگ درزمان او واقع شد برای اینکه اصلاح کند جامعه را برای اینکه دست ستمکارها راکوتاه کند . دست این سرمایه دارچپاولگرراکوتاه کند . دست اون جبارهای ظالم راکوتاه کند.**

*** مهمترین برنامه (حضرت علی) این بودکه من حتی آن چیزهایی که صداق کردیدازچپاولگریها برای زنهایتان ، آن هم ازتان می گیرم.**

*** تمام انبیاء برای اصلاح جامعه آمده اند . تمام و همهٔ آنها این مسئله را داشتندکه فرد بایدفدای جامعه بشود . فردهرچه بزرگ باشد ،بالاترین فردکه ارزشش بیشترازهرچیز است در دنیا ، وقتی که بامصالح جامعه معارضه کرداین فرد بایدفدابشود . سیدالشهدا روی همین میزان آمد ،رفت وخودش و اصحاب و انصارخودش رافداکردکه فرد باید فدای جامعه بشود . جامعه باید اصلاح بشود . لیقوم الناس بالقسط.**

*** اگرآمریکا خاطرجمع باشد که آقایان (روحانیون) دیگربنا ندارند در سیاست دخالت کنند ، دستش راازروی این ملت وازاین شیطنت ها برمی دارد.**

درسالروز جمعه خونین ۱۷ شهریور

خلق قهرمان ایران یاد شهیدانش را با شعار "مرگ بر آمریکا" گرامی داشت

نخست وزیر: امروز استکبار جهانی، بسرکردگی آمریکا، تمام نیروهای شیطانی خود را برای نابودی انقلاب بسیج کرده است.

درسالگرد قتل عام مردم قهرمان ایران در روز ۱۷ شهریور بدست مزدوران و چکمه‌پوشان رژیم آمریکایی شاه‌ملعون، میلیونها نفر از مردم بپا خاسته میهنمان باراه‌پیمائی‌ها، تظاهرات و میتینگها در سراسر کشور، خاطره این شهیدان و تمامی شهیدان راه استقلال و آزادی کشور در طول انقلاب و در دوران پس از پیروزی انقلاب را گرامی داشتند. زحمتکشان میهنمان، که اکنون نیز، با توطئه‌های جنایتکارانه براندازی امپریالیسم آمریکا و عوامل او درگیرند، در این مراسم عزم و اراده راسخ خود را برای پیگیری در نبرد بخاطر ساختمان جامعه‌ای نوین، به‌نمایش گذاشتند و بار دیگر نشان دادند که پیگیر و استوار برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب به سود محرومان و مستضعفان جامعه تلاش خواهند کرد.

* * *

همزمان با تظاهرات میلیونها نفر در شهرها و روستاهای ایران به‌مناسبت بزرگداشت خاطره شهدای ۱۷ شهریور، مراسم باشکوهی نیز درمیدان امام حسین تهران در روز ۱۷ شهریور برگزار شد. گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" حاکیست که گروه‌های مختلف مردم در ساعت اعلام شده از سوی نهادهای مختلف برگزار کننده این مراسم، بتدریج در میدان امام حسین اجتماع کردند. مردم در حالیکه پلاکاردهایی از سخنان امام خمینی درمورد لزوم مبارزه پیگیر با امپریالیسم آمریکا و تفاله‌های آمریکا، در دست داشتند، شعارمی دادند:

"نبرد با آمریکا، حکم امام امت"، "مرگ بر آمریکا، مرگ برآمریکا"، "آمریکا! نه انفجار، نه ترور، دیگر اثر ندارد" و "زنده و جاوید باد یاد شهیدان ما، ادامه راهشان وظیفه خلق ما".

این گزارش همچنین حاکیست که حضور معلولان انقلاب، که سوار بر صندلی‌های چرخدار درمیدان حضور یافته بودند، چشمگیر بود. افراد بسیج مستضعفین و سپاه پاسداران انقلاب و نیز افراد شهربانی جمهوری اسلامی ایران نظم و حفاظت از محل برگزاری مراسم را بعهده داشتند:

گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" همچنین حاکیست که هرچه زمان می گذشت، جمعیت در میدان امام حسین و خیابانهای اطراف آن زیادتر می‌شد، بطوریکه در حوالی ساعت ۵ بعدازظهر سراسر میدان امام حسین، خیابان ۱۷ شهریور تا میدان شهدا، قسمتهائی از خیابان انقلاب و سایر خیابانهای منتهی به‌میدان امام حسین لبریز از جمعیت بود. در این مراسم سرودهائی انقلابی توسط گروهی از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران و گروهی دیگر از هنرمندان جوان اجرا شد و سخنرانی هائی توسط چندتن از شخصیت‌ها ایراد گردید. درهمین مراسم پیام امام خمینی، نخست وزیر و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران برای حضار قرائت شد.

آمریکا، ام الفساد قرن

دراین مراسم، پس از قرائت پیام خانواده‌های شهدا ومعلولین جمعه خونین (۱۷ شهریور) توسط یکی از معلولین این حادثه، کتیبه یکی از ارتشیان، که در حادثه بمب‌گذاری نخست وزیری مجروح شده‌است، پیام نیروهای مسلح را قرائت کرد. دراین پیام، با اشاره به‌توطئه‌های جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، از "طیف سازشکاران"، "بنی صدر خائن"

وتمامی گروهکهای ضدانقلاب، که به‌یاری "ام‌الفساد قرن، شیطان بزرگ آمریکا" برخاسته‌اند، سخن به‌میان آمده بود. درهمین پیام تاکید شد که، پس از هر توطئه آمریکا، مردم انقلابی ایران "بسیج ومنسجم تر" می شوند و به‌مقابله با جنایات آمریکا می پردازند.

سپس پیام نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران، آیت‌الله مهدوی‌کنی، توسط حجت الاسلام معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی قرائت شد درقسمتی از این پیام آمده است:

"امروز سردمداران کفر و استکبار جهانی، بسرکردگی شیطان بزرگ، با وحشت وصف ناپذیر از آینده روشن جمهوری اسلامی ایران، کمر به قتل آن بسته و همه امکانات و نیروهای شیطانی خودرا برای مایوس کردن و خسته‌کردن شما و ما بسیج کرده‌اند، ولی شما بارها و بارها به دشمن نشان داده‌اید که خستگی ناپذیر و یاس ناشناسید. اجتماعات عظیم امروزتان بیانگر، همیشه‌مکرر این حقیقت است که به خون و راه و اهداف شهیدان هفده‌شهریور برای همیشه وفادارید".

درقسمت دیگراز این پیام ضمن اعلام اینکه این کابینه به نام "کابینه ۱۷ شهریور" نامگذاری شده، اظهار امیدواری شده‌است که:

"خون شهدا در کالبد این دولت درجریان باشد و اعضای این کابینه‌که برخاسته از نیروهای محروم شما ملت هستند، درمقابل خون شهیدان ۱۷ شهریور به‌مثابه دهها شهید نامدار و بی‌نام و نشان انقلاب اسلامی، خودرا مسئول بشناسند".



مردم شعارمی دادند: "نبرد با آمریکا، حکم امام امت"

پیام امام خمینی رهبر و بنیانگذار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

آنگاه پیام رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، توسط فرزند ایشان حجت الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد. رهبر انقلاب دراین پیام باتاکید براینکه:

"(۱۷ شهریور) که‌نشانگر مقاومت و شجاعت وایستادگی ملت درمقابل ستمگران و جنایتکاران است، درخاطره ملت مبارز ایران زنده است و زنده خواهد بود"، متذکر شده‌اند:

"ازهفدهم شهریور تا امروز، سالروز افتخارآمیز آن، هرگز سستی وفتوری دراراده آهنین ملت انقلابی ایران حاصل نشده، بلکه‌هرواقعه وفاجعه‌ای اورا مصمم ترومنسجم ترمی کند".

امام خمینی دربخش دیگری‌از پیام خود، با اشاره به اعمال جنایتکارانه ضدانقلابیون تاکیدکرده‌اند:

"ملتی راکه ۱۵ خرداد و ۱۷ شهریور و ایام دیگر را پشت سرنهاده‌است وچون سیلی خروشان موانع راهرچه بزرگ باشد از سرراه خود برداشته و درهم پیچیده‌است، نمی توان باکارهای بزدلانه، که‌جزازشکست خورده‌ها، مایوسها و مطرودها صادر نمی شود، ارعاب کرد و این دریای متلاطم رااز خروشیدن و به پیشرفتن بازداشت".

رهبر انقلاب همچنین با اشاره به تبلیغات امپریالیستی علیه انقلاب ایران و اهداف آن متذکر شده‌اند:

ملت هوشمند ایران با بیداری و هوشیاری برتر بر پشتیبانی خود از دولت و مجلس و سایر ارگانها افزوده است و این تفاله‌های آمریکائی را از سوراخهای خود بیرون کشیده و به‌مقامات مربوطه معرفی می نمایند".

امام خمینی همچنین تاکیدکرده‌اند.

"ایران اکنون با انسجام بیشتر و وحدت نظر بالاتر و قدرت زیادتر قوای مسلح به‌سوی هدفهای اسلامی انسانی خود می‌رود".

تجارب آمریکا در مقابله با انقلاب ایران

درپایان مراسم بزرگداشت شهیدان ۱۷ شهریور، حجت الاسلام هاشمی نژاد طی سخنانی، ضمن تشریح پاره‌ای از مبارزات خلق علیه "آمریکا، اسرائیل و دولت وابسته به‌آمریکای شاه" از سال ۴۱ به‌این‌سو، به نقش قاطع امام خمینی در طرد "سازشکاران و عافیت‌طلبان"، که‌سعی در انحراف مبارزات مردم در ۱۷ شهریور ۵۷ به بعد داشتند، اشاره‌کرد و با تاکید برادامه مبارزه خلق علیه آمریکا، اسرائیل و یاورانشان درمنطقه و جهان گفت:

"مادستهای آمریکا و اسرائیل را از منطقه اسلامی و سپس با کمک محرومان مستضعفان جهان، ازتمام جهان قطع می کنیم".

وی درقسمتی دیگراز سخنانش به "تجارب آمریکا ودنیای سرمایه‌داری"، که درمقابله با ملت‌هایی مانند "ویتنام، الجزایر "کامبوج، مصر، شیلی، ایران و پاره‌ای از کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین "بدست آورده‌اند و اکنون از آنان درمقابله با انقلاب ایران استفاده می کنند، اشاره‌کرد. ولزوم انسجام بیشتر و مجهز شدن به‌تجارب لازم دربرخورد با این دشمنان را مورد تاکید قرارداد. حجت الاسلام هاشمی نژاد، همچنین با اشاره به ضرباتی که‌ضدانقلاب بر پیکر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وارد می کند، خطاب به‌مسئولین مملکتی ازجمله گفت:

"بیشتر دقت کنید. نگذارید به انقلاب ما ضربه وارد شود، ولو این ضربه‌ها انقلاب را متوقف نمی‌کند".

وی درپایان گفت:

"این دولت که‌دولت ۱۷ شهریور نام گرفته ونام پرافتخاری است، امیدواریم‌که روی این مسئله کاملا دقت کند و هوشیار باشد و تردیدی نداریم که انشاءالله با کمک مردم و با حضور مردم در صحنه ما می توانیم مشکلات را یکی بعداز دیگری پشت سربگذاریم و به‌هدف نهائی دست پیدا کنیم".

گزارش خبرنگاران "اتحاد مردم" حاکی است که‌درپایان این مراسم انبوه جمعیت درحالی که‌شعارهای انقلابی برزبان می‌راندند با نظم و آرامش میدان را ترک کردند.

ضد انقلابیون لهستان "کنگره" خود را برگزار کردند

اتحادیه "همبستگی" کنفرانس خودرا درگدانسک برگزارکرد. سرکردگان این اتحادیه‌اندیشه احراز قدرت سیاسی را در لهستان در سر می‌پرورند. کارگران با کمتر از ۲۵ درصد، تنها قلیتی ازنمایندگان کنگره را تشکیل می‌دادند. ازسوی دیگر، گروه ضدانقلابی "کور-کوس" ۱۲۰ نماینده وباصطلاح "کنفدراسیون لهستان آزاد" ۷۰ نماینده داشت.

ترکیب نمایندگان طبیعتا بازتاب خودرا در سخنرانی‌ها و جو عمومی کنفرانس یافت. ازویژگی‌های این جو تحقیر پایه‌های سوسیالیسم و حمله به‌حزب متحد کارگری لهستان دولت ونهادهای انتخابی بود. "همبستگی" دراین کنفرانس هم هیچگونه پیشنهاد سازنده‌ای ارائه‌نداد. جالب آنکه درجریان برگزاری کنفرانس اتحادیه "همبستگی" مسائل سندیکایی هیچگونه نقشی بازی نکرد. بدین‌ترتیب، بار دیگر ثابت می‌شود، که رهبران "همبستگی" اندیشه احراز قدرت را درسرمی پرورند و قصد آنها دامن‌زدن به‌اوضاع وخیم کشوراست.

به‌گزارش خبرگزاری "تاس" از ورشو. "جناح افراطی "همبستگی" کنگره گدانسک را به‌جنبشی ضد سوسیالیستی و ضدشوروی بدل‌کرده‌است. کنگره به مخالفت آشکار بادولت لهستان و "حزب متحد کارگری لهستان" برخاست. باصطلاح "فراخوانی به‌مردم اروپای شرقی "تحریکی علنی و مبارزه طلبی گستاخانه‌است. سیاستمداران درجه۳ میخواهند برساختار سوسیالیستی کشورهای همسایه‌لهستان تاثیرگذارند وبه این‌وسیله برای کانون‌های تخریبی امپریالیستی خدمتگذاری کنند. این تلاش‌ها محکوم به‌شکست است، ولی از چهره‌ریاکار رهبران افراطی "همبستگی" پرده‌برمی دارد. این‌آقایان ازحد خود پا فراگذاشته‌اند و انزجار و خشم فزاینده را نمی بینند، که فعالیت‌های تحریک‌آمیز و ماجراجویانه آنها برانگیخته‌است و به‌وخامت وضع دشوار لهستان می‌افزاید".

ادامه حضور نیروهای محدود شوروی در افغانستان بستگی به قطع تجاوز علیه آن کشور دارد

شاه‌محمد دوست، وزیر خارجه افغانستان، در دهلی از ایندیراگاندی، نخست‌وزیر هند، دیدارکرد. در جریان گفتگو میان آنها، شاه محمد دوست خواست صادقانه افغانستان را برای حل مسائل پیرامون کشور خود از راه های سیاسی یادآورشد.

چندی‌پیش دولت افغانستان ایران و پاکستان رافراخوانده‌بود، که‌در مذاکرات دوجانبه، سه‌جانبه ویا همه‌جانبه با حضور دبیرکل سازمان ملل ویا نماینده‌او به‌حل اختلافات موجود میان آنها بکوشند.

بانوگاندی اظهار امیدواری کردکه همه‌نیروهای ذیعلاقه‌در حل سیاسی مسئله افغانستان شرکت جویند.

شاه محمد دوست هم چنین با ناراسی موزائو، وزیرامور خارجه‌هند دیدارکرد.

وزیرخارجه افغانستان درکنفرانس مطبوعاتی در دهلی گفتگوهای خود را "بسیارموفقیت‌آمیز" خواند.

درآدیس‌آبابا، منگیستو هایله ماریام، شاه‌محمد دوست، وزیرخارجه افغانستان رانزد خود پذیرفت. شاه محمد دوست حامل پیام خصوصی از ببرک‌کارمل بود.

منگیستوهایله‌ماریام وشاه محمد دوست درباره مناسبات میان دوکشور و وظیفه‌مقابله‌با دسیسه‌های امپریالیستی علیه کشورهای مترقی به‌گفتگو نشستند.

پیش‌از این، وزیرخارجه افغانستان ازیمن جنوبی دیدارکرده‌بود.

شاه‌محمد دوست، وزیرخارجه افغانستان، درمصاحبه‌ای با "اخبار مسکو" گفت که هدف عمده گفتگوهای پیشنهادی آن‌کشور با ایران وپاکستان قطع مداخلات مسلحانه در امور افغانستان وتضمین آنست که دیگر تجاوزی علیه افغانستان صورت نگیرد شاه‌محمد دوست اظهارداشت:

"افغانستان اتحاد شوروی و ایالات متحده را بعنوان کشورهای تضمین کننده توصیه‌کرده‌است و حاضر است که با ایران وپاکستان درباره پیشنهادهایشان پیرامون حل اختلافات موجود مذاکره بعمل آورد".

شاه‌محمد دوست اظهارامیدواری کرد که‌پاکستان و ایران در برابر این پیشنهاد عکس‌العمل مثبت نشان دهند.

وزیرخارجه افغانستان گفت:

"هرچه‌زودتر توافق حاصل‌شود نیروهای اتحاد شوروی زودتر کشور را ترک خواهند گفت. حضور این نیروها درجمهوری (افغانستان) بستگی مستقیم باقطع تجاوز علیه آن دارد".

ببرک‌کارمل، رهبر افغانستان، دفاع ازدستاوردهای انقلاب را "مهم‌ترین وظیفه‌روز" خواند.

وی درسخنرانی در کابل گفت که نیروهای ضدانقلابی، برخوردار از پشتیبانی ایالات‌متحده و چین به تروریسم دست می‌زنند.

احزاب، جمعیت‌ها و گروه‌ها...

دنبالهٔ بازتاب توطئه بمب گذاری در دفتر نخست وزیری در اعلامیهٔ احزاب و سازمان‌ها

اطلاعیه کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

با ابراز تنفر و انزجار عمل تروریستی و خائنانه انفجار بمب در نخست وزیری را محکوم می‌کنیم

مردم غیور و مبارز ایران!

فاجعهٔ انفجار بمب در نخست وزیری که به دست مجریان نقشه‌های امپریالیسم آمریکا انجام گرفت متاسفانه به شهادت آقای رجائی رئیس جمهور و آقای باهنر نخست وزیر منجر گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در این شرایط خطیر که دشمن عزم کرده است با رذیلانه‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین اقدامات، ثبات و آرامش میهن را برهم زند و بدین وسیله از تحقق اهداف انقلاب و انجام دگرگونی های عمیق اجتماعی به سود زحمتکشان و محرومان جامعه جلوگیری کند و نگذارد بساط بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران برچیده شود، همهٔ اقشار، طبقات، سازمان‌ها، احزاب و نهادهای انقلابی و مردمی را به مقابله با دسیسه‌های تفرقه‌افکنانه و درهم فشردن صفوف خویش دعوت می‌نماید. بکوشیم تا با اتحاد و پایداری خویش نقشهٔ شوم امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران را برای برهم زدن آرامش کشور و به راه انداختن جنگ داخلی نقش برآب سازیم.

امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران هم دست وی بدانند که این خیال خامی است که گویا می‌توان این انقلاب را از طریق ترور به زانو درآورد. آنها غافلند از اینکه این انقلاب تکیه بر توده‌ها دارد. آنها خیال می‌کنند که این ملت قاصر است از انتخاب دهها و دهها رجائی و باهنر. تا وقتی که مردم هستند، تا وقتی سپاه هست و بسیج هست تا وقتی نیروهای مردمی و مسلح جمهوری اسلامی در صحنه‌اند، تا وقتی که سازمان‌های مردمی و انقلابی پیگیر و استوار به دفاع از انقلاب ایستاده‌اند، اطمینان داشته باشیم که نقشه‌های امپریالیسم آمریکا و توطئه‌گران فراری، قطعا با شکست مواجه خواهند شد.

ما بار دیگر توجه مقامات جمهوری اسلامی ایران را به اهمیت حفظ جان مسئولین و شخصیت‌های موثر جمهوری اسلامی ایران جلب می‌کنیم. ما توجه مقامات جمهوری اسلامی را نسبت به اهمیت ممانعت از اقدامات انتقامجویانه و بهره‌برداری ضدانقلاب از این اقدامات جلب می‌کنیم. ما تمام مردم و همهٔ نهادهای جمهوری اسلامی ایران را به خویشتن داری و هوشیاری و استقامت دعوت می‌نمائیم.

فاجعهٔ شهادت ریاست جمهوری و نخست وزیر را به مردم قهرمان میهن، به تمام نهادها و سازمان‌های انقلابی و به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تسلیت می‌گوییم و برای خلق قهرمان و رزمندگان دلیر جبهه‌های جنگ موفقیت و پیشرفت آرزو می‌کنیم.

کمیتهٔ مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۹ شهریورماه ۱۳۶۰

اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

برای بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جامعه

هم میهنان ارجمند!

میهن ما و انقلاب شکوهمند ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ما لحظات بسیار حساس و دردناکی را می گذراند.

توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، ارتجاع منطقه و ضد انقلاب داخلی، به سرکردگی دشمن شمارهٔ یک همهٔ خلق‌های جهان ـ امپریالیسم هار و متجاوز آمریکا ـ هر روز دامنه‌دارتر می‌شود و با ابعاد گسترده‌تری دستاوردهای انقلاب ما را تهدید می کند. این دشمنان آشتی‌ناپذیر انقلاب میهن ما همهٔ امکانات خود را به کار گرفته‌اند، تا از روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی اش جلوگیری کنند، با هزار ترفند انقلاب را ناتوان سازند و شرایط را برای وارد آوردن ضربهٔ نهایی بر آن آماده نمایند.

نزدیک به یک سال است که میهن ما برای دفع تجاوز نظامی رژیم صدام، که بدون تردید به تحریک امپریالیسم آمریکا انجام گرفته در تلاش است.

اقتصاد کشور بر اثر یک سلسله عوامل تحمیل شده از میراث رژیم سرنگون شده، پیامدهای محاصره اقتصادی از سوی امپریالیست‌ها و به ویژه از سوی آمریکا و خرابکاری طبق نقشه عوامل دشمنان انقلاب در دستگاه‌های دولتی هر روز با دشواری‌های تازه‌ای روبرو می شود. با کمال تاسف اشتباهات و نارسائی های کار مسئولان به میزان قابل توجهی در بیشتر شدن این دشواری‌ها اثرات جدی دارد.

از همهٔ نشانه‌ها و واقعیات این طور برمی‌آید که امپریالیسم جهانی خود را برای انجام توطئهٔ گستردهٔ تازه‌ای علیه انقلاب ایران آماده می‌سازد و درست به همین منظور کارشناسان با تجربه خویش را در زمینه ترور و خرابکاری به ایران گسیل داشته و به رهبری آنان و به دست ضد انقلابیون ساواکی و شاه پرستان و سایر افراد ستون پنجم خود در گروهک‌های مائوئیستی و با کمک جاذبه جویان گروه‌های چپ رو، توانسته است تروریسم کوری را در جامعه ایران رواج دهد و از این راه شعله‌های کینه توده‌های مردم را به آن جهتی که خواستارش است، متوجه سازد.

در چنین وضعی هر فرد میهن دوست و علاقمند به دستاوردهای انقلاب ایران به این نتیجه ساده می‌رسد که بیش از هر وقت دیگر همه نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما، همهٔ آنان که می دانستند و یا تازه به این نتیجه رسیده‌اند که امپریالیسم آمریکا بزرگ‌ترین دشمن انقلاب ایران است، صرف نظر از همهٔ اختلاف نظرهای دیگر، دست به دست هم دهند و برای دفع این بزرگترین خطر متحد شوند.

ولی با کمال تاسف ما شاهد آن هستیم که در چنین لحظهٔ حساس و تاریخی و سرنوشت ساز، در جبههٔ داخلی میهن ما جریان دردناکی، که پایه‌های اتحاد همهٔ نیروهای راستین انقلابی را موریانه‌وار می خورد، هر روز دامنه گسترده‌تری پیدا می کند. ما شاهد این واقعیت دردناک هستیم که امپریالیست‌های آمریکائی در تحقق یکی از عمده‌ترین نکات "خط برژینسکی" کامیابی چشمگیری بدست آورده‌اند. یعنی توانسته‌اند نیروهائی را که در مبارزه به خاطر اهداف اصلی انقلاب، یعنی تامین استقلال همه‌جانبه سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی، تامین آزادی و پیشرفت اجتماعی مواضع یکسان و یا مشابه دارند و می توانند در یک جبهه قرار گیرند، از هم جدا سازند، به جان هم اندازند و در کنار این میدان خون آلود پایکوبی کنند.

امپریالیسم جهانی و ضد انقلاب داخلی، با دستیاری ستون پنجم مائوئیستی و لیبرال های افشاء شده و زخم خورده از یک سو و بقائی ها و شمس قنات آبادی‌های معاصر از سوی دیگر، از گمراهی و بازی‌خوردگی گروه‌های جوان بی تجربه، که به دنبال خیانت رهبرانشان به این ورطهٔ هولناک کشیده شده‌اند، بهره‌گیری کرده و جامعهٔ انقلابی ما را دچار تشنج و درگیری تهدیدآمیزی ساخته‌اند. با این شگرد، امپریالیست‌ها موفق شده‌اند که بخشی از جوانان گمراه و بازی خورده را به اقدامات تروریستی سوق دهند و تمام جنایاتی را که به دست مزدوران مستقیم خود، یعنی ساواکی‌ها و سلطنت ـ طلبان و اوباش و جنایتکاران حرفه‌ای انجام می دهند، به حساب آنان بگذارند و سیل کینه و نفرت مردم را به سوی افراد این گروه‌ها معطوف سازند.

توطئهٔ بمب گذاری در ساختمان نخست وزیری و دادستانی کل انقلاب و ترور آقای محمد علی رجائی رئیس جمهور و آقای دکتر محمد جواد باهنر نخست وزیر و آقای قدوسی دادستان کل انقلاب اسلامی، که با نشانه‌گیری دقیق به دست کارشناسان زبده عملی گردید، یکی از آن نمونه‌هائی است که سازمان‌های جهنمی سیا و موساد ده‌ها سال است در سراسر جهان مستقیما انجام داده و می دهند.

بدینسان امپریالیسم با کشاندن گروه های چپ رو به اقدامات ماجراجویانه علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران، بهترین پوشش را برای جنایات گروه‌های تروریستی ساواکی و سلطنت ـ طلب و ستون پنجم مائوئیستی خود بوجود آورده است.

حزب تودهٔ ایران بر آن است که مسئولیت بسیار سنگینی در این زمینه متوجه آن رهبران و مسئولان سازمان‌های چپ رو و بویژه "سازمان مجاهدین خلق" و "چریکهای فدائی خلق (اقلیت)" است، که مدعی مبارزه در راه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی هستند، ولی در عمل، با پیروی از شیوه‌های ماجراجویانه و زیان بخش، متکی به ارزیابی‌های مخدوش و مغلوط، مرتکب چنین اشتباهاتی شده‌اند و هواداران خود را عملا بدون تمایز در جبههٔ ضد انقلاب قرار داده‌اند.

به موازات این ارزیابی دربارهٔ رهبران و مسئولان این سازمان‌ها و گروه‌ها، حزب تودهٔ ایران همواره بر آن بوده و امروز نیز بر آنست که اکثریت مطلق افرادی که در این سازمان‌ها و گروه ـ ها گرد آمده‌اند، جوانان میهن دوست، مبارز و انقلابی هستند که شعارهای استقلال طلبانه، آزادیخواهانه، مردمی و ترقی خواهانهٔ این سازمان‌ها آنان را جلب کرده است.

این جوانان، به علت کمی تجربه و کمی آگاهی سیاسی در برخورد با مسائل بغرنج اجتماعی انقلاب ایران، که دارای ویژگی‌های بسیار پیچیده‌ای است، نتوانسته‌اند راه درست را تشخیص دهند و با پیروی از نوعی تعصب عقیدتی و سازمانی، به دنبال رهبران و مسئولان خود در دام دشمنان سوگند خوردهٔ انقلاب شکوهمند مردم میهن ما افتاده‌اند.

حزب تودهٔ ایران اعتقاد راسخ دارد که می توان این جوانان پرشور و مبارز را نجات داد و ظرفیت انقلابی آنان را در راه سازندگی انقلاب به کار گرفت. ولی این کار در صورتی ممکن است که همه نیروهای راستین هوادار انقلاب همه امکانات موجود را در این راه به کار گیرند، تا این برخورد خونین خانگی پایان یابد. بدون تردید در این زمینه وظیفهٔ درجه اول به عهدهٔ حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ـ مجلس، دولت و نهادهای مسئول انقلابی است.

حزب تودهٔ ایران بر آنست که شیوه برخورد انتقامجویانه نسبت به افرادی که مستقیما در عملیات ترور و خرابکاری شرکت نداشته‌اند، نه تنها نمی تواند ریشه‌های این برخورد خونین را خشک کند، بلکه زیان‌های جدی به کامیابی تلاش‌های عقلائی برای مستقر ساختن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی وارد می‌سازد.

باید امکان آن را بوجود آورد که افراد وابسته به این سازمان‌ها، که مسلما زیر تاثیر رویدادهای ماه‌های اخیر، چه در درون سازمان خود، چه در جامعهٔ ایران و چه در صحنه جهانی و به‌ویژه زیر تاثیر وصیت‌نامهٔ *سعادتی*، به فکر افتاده‌اند، فرصت یابند تا نه در محیط ترس و وحشت شبانه‌روزی و خطر مرگ در صورت گرفتاری بلکه در محیطی آرام و با اطمینان به زندگی آزاد و آزادی اندیشه، موضع‌گیری سیاسی تاکنون خود را مورد بررسی مجدد قرار دهند. تجربهٔ *سعادتی* نشان داد که فرصت یافتن برای تفکر، تا چه اندازه می تواند سودمند باشد.

حزب تودهٔ ایران اطمینان دارد که یک چنین شیوه و تنها چنین شیوه‌ای می‌تواند به طور موثر کمک کند، تا جبهه نیروهای راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی میهن ما از بیماری خوره‌ای که بدان گرفتار شده است، رهائی یابد. ما ضمن این که برخورد قاطعانه با افرادی را که عملیات تروریستی و خرابکاری و بمب گذاری را رهبری می کنند و انجام میدهند، ضروری می دانیم گسترش اعمال قهر را به افرادی که عضو و یا هوادار این سازمان‌ها هستند، برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب سودمند نمیدانیم. بر ـ عکس، ما عقیده داریم که زیاده روی در اعمال قهر نسبت به افرادی که در مرحله‌ای از انقلاب دچار اشتباه شده‌اند، زیانهای جبران ناپذیری به اتحاد نیروهای راستین هوادار انقلاب وارد می سازد.

تاریخ جامعهٔ بشری، از دوران بردگی تا امروز، نشان داده است که با ترور و کشتار از یک سو و با اعدام و زندان از سوی دیگر، هر اندازه هم که پردامنه باشد، نمی توان اعتقاداتی را که در مغزها جا گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری را که در مغز جا گرفته‌اند، اگر نادرست باشند. تنها از راه ارشاد و اقناع می‌توان با افکار و اعتقادات درست جانشین ساخت.

حزب تودهٔ ایران با احساس مسئولیت تاریخی، به‌ویژه در این لحظات حساس و سرنوشت ساز انقلاب ایران، و با اعتقاد به آنچه در بالا یادآوری شد و با تکیه به این هشدار بسیار با اهمیت *امام خمینی*، به دادگاه‌های انقلاب:

- *"به تمام محاکم توجه می‌دهم مبادا این شرارت‌ها باعث شود کنترل خود را از دست بدهند و زائد بر قانون اسلام عمل کنند...*

مبادا یک وقت شهادت عزیزان، اسباب این بشود که با شدت عمل بیشتر از آن مقداری که باید به آن‌ها عمل شود."

پیشنهاد می کند که:

۱ـ صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیهٔ اعضاء و هواداران سازمان‌های چپ رو، مانند *"سازمان مجاهدین خلق"*، *"چریک‌های اقلیت"* و نظائر آنان، که مستقیما در جریان ترورها، تحریک مردم به قیام، بمب ـ گذاری‌ها و خرابکاری‌های انجام شده دخالت نداشته‌اند، متوقف گردد.

۲ـ از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

۳ـ اعلامیهٔ ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب دربارهٔ آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، که قانون اساسی را محترم می ـ شمارند، بدون خدشه به موقع اجرا گذاشته شود.

ما اطمینان داریم که چنین گام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از حادثه جویان حرفه‌ای و اصلاح ناپذیر و هم چنین از ساواکی‌ها و سلطنت طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و آنان را، بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و نیرنگ، صادقانه به زندگی عادی سیاسی قانونی بازخواهد گرداند.

ما اطمینان داریم که یک چنین بر ـ خوردی ده‌ها هزار خانوادهٔ وابسته به مبارزان پاسدار و "مجاهدین خلق" و "چریکهای اقلیت" و نظائرشان را، که اکنون در تب و لرز شبانه ـ روزی مرگ فرزندانشان، در دو جهت این در ـ گیری خونبار، به سر می برند و هر روز به سود دشمنان انقلاب میهن ما، نسبت به هم کینهٔ بیشتری به دل می‌گیرند، از این وضع دردناک نجات خواهد بخشید و به بازگشت و تحکیم آرامش درونی جامعه میهن ما، که برای تجهیز همهٔ نیروها علیه توطئه‌های هر روز در حال گسترش دشمنان انقلاب ضروراست، به طور موثری کمک خواهد کرد.

حزب تودهٔ ایران آن عده از مسئولان *"سازمان مجاهدین خلق"* و *"چریک‌های اقلیت"* و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهد و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که بر دوش دارند، از آن‌ها می‌طلبد که بدون درنگ، با پند گرفتن از گام جسورانهٔ هم رزمشان *سعادتی* تمام نیروی خود را برای خنثی کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این برخورد خونین خانگی به کار اندازند.

به نظر حزب تودهٔ ایران سود ادامهٔ این برخوردها تنها و تنها به کیسهٔ ارتجاع و ضد ـ انقلاب داخلی و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زیان‌های جبران ـ ناپذیر آن، مانند آواری به سر محرومان و زنان و مردان آزادهٔ جامعهٔ ما فرو خواهد ریخت.

حزب تودهٔ ایران همهٔ افراد و هواداران صادق *"مجاهدین خلق"* و *"چریک‌های اقلیت"* و نظائرشان را فرامی‌خواند که در سایه رویدادهای آموزنده و دردآور ماه‌ها و هفته‌های اخیر، موضع‌گیری سیاسی و عملکرد سازمان خویش را مورد بررسی انتقادی قرار دهند و تا فرصت باقی است خود را از بی‌راهه‌ای که در آن گام نهاده‌اند، بیرون آورند و به اردوی عظیم نیروهای راستین هوادار انقلاب ضد ـ امپریالیستی و مردمی میهن ما بپیوندند.

حزب تودهٔ ایران همهٔ مبارزان راستین راه انقلاب ایران را فرامی‌خواند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ـ ۱۳۶۰/۶/۱۵

کارنامهٔ ابوالحسن بنی‌صدر (۱۰)

بنی‌صدر در رأس "جبههٔ متحد ضد انقلاب" حمله را آغاز می‌کند

به‌آخرین فصل زندگی سیاسی **بنی‌صدر** رسیده‌ایم. فصلی که قرار بود بهار آمریکا باشد اما به‌همت توده‌های میلیونی خلق و به رهبری **امام خمینی**، به یکی از سردترین وسیاه‌ترین روزهای زمستان آمریکا و وابستگانش بدل شد. و چنین بود که تنها در عرض چند روز از "**سپهسالار بنی‌صدر**" نقشی بیش نماند، که آن نیز در "جهان دوم" به‌خاک سپرده شد!

وحالا **۱۴ اسفند: "سپهسالار بنی‌صدر"** قرار بود در این روز، به مناسبت بزرگ داشت **دکتر محمد مصدق**، در دانشگاه تهران سخن‌رانی کند. از بیانیه‌ها و **زمینه‌چینی‌ها** معلوم بود که این روز یک مراسم عادی نخواهد بود. "جبهه متحد ضدانقلاب" برای ۱۴ اسفند، برنامه‌هائی داشت. جبهه‌ای که دیگر رسمیت یافته‌بود ودرآن، هم سازمان‌های ضدانقلابی و هم سازمان‌هائی که در دام ضدانقلاب افتاده وبه‌همکارآن تبدیل شده‌بودند، شرکت داشتند.

"... **تابحال سازمان‌ها و گروه های** متعددی طی **بیانیه‌های جداگانه‌ای آمادگی** خود را برای **شرکت دراین مراسم بزرگداشت** (مصدق) **اعلام نموده‌اند که‌ازجمله این‌گروه‌ها** جاما، نهضت **آزادی ایران، حزب‌ملت‌ایران**، سازمان مجاهدین‌خلق، **انجمن تعاون هنر** مردمی ایران، **جمعیت ملی‌استادان‌دانشگاه‌**های ایران **برای شرکت‌دراین‌مراسم اعلام** آمادگی **نموده‌اند...**" (۱۳ اسفند ۵۹ – انقلاب‌اسلامی)

اگر توجه داشته‌باشید‌که "**انجمن‌تعاون** هنرمردمی **ایران**" و "**جمعیت ملی استادان** دانشگاهی" توسط حزب سیاساخته و پکن پرداختهٔ "**رنجبران**" ایجاد شده‌بود، واگر نام "جبهه ملی" و "**حزب رنجبران**" را، که رسما و "پیکار" و "**اقلیت**" را، که تلویحا اعلام مشارکت کرده‌بودند، به این‌سیاهه‌اضافه‌کنید، جبهه متحدضدانقلاب" که، "**رنجبر**" قبلا اسامی اعضای آن‌را نوشته‌بود (به شماره قبل مراجعه کنید) تکمیل شده‌است. ساواکی ها هم که هیچوقت برای شرکت در مراسمی اعلامیه نمی دهند!

به‌هر جهت مراسم آغاز شد. **بنی‌صدر** پشت به پشت پیروان "**خط برژینسکی** پشت میکروفن‌رفت وپرده راکنارکشید:

"... **توهین به رئیس جمهوراین‌ملت توهین‌به‌این‌ملت است، و این ملت‌توهین به‌خود را تحمل‌نخواهدکرد...**" (۱۳ اسفند – سخنرانی‌بنی‌صدر در مراسم بزرگداشت دکتر مصدق)

وسپس حرف آخر:

"... **ازمن می‌پرسید که چه‌بایدکرد؟** من‌به‌شمامی‌گویم **که تعهد ما (باید) دوجانبد** باشد. من‌**تعهد سپرده‌ام که به‌انقلاب‌اسلامی** خیانت‌نکنم... **شماهم‌فراموش نکنید تعهد سپرده‌اید که حمایت کنید...**" (ازهمان‌نطق)

دراین روز، آنچنان که همگان به‌جریان آگاهی دارند، "**سپهسالار بنی‌صدر**" دستور حمله به مخالفان را صادر کرد و گاردریاست جمهوری به‌اتفاق میلیشای **مسعود رجوی**، زدوخوردهایی رابه راه انداختند که یا دیده‌اید یاشنیده‌اید. بعد هم بنی‌صدر کارت‌هایی راکه متعلق به نهادهای انقلابی بود وظاهرا از دستگیرشدگان‌بدست‌آمده‌بود پشت میکروفن‌خواند، تازمینهٔ حمله‌به‌نهادهای انقلابی کاملا فراهم آید. **بنی‌صدر** که پیش از این گفته‌بود:

"... **دوسال‌است به عده‌ای چماقدار نمی‌توانیم حالی کنیم که کشور به وسیلهٔ چماق قابل اداره نیست...**" (۱۴ اسفند ۵۹ – انقلاب اسلامی) اینک می‌رفت، تا به خیال خود، به‌کمک‌چماق **مسعود رجوی** وگارد ویژهٔ‌خویش، باچماق حکومت‌کند. به‌دنبال این‌وقایع، تاچندروز جو متشنجی در کشور بوجودآمد که مسائل و مشکلات اصلی میهن ما، ازقبیل‌توطئه‌های گوناگون‌دشمنان‌انقلاب به‌سرکردگی امپریالیسم‌آمریکا، وجنگ، رابه فراموشی سپرد. روزنامه "**انقلاب‌اسلامی**" در همین‌روزها، بنابه‌گفته‌گردانندگان آن، "نایاب" می‌شد وخلاصه هرچه‌بود حمله بود وتشنج وبحران‌آفرینی:

"... **مردم بدانندکه این جانب ایستاده‌ام ویقین داشته‌باشند که پیروزمی‌شوم...**" (۱۸ اسفند ۵۹ – سرمقاله انقلاب اسلامی به‌قلم بنی‌صدر)

ویا:

"... **می‌خواهند به‌هرقیمت حاکمیت چماق برقرارکنند وبر مردم است‌که‌باتمام قوا ایستادگی کنند وچماق را بشکنند...**" (همان‌جا – ازمصاحبه بنی‌صدر با انقلاب اسلامی)

روزنامه "**انقلاب‌اسلامی**" دیگر صریحا به‌مائوئیست‌نامه **بنی‌صدر**مسلمان‌نما تبدیل شده‌بودو "محریان برنامه" (بخوان: جاسوسان "سیا") که دیگر همه‌چیز را برای شروع حمله به‌جمهوری اسلامی ایران آماده می‌دیدند، حمله را آغاز کردند، – حملهٔ مستقیم وباکمک گیری ازهرچه بدستشان‌می‌رسید:

"... **این‌روزها بیش‌از هرزمان‌دیگری ناباوری مزمن وتاریخی ملت به حکمرانان خودابعادی تازه به‌خودگرفته‌است... این روزها بیش از هرزمان دیگری آثار سقوطی وحشتناک احساس‌می‌شود...**" (۱۹ اسفند ۵۹ – سرمقاله انقلاب اسلامی)

آری، بنی‌صدریون وسایرضدانقلابیون شمارش معکوس برای سقوط‌جمهوری اسلامی ایران راآغاز کرده‌بودند:

"... **این حادثه (۱۴ اسفند) جمهوری اسلامی وقوای سه‌گانه آن‌را در معرض یک آزمایش سرنوشت‌ساز قرار داده‌است و اینکه آیا جای حکومت سرنیزه پهلوی را حکومت قانون می‌گیرد یاحکومت چماق...**" (۱۸ اسفند ۵۹ – انقلاب اسلامی – از مصاحبهٔ بنی‌صدر)

صاحبان حکومت چماق که بودند و صاحبان حکومت قانون کیان؟:



"... **دست‌اندرکاران دروغ بازیگران جلوه‌گر سیاست روز شده‌اند (جناح‌پیرو خط امام) وآن‌ها که نه‌چنین می کنند (جبههٔ ضدانقلاب به‌رهبری بنی صدر) گوشه‌نشین خانه‌هاهستند... همه‌به‌خوبی می‌دانیم که اسلام و وطن درخطراست... وماتماشاچیان فعل‌پذیر کمدی ریا شده‌ایم...**" (۱۹ اسفند ۵۹ – سرمقاله انقلاب اسلامی)

ولابد بر این "**تماشاچیان فعل پذیر**" بودکه: "**مجلس‌بزرگ‌سوگواری...**" (همان‌جا) انقلاب رابرپادارند. وبرای برپائی این به اصطلاح مجلس سوگواری‌بود که‌ضدانقلابیون هر روز به بهانه ای جدید به آشگفتگی هرچه بیشتر جو مملکت دامن می‌زدند.

بهانهٔ "گروگان‌ها"

ابتداکوشیدند چنگ‌درطناب "گروگان‌گیری" بزنند، وبه‌همین دلیل، آنانی که از ابتدا خود را باآمریکا در جنگ نمی دیدندو باعمل "گروگانگیری" جاسوس‌های آمریکائی مخالف بودند، ناگهان انقلابیونی چندآتشه ازآب درآمدند، که‌اگر می‌توانستند، البته‌در حرف، ریگان وسناتورهای آمریکایی راهم یک جاگروگان می‌گرفتند، البته به رهبری "سپه‌سالاربنی‌صدر":

"... **باید امیدوار بودکه‌این‌بارچرتکه انداختن ورسیدگی دقیق به مطالبات آمریکا از ایران بتواند ذره‌ای از این دریای‌بیکران را به دست ملت ایران بازگرداند و مسببین حیف ومیل غیر قابل بخشش اموال را در پیشگاه ملت به‌محاکمه‌بکشاند... بیانیه (الجزایر) در حقیقت فقط برای حل مسئلهٔ گروگانگیری درجهت منافع آمریکا طرح‌ریزی شده‌است...**" (۱۰ اردیبهشت ۶۰ – از مقاله بنی‌صدر در انقلاب اسلامی)

ویا اعلام جرم **بنی‌صدر**علیه رئیس جمهور شهید **رجائی** به‌علت: "... **تخلف از قانون راجع به‌حل وفصل اختلافات مالی و حقوقی دولت‌جمهوری اسلامی ایران بادولت آمریکا، برداشت واختلاس ازوجوه‌دولت‌ایران به‌نفع اتباع وموسسات‌آمریکائی...**" (۸ اردیبهشت ۶۰ – ازنامه بنی‌صدر به رئیس مجلس)

وعجبا! گویندهٔ این سخنان کسی بود که برای آزادکردن "گروگان"ها بدون‌کمترین تعهدی ازجانب آمریکا با **کارتر** ساخت‌وپاخت کرده‌بود. (به‌شماره‌های قبل مراجعه‌کنید)

البته همه این‌ها باجنجال یکی دیگر از روزنامه‌های پیرو "خط برژینسکی"، یعنی "**میزان**" دربارهٔ حل مسئله "گروگانگیری" وبه اصطلاح‌نظرخواهی درباره آن نیز همراه‌بود. آن‌هایی‌هم که با **برژینسکی** ها به مذاکره نشستند وبه‌شدت از تسخیر لانه جاسوسی آمریکاتوسط "**دانشجویان مسلمان پیرو خط امام**" خشمگین ومتاسف بودندبا **بنی‌صدر**هم‌صدا شدندکه: "... **ماسئوال می‌کنیم آیا در شأن جمهوری‌اسلامی وانقلاب اسلامی‌ایران‌بود که برای آزادی گروگان‌ها بزرگترین قراردادهای اقتصادی را با آمریکا امضاء کنند...**" (۱۰ اسفند ۵۹ – سخنان‌دکتریزدی‌ – انقلاب اسلامی)

"رنجبر"ی‌های معلوم‌الحال‌هم بیکار نبودند:

"... **سازش باشوروی، نرمش باآمریکا، اینست کارنامه یک ساله "گردانندگان‌گروگان‌گیری... تسخیر لانهٔ جاسوسی آمریکا و گروگانگیری... نتایج و عواقب عمدتا منفی و مخربی برای انقلاب ما به‌بارآورد...**" (رنجبر – شماره ۱۵۲)

رادیو "**بی.بی.سی**"، بلندگوی امپریالیسم انگلستان، نیز با این خیل ضدانقلابیون هم‌صدا بود:

"... **ماجرای گروگانگیری‌به‌دولت‌ایران لطمهٔ بزرگتری وارد ساخت، چراکه دولت‌عراق بابهره‌برداری از انزوای دولت‌ایران به خاک آن‌کشورحمله‌برد...**" (۲۹ دی ۵۹)

ساز **رادیوبختیار**هم‌نوای یکسانی‌راکوک می‌کرد:

"... **پیامدهای ملموس گروگانگیری‌چون جنگ‌بابیکاری، بحران‌اقتصادی‌وکمبود، مطمئنا سبب‌غفلت از اثرات بسیارعمیق‌تر و فاجعه‌آمیزتر آن‌نمی‌شود...**" (۷ بهمن ۵۹)

کارروزنامهٔ "**انقلاب‌اسلامی**" در این مورد به‌جائی رسید که سخنگوی "هیئت سه نفری حل‌اختلاف"، روز ۱۶ اردیبهشت ۶۰ رسما اعلام کرد که:

"... **روزنامهٔ انقلاب‌اسلامی در طرح مسئلهٔ گروگان‌ها تخلف قطعی‌ازفرمان‌امام‌کرده است...**" (روزنامه‌انقلاب‌اسلامی)

بهانهٔ "دانشگاه‌ها"

پس از مسئلهٔ "گروگانگیری"، موضوع بسته بودن دانشگاه‌ها توسط بنی‌صدریون علم شد، البته بدون اشاره به‌اینکه‌**بنی‌صدر**، درمیتینگ به‌مناسبت بستن دانشگاه، سخنران اصلی بود

"... **وقتی بدل نهایت (ظ. عنایت) شود که دانشگاه‌های ماهنوز بسته‌اند و معلوم نیست، چه‌کیفیتی وتحت چه‌شرایطی گشوده خواهدشد... واکثرمستضعفین واهل فن، یابه اجبارگوشه اعتکاف جسته‌اند ویابه‌دیار غربت روانه‌شده‌اند، برشوربختی این ملت تاسف خوردن کمترین کاراست...**" (۱۰ اردیبهشت – سرمقاله انقلاب‌اسلامی به قلم سید حسین نواب صفوی)

بنی صدریون برای‌اینکه‌ازتاسف‌خوردن کمی‌بیشترکارکرده‌باشند، برگزاری سمیناری به منظور "رسیدگی به‌مسائل دانشگاهی" را نیز برعهده‌گرفتند، که‌حتما می‌توانیدگردانندهٔ این سمینار راحدس‌بزنید: "... **دفتر هماهنگی همکاری‌های مردم بارئیس جمهور...**" (۱۰ اردیبهشت ۶۰ – انقلاب اسلامی)

وبعد برگزاری هفته "بررسی بحران دانشگاه‌ها" وآخر سرهم اینکه:

"... **هیچ‌نوع‌استبدادی را بر دانشگاه نمی‌توان‌حاکم‌کرد...**" (۱۳ اردیبهشت ۶۰ – انقلاب‌اسلامی – بنی‌صدر)

البته، طبق معمول، گروهک آمریکا – ساخته وچین پرداخته "رنجبران" هم بیکار نبود:

"... **حاکمین کنونی دانشگاه‌ها را باز نخواهند کرد وچپ‌روی گروه‌ها نیز بهانه به دست مستبدین می‌دهد. دانشگاه‌بایدبابسیج وتشکل دانشگاهیان ومردم‌گشوده‌شود...**" (رنجبر شماره ۱۴۸ – از مقاله استبداد از دانشگاه می‌ترسد)

وبعد هم‌تبلیغ اینکه مملکت در حال سقوط‌است:

بقیه‌درصفحهٔ ۱۲

توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری انقلابی و مردمی لیبی

* امپریالیسم آمریکا دخالت در امور کشورهای مستقل را "حق طبیعی" خود می داند.

مداخله در امور داخلی دیگر کشورها پیوسته یکی از ویژگیهای برجسته سیاست خارجی دولت امپریالیستی ایالات متحده آمریکا بوده است. این ویژگی، که با اعلام به اصطلاح "**منافع حیاتی آمریکا**" از سوی **کارتر** شدت گرفت، در دوران ریاست جمهوری **ریگان** بجایی رسیده است که امپریالیسم ایالات متحده دخالت در امور کشورهای مستقل را "**حق طبیعی!**" خود می داند. این مداخله جویی چنان گستاخانه شده است که حتی برخی از دیپلماتهای غربی از "**ابتذال سیاست خارجی کاخ سفید**" سخن می‌گویند.

نمونه بارز این مداخله‌جاورکارانه را چندی است که در کارزار ضد لیبی "واشنگتن" می‌بینیم. به نوشتهٔ "**نیوزویک**" (۹شهریور ۱۳۶۰)، علت این "**جنگ اعلام نشده**" آمریکا علیه لیبی آنست که:

"**معمرقذافی، مرد قدرتمند لیبی، از هنگامیکه ده سال پیش قدرت را بدست گرفت، کشور خویش را بسوی رویارویی با منافع آمریکا رهبری می‌کند... دولت ایالات متحده معتقد است که قذافی خطری برای همسایگان آفریقای شمالی خود، صلح خاورمیانه و حتی رژیم های دوردست هواخواه غربی چون فیلیپین بشمار می‌رود. از این روست، که دولت ریگان می‌کوشد تا او را بعنوان یک نیروی سیاسی و نظامی موثر خنثی سازد**".

"جنگ اعلام نشده" "واشنگتن" علیه لیبی تاریخچه طولانی دارد. در زیر تنها چند نمونهٔ موضع گیری خصمانه و مداخله جویانه آمریکا را در سال جاری در برابر لیبی برمی شمریم.

جنگ به اصطلاح "**نیوزویک**" "**نه چندان سرد**" **ریگان** علیه لیبی در ۲۶ اردیبهشت امسال آغاز شد. دولت آمریکا "**دفتر خلق**" (سفارت) لیبی را در "واشنگتن" تعطیل کرد. و دیپلمات های لیبیایی را مجبور کرد که درظرف پنج روز خاک آمریکا را ترک گویند. وزارت خارجهٔ آمریکا برای توجیه این گام به دستاویز پوچ "رفتار تحریک آمیز" مقامات سفارت و پشتیبانی دولت لیبی از "تروریسم بین‌**المللی**" توسل جست، یعنی درست دو ویژگی بارز سیاست خود آمریکا در قبال لیبی، و نه تنها در برابر این کشور.

تعطیل سفارت لیبی در "واشنگتن" هیستری گستردهٔ ضد لیبی و "شکار" دانشجویان انقلابی این کشور را در ایالات متحده آمریکا بدنبال داشت ــ روشی که امپریالیسم آمریکا مدتهاست نسبت به ایرانی‌های پیرو انقلاب مقیم آمریکا اعمال می‌کند.

در چارچوب این هیستری ضد لیبی و ضد قذافی، دو "نویسنده" معلوم الحال آمریکایی، بنام های "**لاری کالینز**" و "**دومینیک لاپیر**" در یک رمان بولواری و "تخیلی" خود **قذافی** را بعنوان "قهرمان شانتاژ هسته‌ای نیویورک معرفی می‌کنند.

درهمان روز تعطیل سفارت لیبی، دولت آمریکا شهروندان خود را در لیبی فراخواند، تا آن کشور را ترک گویند و به آمریکا بازگردند. بنوشته "**تایم**" (۹ شهریور ۱۳۶۰)، بیشتر آمریکایی های مقیم لیبی این فرمان و دیگر فراخوانهای مکرر دولت خویش را نادیده گرفتند.

به اعتراف "**نیوزویک**" (۹شهریور ۶۰)، "واشنگتن" همچنین کوشیده است "همسایگان آفریقایی لیبی" را، که گویا در برابر "تجاوز" این کشور در موقعیت حساسی" قرار دارند، در برابر لیبی علم کند و بدانها کمک برساند. این هفته نامه در این زمینه از تونس و سودان و مصر نام می‌برد. "کاخ سفید" از "کنگره" خواسته است، تا برای مقابله با این **خطر موهوم** بودجهٔ کمک نظامی آمریکا را به کشورهای نامبرده افزایش دهد. چند هفته پیش، وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که تانک‌های "ام ــ ۶۰" به تونس خواهد فروخت به سخن "**نیوزویک**" (۹ شهریور ۶۰) **ایالات متحده ممکن است در اقدامی پنهانی تر به دولت وابسته به غرب موریتانی کمک برساند...**".

* امپریالیسم آمریکا هیچگاه پشتیبانی مردم و دولت لیبی را از **انقلاب** ایران و جمهوری اسلامی **ایران** نبخشیده است.

* آمریکا نقشه استفاده از مصر و دیگر کشورهای ارتجاعی عرب را برای سرنگونی دولت کنونی لیبی طرح ریخته است.

* امپریالیسم آمریکا قانونی جز "قانون" هفت تیرکشان و منطقی جز "منطق" گاوچرانان نمی شناسد.

انور سادات با توهین مکرر به رهبر لیبی و توصیف او بعنوان "دیوانه" و "بیمار روانی" وغیره، بگونهٔ خویش، مراتب سپاسگزاری خویش را از مراحم ارباب آمریکا ابراز داشته است.

چندی پیش، روزنامه "**دنیویورک دیلی نیوز**" گزارش داد که دولت **ریگان** مشغول طرح نقشه‌ای است که استفاده از مصر و دیگر کشورهای "میانه‌رو" عرب را برای سرنگونی دولت کنونی **قذافی** پیش بینی می‌کند.

دولت آمریکا نه تنها خود علیه لیبی توطئه می‌کند، بلکه متحدان خویش را نیز به همدستی و دسیسه پردازی علیه این کشور برمی انگیزد. "واشنگتن" همیشه یکی از مشوقان دوآتشهٔ سیاست نواستعماری فرانسه در چاد بوده است و از احتیاط بیشتر **میتران** در این زمینه چندان خشنود نیست.

چند هفتهٔ قبل پس از استعفای

* تحریک "خلیج سدرا" از پیش تدارک دیده شده بود.

* جزئیات دسیسهٔ "سیا" برای براندازی رژیم مترقی لیبی فاش شد.

* چرا کاخ سفیدنشینان دچار عقدهٔ لیبی شده‌اند.

هیوجل، معاون "عملیات سری" "**سیا**"، و حملات برخی از جناح‌های متنفذ هیئت حاکمهٔ آمریکا به **ویلیام کیسی**، رئیس "**سیا**" فاش شد، که **هیوجل** نقشه‌ای گسترده، چند مرحله‌ای و پرهزینه برای نابودی **قذافی** و سرنگونی رژیم لیبی تهیه دیده بود، که علیرغم مظلوم نمایی دیگران، به تایید **کیسی** و "کاخ سفید" نیز رسیده بود (یکی از علل مهم استعفای **هیوجل** افشای این توطئهٔ براندازی و کوشش برای "درز گرفتن" آن بود). "**نیوزویک**" در شمارهٔ ۱۲ مرداد ۶۰ خود هدف از این نقشه را "**برکناری قطعی قذافی از قدرت**" توصیف کرد. این هفته‌نامه در آن هنگام افزود:

"**اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی، که نقشهٔ نامبرده را از نظر گذراندند، معتقدند که این بمعنای قتل قذافی بود**".

بازهم به نقل از "**نیوزویک**" (۱۲ مرداد ۶۰)، این توطئه درست به "**کارزار ــ های کلاسیک ایجاد عدم ثبات**" از سوی "**سیا**" می‌ماند، که از سه جزء تشکیل می‌شود:

۱) "برنامهٔ پخش اطلاعات نادرست" (به کمک امپریالیسم خبری)،

۲) ایجاد یک "ضد دولت" برای مقابله با "ادعای (قذافی) مبنی بر به دست داشتن رهبری ملی" (مانند "دولت" های بختیار، اویسی، بنی صدر ــ رجوی وغیره).

۳) "گسترش کارزاری شبه نظامی ... بدست ناراضیان (از رژیم)، انفجار پل‌ها، عملیات پارتیزانی محدود" برای "اثبات" این امر، که "نیروی سیاسی پر توانی" مخالف رژیم است. (بخوان: تروریسم).

هرچند "**تایم**" در شماره ۹ شهریور ۱۳۶۰ ادعا می‌کند که گزارش های مبنی بر توطئهٔ قتل **قذافی** از طرف "**سیا**" "اشتباه" بوده است و بدین ترتیب خود را **مطلع تر** از اعضای کمیسیون مجلس نمایندگان در امور جاسوسی جا می‌زند، ولی **همقطار او "نیوزویک"**، درهمان تاریخ بار دیگر از "**نقشهٔ درازمدت ثبات زدایی**" "**سیا**" علیه لیبی سخن می‌گوید:

"**سیا" نقشه‌ای صبورانه برای ثبات زدایی (رژیم لیبی) و سرنگونی نهایی قذافی تهیه دیده است. نقص اصلی این نقشه آن است که این رهبر انقلابی در لیبی از قدرتی مستحکم ــ بویژه در میان بنیادگرایان مسلمان جوان ــ برخوردار است، که برای "سیا" نیروی مخالف قابل توجهی برای استفاده باقی نمی گذارد. با توجه به کوشش فاجعه آمیز جان اف. کندی برای سرنگونی فیدل کاسترو، دولت ریگان درصدد است که با احتیاط پیش برود... روش ریگان آن است که آهسته و بدون اعمال قهر به استخدام عوامل قابل اطمینان از میان تبعیدیان لیبیایی بپردازد و کار بطئی و خستگی آور ایجاد اپوزیسیونی پرتحرک را علیه قذافی آغاز کند**".

اما ماجرای "**خلیج سدرا**" نشان داد که دولت **ریگان** در دسیسه‌های خود علیه لیبی با گامهای نه چندان "بطئی" و عملیاتی نه آنقدر بری از "قهر" به سوی ماجراجویی‌های جدید پیش می‌رود.

"واشنگتن" می‌خواست از این راه "**واکنش لیبی**" را آزمایش کند. به اعتراف بسیاری از دیگر روزنامه‌های کشورهای غربی نیز "**ماجرای خلیج سدرا**" تحریکی آشکار و هدفمند بود.

"**بازلر تسایتونگ**" می‌نویسد:

"**این رویداد از پیش برنامه‌ریزی شده بود**".

روزنامه فرانسوی "**لوماتن**" سرنگون ساختن دو هواپیمای لیبی را "**قدرت نمایی جدید**" می‌خواند.

از سوی دیگر روزنامه "**فولکزبلات**" می‌پرسد:

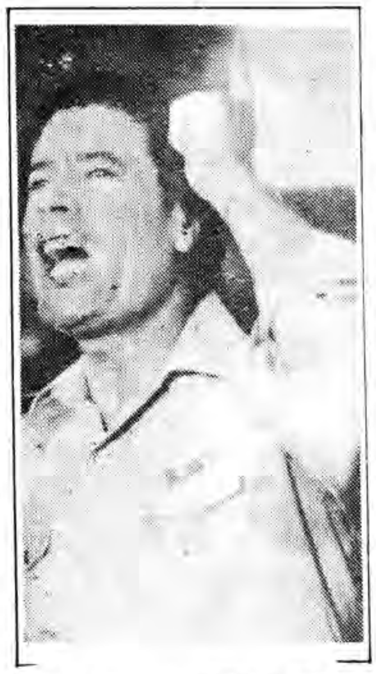
"**آیا امروزه می‌توان هدفمندانه سیاست قدرت نمایی را درپیش گرفت، بدون آنکه با آتش بازی کرد؟**"

"**نیوزویک**" می‌نویسد:

"**کارزار دولت آمریکا علیه قذافی، در بهترین حالت، ماجراجویی خطرناکی است**"

ماجرای "**خلیج سدرا**" یا به گفتهٔ خبرگزاری لیبی، "**اقدام تحریک آمیز علیه خلق لیبی**" به هیچ روی تصادفی نیست بلکه جزیی از سیاست رویارویی هارترین محافل امپریالیستی را تشکیل میدهد. لیبی این توطئه نظامی بازهای امپریالیستی را به شدت محکوم کرد و آنرا "**مبتنی بر قانون هفت تیرکشان و منطق گاوچرانان**" خواند، که "**تنها زبانی است، که ایالات متحده می‌فهمد**".

چنانکه **یاسرعرفات** رهبر "**سازمان آزادیبخش فلسطین**" خاطرنشان ساخت، عملیات راهزنانه آمریکا در "**خلیج سدرا**"



چنانکه چندی پیش خبرگزاری ها گزارش دادند، چند جنگندهٔ آمریکایی "اف ــ ۱۴" متعلق به ناو هواپیمابر "نی میتز" دو هواپیمای گشتی لیبی را برفراز خلیج "**سدرا**" سرنگون ساختند.

نخست باید پرسید که: این هواپیمابر حامل پنج هزار سرباز و در حدود ۱۰۰ هواپیمای جنگنده، بمب افکن و گشتی در سواحل لیبی، یعنی بیش از ۸ هزار کیلومتر دور از بندرهای خودی چه می‌کند؟

ناظران در این زمینه خاطرنشان می‌سازند که هرجا امپریالیسم آمریکا خلق ــ های جهان را به اعمال قهر نظامی تهدید می‌کند ویا عملا به قهر دست می‌یازد، این بزرگترین و مدرن‌ترین هواپیمابر ایالات متحدهٔ آمریکا سروکله‌اش پیدا می‌شود.

چنانکه "نیوزویک" (۹ شهریور ۱۳۶۰) اعتراف می‌کند، انتقال مانور ناوگان ششم ایالات متحده به سواحل لیبی تصادفی نبوده است. این هفته نامه به نقل از "**محافل مطلع**" می‌نویسد که،

نه تنها خطری است برای لیبی، بلکه همچنین تهدید خلق‌های عرب به شمار می‌رود.

از سوی دیگر، کائوبوی‌بازی **ریگان** وجد و شعف یاران مرتجع و عوامل سرسپردهٔ آمریکا را بویژه در خاورمیانه برانگیخت. "**نیوزویک**" (۹شهریور ۱۳۶۰) به نقل از یکی از مقامات مطلع قاهره می‌نویسد:

"**اگر قرار بود سادات چیزی بگوید شاید می‌گفت که آمریکائیها بر آنچه، که وی بارها "عقدهٔ ویتنام" نام نهاده است، سرانجام غلبه کرده‌اند**".

در اسرائیل **مناخیم بگین** فریاد بر آورد که تجاوز نظامی ایالات متحده "**دفاع از خود بود ــ درست مانند حملات هوائی ما به تجهیزات هسته‌ای عراق و مقر سازمان آزادیبخش فلسطین**"!

واما چرا محافل حاکمه ایالات متحدهٔ آمریکا اکنون به واقع دچار "**عقده لیبی**" شده‌اند؟

علت این امر را باید در سیاست ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه این کشور جست لیبی بموقع پایگاه‌های نظامی آمریکا و بریتانیا را در خاک خود تعطیل و کارگزاران آنها را از کشور اخراج کرد. این کشور به ملی کردن شرکت های نفتی امپریالیستی دست زد. لیبی یکی از مبتکران و فعالان "**جبههٔ پایداری و رویا ــ رویی**" بشمار می‌رود و پیوسته با قرارداد ــ های "**کمپ دیوید**" و سرهم بندکردن گروه‌بندی‌های نظامی تجاوزکار در خاورمیانه به مخالفت برخاسته است. این کشور بدرستی مسئلهٔ فلسطین را هستهٔ مسئلهٔ خاورمیانه شمرده و از "**سازمان آزادیبخش فلسطین**" پشتیبانی کرده است ــ همان سازمانی، که "واشنگتن" آن را "سازمانی تروریستی" می‌خواند، گرچه "سازمان ملل متحد" سالهاست که آن را به رسمیت شناخته است. لیبی همیشه همبستگی بیدریغ خود را با مبارزه جنبش ــ های آزادی بخش ملی ابراز داشته است، همان پدیده‌ای که **ریگان** بر آن برچسب "تروریسم بین المللی" میزند. ضمنا **ریگان** "فراموش" کرده است که این خود لیبی بوده است که از سازمان ملل متحد خواستار برگزاری کنفرانسی ویژه برای مقابله با "تروریسم راستین" شده است. **معمرقذافی** در این باره افزوده است که باید میان "تروریسم" و "مبارزهٔ آزادی بخش" فرق گذاشت. وسرانجام از یاد نبریم، که دولت آمریکا و رسانه های گروهی امپریالیستی، چون "**نیوزویک**" و "**تایم**" (از جمله در شمارهٔ ۹ شهریور ۱۳۶۰) خود هنوز از تظاهرات وسیع دو سال پیش مردم طرابلس علیه تجاوزات آمریکا نسبت به ایران با سختانی کینه ــ توزانه یاد می‌کنند و پشتیبانی رژیم مترقی لیبی از انقلاب وجمهوری اسلامی ایران آنها را بس خشمگین ساخته است.

مگرنه آنکه جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران (و گواتمالا، جمهوری دومینیک، شیلی، ویتنام والسالوادور و...) واینک علیه لیبی بارزترین نمونه‌های تروریسم بین المللی است؟



جنگندهٔ متجاوز آمریکا

تفسیر وقایع مهم جهان

مبارزه خلق ها برضد سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا گسترش می یابد.

تلاشهای امپریالیسم آمریکا، در زمینهٔ تدارکات گستردهٔ جنگی وتوطئه‌های نظامی و تحریکات ماجراجویانه علیه‌رژیمهای انقلابی‌و جنبش های رهائی بخش ملی درمناطق مختلف جهان، با موج اعتراض ونفرت خلق‌های جهان روبرومی شود. این تلاشها درعین حال که صلح و امنیت خلق‌ها واستقلال کشورهای ترقیخواه را در معرض خطرهای جدی قرارمی دهد، موجب گسترش جبههٔ ضدامپریالیستی خلق‌ها وانسجام واتحاد بیشترنیروهای ملی ودمکراتیک درجبههٔ پیکار علیه امپریالیسم آمریکا ورژیمهای ضدخلقی و وابسته به آن می گردد.

بیانیهٔ مشترک سران کشورهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن، لیبی واتیوپی که پس از دیدار و گفتگو میان رهبران سه کشور نامبرده انتشار یافت، نمودار برجسته‌ای ازدرک عمیق مسئولیت رهبران رژیمهای انقلابی ومستقل ملی درزمینهٔ اتحاد و همبستگی نیروهای ضد ـ امپریالیستی دربرابرتهدیدات نظامی و نقشه‌ـ های مداخله‌گرانه وتجاوزکارانهٔ امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه کشورهای مستقل ملی ورژیمهای ترقیخواه و همهٔ نیروهای صلح جوواستقلال طلب درمنطقه وجهان است.

بیانیهٔ مشترک رهبران لیبی، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمن در ششم شهریور ۶۰ در طرابلس، عدن وآدیس آبابا انتشار یافت. دراین بیانیه آمده است:

رهبران هرسه کشور، سیاست تروریستی و تجاوزگرانه آمریکا را علیه رژیمهای مترقی جهان و ونیروهای آزادیخواه وتوطئه‌های واشنگتن را به منظورازبین بردن رهبران این رژیمها و نیروها به شدت محکوم کردند".

دراین بیانیه رهبران سه کشور، پس از بررسی تحولات اوضاع جاری منطقه خلیج فارس واقیانوس هند، نگرانی عمیق خویش را از دگرگونی‌های خطرناک دراین مناطق ابرازداشته وعلت این امر راگسترش فعالیت‌های تحریک‌آمیر ومشکوک محافل امپریالیستی خوانده‌اند. رهبران سه‌کشورسیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا را، که احداث پایگاه‌های متعددنظامی درمنطقه و دادن اسلحه وامکانات وتسهیلات نظامی دست نشانده‌ای مانندسومالی، مصر، عمان، بخشهایی از آن است، محکوم کردند.

در بررسی اوضاع بین‌المللی، رهبران سه کشورتائید کامل خود را از نقش مثبت و مهم "**جنبش غیرمتعهدها**" درپیکار بخاطر حفظ ثبات وصلح بین‌المللی وحمایت ازمبارزات خلق ـ هایی که در راه آزادی وپیشرفت می رزمند، اعلام داشته و"**جنبش غیرمتعهد**" ها رایکی از عناصرمهم ثبات بین‌المللی ارزیابی کرده‌اند.

درتحلیل وبررسی اوضاع آسیا، رهبران سه کشورتائیدخودرا ازدوانقلاب افغانستان و کامبوج اعلام کرده مداخلهٔ امپریالیسم رادرامورداخلی این دوانقلاب محکوم کرده‌اند.

رهبران سه کشور نسبت به اوضاع بین‌ـ المللی، بعلت گسترش فعالیت‌های امپریالیستی که‌هدفش افزایش تشنج واخلال درامرهمزیستی مسالمت آمیزوتشنج زدائی است، ونیزنسبت به تولیدبمب نوترونی واستقرار شبکه موشکی در اروپای غربی وگسترش مسابقات تسلیحاتی و ایجادوتقویت پایگاه‌های نظامی واعمال سیاست ـ های تروریستی علیه خلقها، شدیداابراز نگرانی کرده وسیاست امپریالیستی راکه، امنیت و وصلح بین‌المللی رابه‌مخاطره‌افکنده‌است محکوم ساخته‌اند.

رهبران سه‌کشورازکوششهای متحدنیروهای صلح‌دوست وبویژه ابتکارها و مساعی گوناگون اتحادشوروی درخلیج‌فارس، اقیانوس هندو اروپا، بمنظورپایان بخشیدن به‌تشنجات ومتوقف ساختن مسابقهٔ تسلیحاتی وحفظ روندهمزیستی مسالمت آمیز و رفع وخامت اوضاع بین‌المللی جانبداری کرده‌ودراین زمینه‌مواضع کشورهای سوسیالیستی را در یاری دادن به‌مبارزات ملل آزادی خواه وبویژه کمک‌های مادی و معنوی این کشورها به‌انقلاب ومبارزات خلق فلسطین وخلق‌ـ های نامی‌بیا وجنوب آفریقا راستوده‌اند.

رهبران سه کشوربر روی اهمیت گسترش همکاری استراتژیکی باکشورهای سوسیالیستی و کشورها ونیروهای مترقی در جهان تاکیدکرده‌تلاشهای دولتهای سرمایه داری صنعتی رادرزمینه‌تحمیل سلطهٔ اقتصادی خودبر کشورهای درحال‌توسعه‌محکوم ساخته، حمایت خودرا ازپیشنهاداستقرارنظام روابط اقتصادی بین‌المللی جدید، که برپایهٔ عدالت و برابری حقوق همهٔ خلقها استوارباشد، اعلام داشته‌اند.

رژیم خیانت پیشهٔ سادات در برابر موج خشم و انزجار مردم مصر

طبق‌گزارش‌خبرگزاری‌ها، رژیم انورسادات در روزهای اخیر بیش ازهزاران نفرازمردم ترقی‌ـ خواه ودانشجویان وروحانیون مبارزرا بازداشت کرده‌است. تبلیغات رسمی رژیم این بازداشتهای گسترده را بادرگیری‌هایی که گویا به علت اختلافات مذهبی پدیدآمده‌توجیه می‌کند. تا بدینوسیله‌اعتراضات گستردهٔ نیروهای ملی و دمکراتیک علیه رژیم خائن سادات را ناچیز جلوه‌دهدوانگیزهٔ خیزش این موج اعتراضات گسترده راکه‌علیه سیاست های داخلی وخارجی ضدملی رژیم است، پرده پوشی کند.

توده‌های مردم پس ازاطلاع ازبازداشت وسیع رهبران نهضت ملی ودمکراتیک وروحانیون مبارز، که‌بوسیلهٔ دستگاه پلیس رژیم سادات انجام گرفت، به‌تظاهرات وراه‌پیمایی دست زدند. نیروهای انتظامی رژیم و واحدهایی از ارتش، که‌برای سرکوب تظاهرکنندگان خیابان‌ـ های شهررازیرکنترل خودگرفته‌بودند، علیه شرکت‌کنندگان درتظاهرات به‌شیوه‌های خشونت آمیزدست زدند. وبرای پراکنده کردن انبوه تظاهرکنندگان ازگازاشک‌آوراستفاده‌کردند.

طبق گزارش خبرگزاری‌های کشورهای عربی، درجریان این تظاهرات وبازداشت ها ۵۰ تن ازافسران ارشدنیروهای مسلح مصرنیز بازداشت شده‌اند. این امرگواه‌برآن است‌که اعتراض علیه رژیم خیانت پیشهٔ سادات، که یازده‌سال است‌برمردم مصرونیروهای ترقیخواه این‌کشورتحمیل‌گردیده، ریشه‌های‌عمیق دارد و می‌رودکه‌ارکان‌این‌رژیم رامتزلزل‌سازدوسرانجام آنرابه‌زباله‌دان تاریخ‌بسپارد.

انورسادات، طی یازده سالی که‌ازعمر منحوس رژیمش می‌گذرد، تمام دستاوردهای انقلابی‌خلق مصر را پایمال کرده و باسیاست اقتصادی "درهای‌باز"، اقتصادملی‌کشور را به افلاس کشانده‌است. این رژیم خیانت پیشه با اجرای سیاست تسلیم طلبانه‌دربرابررژیم تجاوز ـ کار صهیونیستی‌اسرائیل و تن در دادن به امضای موافقت نامه‌های کمپ‌ـدیوید بزرگترین خیانت‌رابه‌همه‌خلق‌های‌عرب‌وبیش‌ازهمه به خلق‌عرب‌فلسطین‌مرتکب‌گردیده‌است‌سادات با این‌خیانت‌خود درجبهه‌متحدخلقهای‌عرب در برابرتجاوز اسرائیل تفرقه ایجاد نموده و گسترش نفوذ سیاسی‌ونظامی واقتصادی امپریالیسم آمریکادراین‌منطقه را میسرساخته است. اینک‌رژیم سادات به ژاندارم امپریالیسم آمریکادرمنطقه‌تبدیل‌گشته‌ودراقدامات‌توطئه ـ گرانه‌ومداخلهٔ نظامی علیه‌کشورهای‌مستقل‌ملی‌و انقلاب‌ها وجنبش های رهایی بخش خلق‌ها، از نزدیکترین دستیاران امپریالیسم آمریکاست.

بدون تردیدزحمتکشان مصروهمه‌نیروهای ترقیخواه ودمکراتیک آن کشور، که پیامدهای اسف بارخیانت‌ها وجنایت‌های این رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم را هر روزبیشتر احساس میکنند، باهمبستگی وپشتیبانی همه‌خلق ـ های انقلابی ونیروهای‌ترقیخواه‌جهان‌عرب و منطقه، این رژیم ننگین را ازدامن تاریخ کهن خلق‌مصرخواهندزدود. رژیم خیانت پیشهٔ سادات‌محکوم به همان سرنوشتی‌است که شاه ملعون‌به‌آن دچارگشت.

گسترش موج اعتراض علیه سلاح نوترونی وسیاست جنگ افروزانه آمریکا

سیاست جنگ‌افروزانه‌آمریکا وتدارکات جنگ‌هسته‌ای‌باچنان‌موج‌اعتراض‌ونکوهشی در کشورهای اروپای غربی وسراسرجهان‌روبروشده، که‌موجب‌سراسیمگی‌وعصبانیت‌محافل‌جنگ‌طلب آمریکاگردیده‌است. اعتراضات‌محافل اجتماعی اروپای غربی‌چنان دامنهٔ‌گسترده‌ای به خود گرفته که درسیاست دول‌کشورهای‌اروپای غربی عضو"ناتو" به عامل‌موثروبازدارندهٔ پیروی‌از برنامه‌های‌نظامیگری امپریالیسم آمریکا تبدیل شده‌است.

دولت دانمارک درزیرفشاراعتراضات گستردهٔ محافل اجتماعی کشور ناگزیرشداعلام کندکه دانمارک اجازه نخواهد داددر سرزمین‌این‌کشور سلاح‌نوترونی مستقرشود. **اگون بار**، عضوهیئت رئیسهٔ حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی، با تصمیم دولت **ریگان** درموردتولیدسلاح‌نوترونی واستقرارآن درکشورهای اروپای غربی مخالفت نمود. وی‌درمصاحبهٔ خوددرشبکهٔ تلویزیونی هلنداظهارداشت که تولیدسلاح‌نوترونی‌موجب گسترش مسابقهٔ تسلیحاتی‌می‌شودوخطر وقوع جنگ‌هسته‌ای راتشدیدمی‌کند.

اگون‌بار ادعای محافل نظامی‌آمریکا را مبنی برانیکه‌گویاسلاح‌نوترونی‌یک سلاح‌تدافعی است، ردکردوگفت‌که، سلاح‌نوترونی‌یک سلاح تجاوزی است، که‌می‌تواندتمام‌نیروی‌انسانی و موجودات زندهٔ طرف موردتجاوز رانابودسازد.

کمیتهٔ شوروی‌دفاع‌ازصلح، طی بیانیه‌ای، تصمیم دولت**ریگان** رادرموردتولیدسلاح‌نوترونی واستقراراین‌سلاح‌درخاک‌اروپا، محکوم‌کرد. در این‌بیانیه‌آمده‌است‌که‌تصمیم **ریگان** تمام‌کوشش‌ـ ها رادر راه‌تنش‌زدایی‌وقطع‌مسابقهٔ تسلیحاتی عقیم‌می‌گذاردوکامیابیهائی‌که‌درنتیجهٔ مساعی همهٔ خلق‌هادر راه کاهش تشنجات ومحدود کردن‌مسابقهٔ تسلیحاتی‌بدست‌آمده، باتصمیم دولت **ریگان** ازمیان‌می‌رود.

موج‌اعتراض علیه‌تولیدسلاح‌نوترونی و تشدیدتدارکات جنگی‌امپریالیسم‌آمریکا، علاوه برقارهٔ اروپا، سایرکشورهای جهان را نیزدربر گرفته‌است.

وزارت‌امورخارجهٔ جمهوری‌اسلامی‌ایران، باانتشاراظهاریه‌ای‌تصمیم دولت**ریگان** رادرمورد تولید سلاح‌نوترونی‌محکوم‌نمود. دراین‌اظهاریه خاطرنشان‌شده‌است که جمهوری اسلامی‌ایران خواستارمنع این‌سلاح وحشیانه و کشتار دسته جمعی است.

ـ رهبران ومقامات‌رسمی‌سایرکشورهای خاور نزدیک‌ومیانه‌نیزاین‌تصمیم دولت‌آمریکارامحکوم نموده‌وآنرااقدام ماجراجویانه‌ای‌در راه تشدید خطروقوع جنگ‌هسته‌ای‌ارزیابی‌کرده‌اند.

اتحادوهمبستگی همه‌نیروهای‌صلحدوست وهمهٔ خلق‌های‌جهان درمبارزه‌بخاطرحفظ صلح وامنیت می‌توانندنقشه‌های‌تجاوزکارانه وجنایت آمیزامپریالیسم آمریکا علیه‌خلق‌های‌جهان رابا شکست مواجه‌کند.

توجیه تدارکات جنگی ومسابقه تسلیحاتی باخطرموهوم شوروی

طبق‌گزارش خبرگزاری های آمریکایی، وزارت دفاع آمریکادر صدد است "اطلاعات محرمانه‌ای" دربارهٔ گسترش‌قدرت نظامی اتحاد شوروی منتشرکند. ژنرالهای پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) ومحافل‌جنگ‌طلب‌امپریالیستی، هر بارکه‌درزمینهٔ تشدیدمسابقهٔ تسلیحاتی و گسترش‌تدارکات‌جنگی‌برنامهٔ تازه‌ای‌به‌مورداجرا درمی‌آورند، "اطلاعات‌واسنادمحرمانه‌ای" را دربارهٔ تفوق نظامی‌وافزایش قدرت‌نظامی اتحادشوروی‌منتشرمی‌کنند! افسانهٔ "خطر شوروی "سالهای‌سال‌است‌که بدست قلم زنان محافل‌جنگ‌طلب‌آمریکا به‌اشکال‌گوناگون عرضه می‌شود. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مطبوعات‌آمریکا، به‌تحریک‌وزارت‌جنگ‌آمریکا، اخبارجنجال‌بر‌ـ انگیزی‌رادربارهٔ تفوق‌نیروی‌هوایی شوروی‌وبویژه بمب‌افکن‌های‌دورپروازشوروی‌درصفحات خود منتشر می‌کردند. در پی این‌تدارک‌تبلیغاتی، کنگرهٔ آمریکابرای رفع این "عقب ماندگی" لایحهٔ افزایش هزینه‌های نظامی آمریکارا به تصویب رساند! درآن زمان‌این‌اخبارواطلاعات ازمنابع انحصارات‌ومجتمع‌های‌صنعتی و نظامی، بویژه‌رشته‌های هواپیماسازی، در اختیار مطبوعات گذارده‌شدولایحه‌افزایش هزینه های نظامی‌هم‌بوسیلهٔ آن‌محافلی‌ازپنتاگون‌تدوین‌شد، که‌با مجتمع‌های نظامی‌ـ صنعتی در ارتباط نزدیک‌اند.

دردههٔ ۶۰، درگرماگرم مبارزه برای انتخاب ریاست جمهوری، تمام‌تبلیغات برمحور این‌مسئله‌دورمی‌زدکه "روسیه‌شوروی" از لحاظ سلاح‌موشکی‌برآمریکا سبقت گرفته‌است. درنتیجه دولت جدیدکاخ سفید بیدرنگ به مشتریان پنتاگون برای‌ساختن‌سلاح‌موشکی‌سفارشاتی داد ولایحهٔ آن‌نیزازجانب‌ژنرال های آمریکایی تدوین‌شدودرکنگره‌به‌تصویب رسید.

وزیردفاع آمریکادرسال ۱۹۷۵ براساس "اطلاعات" دوایرجاسوسی‌آمریکا اعلام کردکه اتحادشوروی‌برای‌مقاصدنظامی بیش ازایالات متحد آمریکا، هزینه صرف‌می‌کند. معاون‌وزیر دفاع‌طبق "اسنادمحرمانه‌ای "که‌ازجانب‌ماموران "**سیا**" تنظیم شده‌بود، اعلام کرد که بودجهٔ نظامی‌اتحادشوروی‌سالیانه ۲۰۰ میلیارد دلار است. درحالیکه‌طبق‌آمارر‌سمی، کل درآمد ملی اتحادشوروی‌درآن‌سال قریب ۶۰۰ میلیارددلار بود، که ۸۰٪ آن‌به پیشرفت‌امورصنعتی‌وکشاورزی وافزایش رفاه وسطح زندگی‌اهالی‌کشوراختصاص داده‌شده‌بود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شودکه "افسانهٔ خطرشوروی "به‌چه‌منبع درآمدسرسام‌آوری برای مجتمع های‌صنعتی‌ونظامی‌آمریکا تبدیل شده است. بدیهی‌است که ژنرالهای وزارت جنگ آمریکانیزحق‌دلالی‌خودراازآن‌برداشت‌می‌کنند "اطلاعات‌محرمانه "جدیدی‌هم که‌دربارهٔ گسترش‌قدرت‌نظامی شوروی، پنتاگون در صدد انتشارآن‌است، روایت‌تازه‌ای از افسانه "خطر شوروی "است، که بوسیله‌آن‌می‌خواهندتصمیم جدید **ریگان** را درمورد تولید سلاح‌نوترونی توجیه‌کنند.



مطبوعات درهند

درهنداکنون ۹۹۲ روزنامه، ۴۶۵۴۰ هفته‌نامه، ۵۷۳۹۰ ماهنامه و ۸۱ مجله یک روزدرمیان ودو روزدرمیان در ۴۰/۸ میلیون نسخه‌منتشرمی شود.

درسال ۱۳۵۷ شماره‌وتیراژروزنامه ـ هاومجله‌های هندی‌زبان (۴۱۹۶ عدد **در ۹/۷ میلیون نسخه) برای نخستین بار از روزنامه‌ها و مجله‌های انگلیسی زبان (۳۰۸۵ عدد در ۹ میلیون نسخه) پیشی گرفت.** اکنون دراین‌کشور ۲۹۴ روزنامه‌به هندی، ۱۰۳ روزنامه به اردو و ۱۰۲ روزنامه‌به مراتی منتشرمی شود. اما پر تیراژترین روزنامهٔ هند "**آناندا بازار پاتریکا**" است، که در ۳۷۶۰۰۰ نسخه، بزبان‌بنگالی درکرالا، یعنی بزرگترین ایالت هندوستان، انتشارمی‌ـ یابد، عمر ۲۴ روزنامه‌هندازصد سال می‌گذردوقدیمی‌ترین‌آنها "**بمبئی ساماخار**" است، که‌تقریبا ۱۶۰ ساله‌است (تاسیس: ۱۸۲۲) وبه‌زبان "گجراتی" منتشرمی شود.

تنها ۳/۴ درصد روزنامه‌ها **ومجله ـ های‌هند**دولتی‌است‌وبقیه‌به **افراد**، شرکتها، احزاب، اتحادیه‌ها **وکنسرن‌ها** تعلق‌دارد.

ازآنجاکه‌بیش ازنیمی از سکنهٔ ۶۸۴ میلیونی‌هندبیسوادند، هنوز ۱۸۴ ایستگاه‌رادیویی‌این‌کشوربرای‌اکثریت عظیم‌آنها‌مهم‌ترین‌منبع **اطلاعات**، آموزش وسرگرمی‌است.

چرا رژیم آفریقای جنوبی، آنگولا را پیوسته هدف تجاوزات در منشانه خود قرار می دهد؟

بگزارش خبرگزاری ها، نیروهای آفریقای جنوبی روز دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۰، بار دیگر تهاجم گسترده‌ای را علیه آنگولا آغاز کردند.

ادوآردو دوش سانتوش، **رئیس** جمهور آنگولا، تجاوز جدید "پرتوریا" را به کشور خود محکوم ساخت. وی در پیامی به **فیدل کاسترو**، **رئیس جنبش غیر متعهدها**، **و دانیل آراپ موی**، رئیس **سازمان وحدت آفریقا** تاکید کرد که تجاوز جدید نیروهای "پرتوریا" صلح منطقه و امنیت بین‌المللی را بخطر انداخته است.

برپایه اطلاعیه وزارت دفاع آنگولا آفریقای جنوبی اکنون در حدود ۴۵ هزار سرباز در مرز آنگولا، در سرزمین اشغالی **نامی‌بیا متمرکز** ساخته است.

حملات لااقل دو هدف دیگر را نیز دنبال می‌کند:

آفریقای جنوبی از یکسو در پی آن است که ارتباط راه آهن از آفریقای مرکزی به ساحل اقیانوس اطلس، بویژه از معادن زامبیا ـ زئیر، را قطع کند و دو کشور نامبرده را مجبور سازد که از خطوط آفریقای جنوبی استفاده کنند. از سوی دیگر، "پرتوریا" برنامه درازمدت خود را برپایه فلج ساختن اقتصاد آنگولا، ثبات زدائی در رژیم مترقی آن کشور و تدارک ضد انقلاب استوار ساخته است.

در این گستره باید از باند ضد ـ انقلابی **"اونیتا"**، بسرکردگی **یوناس ساویم بی**، نام برد، که از خاک نامی‌بیا و با سلاح‌های آفریقای جنوبی به عملیات **خرابکارانه علیه "سواپو"** و جمهوری خلق



در برابر ترور نژادپرستان آفریقای جنوبی، زنان و کودکان نامی‌بیایی مجبورند به آنگولا پناه ببرند.

تجاوزات نظامی آفریقای جنوبی به آنگولا تاریخچه طولانی دارد:

برپایه گزارش یک کمیسیون بین‌المللی تحقیق از بهار ۱۳۵۵، یعنی از زمان شکست نیروهای آفریقای جنوبی در دومین جنگ آزادی‌بخش آنگولا، تا اوایل پائیز ۱۳۵۸، رژیم نژادپرست "پرتوریا" بیش از ۲۰۰ بار به تهاجم هوائی و زمینی علیه آنگولا دست زده است. این تهاجمات به مرگ ۵۷۰ آنگولایی و ۶۱۲ پناهنده نامیبیایی انجامیده است. در نیمه اول سال میلادی ۱۹۸۰، آفریقای جنوبی ۵۲۹ بار به آنگولا تجاوز کرد.

آنگولا اشتغال دارد. "**اونیتا**"، بدینسان، سنتی را ادامه می‌دهد که، طبق آن، در دوران پیکار آزادی‌بخش ضد استعماری، بدستور پرتغالی‌ها، به رزمندگان **"مپلا"** از پشت خنجر می‌زد و در دومین جنگ آزادی‌بخش سالهای ۵۵ـ ۱۳۵۴ **"فنلا"** برهبری **هولدن روبرتو** نیز بدان وفاداری نشان داد.

در زمان وزارت خارجه **هنری کیسینجر**، **"اونیتا"** از کمک بیدریغ "**سیا**" بهره‌مند می‌شد. پنج سال پیش قانونی این کمک را ممنوع ساخت، اما در **تابستان سال گذشته این منع از سوی سنای**

کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی بهره‌ور می‌شود. **ساویم بی** در سفری که دو سال پیش به ایالات متحده آمریکا کرد، با سردمدارانی چون **هنری کیسینجر**، **شلزینجر** (رئیس اسبق "سیا") و **لین کیرکلند** (رئیس سندیکای ضد ـ کمونیستی "ای. اف. ال ـ سی. آی. او") به گفتگو نشست. زمستان سال گذشته، **ساویم بی** در سفرهمانندی به بریتانیا، با نمایندگان حزب محافظه‌کار آن کشور به "خوش و بش" نشست، این سفر را **تاینی رولندز**، مدیر کنسرن **"لون رو"** سازمان داده بود. مقر رسمی **ساویم بی** در رباط، پایتخت مراکش، است ـ همان رژیمی که درگذشته نظامیان خود را بیاری **موبوتو** در زئیر گسیل داشت و اکنون با جنبش آزادی‌بخش صحرای غربی در جنگ است. بنوشته مجله ابر ارتجاعی **"آروئا"**، پیوندهای دیرینه **ساویم بی** با سازمان جاسوسی فاشیستی پرتغال، یعنی "**پیده**"، "**بهترین توصیه نامه‌ایست که (او) می‌تواند ارائه دارد**".

پرزیدنت **ریگان** در دوران مبارزه انتخاباتی خود در مصاحبه‌ای با **وال استریت جورنال**، قول داد که در صورت پیروزی، سلاح در اختیار **"اونیتا"** بگذارد. باید منصفانه گفت که او بدین تعهد خود نیز بیش از حد وفادار مانده است.

ساویم بی به‌هنگام دیدار اخیر خود از مونیخ، به‌حضور **یوزف اشتراوس** فاشیست دمکرات نمای آلمان غربی، نیز شرفیاب شد و اکنون وی را "دوستی قدیمی" می‌خواند.

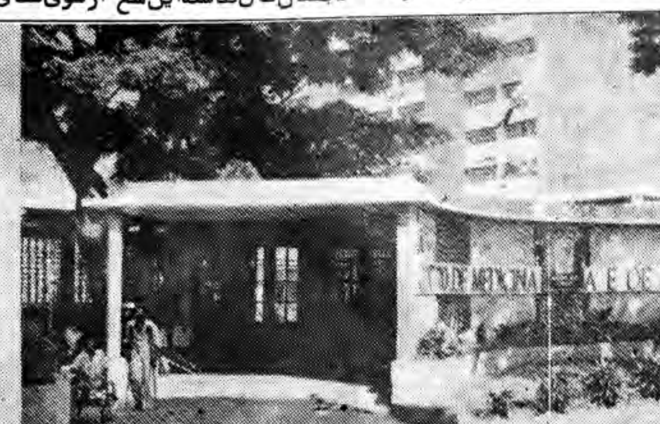
اما ساویم بی‌ها و حامیان امپریالیستی ـ نژادپرست آنها باید بدانند که هم خلق آنگولا عزم راسخ دارد که از استقلال و انقلاب خود سرسختانه دفاع کند، و هم همه نیروهای ضد امپریالیستی و مترقی جهان دوست آنگولا هستند و در این مبارزه مقدس به آن یاری می‌رسانند. برای نمونه:

درپی تهاجم اخیر آفریقای جنوبی به آنگولا، "**تاس**" در بیانیه‌ای در این باره اظهار داشت.

"اتحاد شوروی، که با آنگولا قرار داد دوستی و همکاری دارد، بار دیگر همبستگی خود را با این کشور اعلام میدارد و خواستار قطع فوری تجاوز و خروج نیرو ـ های مهاجم از آنگولا است".

معمر قذافی، رهبر لیبی، آمادگی کشور خود را "برای هرگونه کمک به آنگولا، **برای دفع تجاوزکاران**" ابراز داشت.





کشورهای سوسیالیستی یار و یاور کشورهای نواستقلال: کارشناسان جمهوری دمکراتیک آلمان در مرکز فیزیوتراپی درلواندا، پایتخت آنگولا، متخصص آنگولایی تربیت می کنند.

بزرگترین این تهاجمات بیش از یکسال پیش علیه اردوگاه‌های **سازمان خلق جنوب باختری آفریقا** ("سواپو") در آنگولا صورت گرفت. در این تهاجم ۳۰۰۰ سرباز ارتش منظم آفریقای جنوبی و تانک‌ها و هواپیماهای این کشور شرکت جستند.

آفریقای جنوبی مدعی است که هدف حملات آن به آنگولا انهدام پایگاه ـ های ("**سواپو**") در آن کشور است. درست است که "پرتوریا" از این راه می‌کوشد تا آنگولا را از پشتیبانی از میهن دوستان نامی‌بیا برحذر دارد، اما این

آمریکا لغو شد. ناظران سیاسی در آن هنگام بدرستی این اقدام سنای آمریکا را بعنوان تدارک از سرگیری کمک‌های سخاوتمندانه ـ تر و گسترده‌تر به **"اونیتا"** و حتی **"فنلا"** (که سرکرده آن **هولدن روبرتو** از مرحمت خاص دولت فرانسه نیز برخوردار می‌گردد) ارزیابی کردند.

"اونیتا" که برغم ادعای رسانه ـ های گروهی، هیچگونه موفقیتی در عملیات خرابکارانه خود علیه مردم آنگولا نداشته است، از یاری محافل راستگرای

کوبای انقلابی نیز بار دیگر بر همبستگی خود با آنگولا تاکید کرد. و بویژه پس از تجاوز اخیر آفریقای جنوبی به آنگولا، فریاد اعتراض علیه آفریقای جنوبی و امپریالیستهای پشتیبان آن و ندای همبستگی با خلق و دولت انقلابی آنگولا سراسر جهان را فراگرفته است ایران انقلابی ما نیز از زبان نیروهای انقلابی و مسئولان مملکتی تجاوز راهزنانه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی را به خاک آنگولا محکوم کرده و همبستگی خود را با خلق و دولت انقلابی آنگولا اعلام کرده است.

"سواپو"

تنها نماینده خلق نامی بیا استوار و پیروزمند در راه استقلال و آزادی می رزمد

سازمان خلق آفریقای باختری ("سواپو")، که در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۳۹ (۱۹ آوریل ۱۹۶۰) پایه‌گذاری شد جنبش آزادی بخش ملی توده‌ای است، که براساس اتحاد همه عناصر ضد ـ استعماری **نامی‌بیا**، صرفنظر از نژاد، اعتقاد، جنس و خاستگاه قومی آنها مبتنی است. این سازمان در راه سرنگونی نظام استعماری ـ نژادی تحمیلی آفریقای جنوبی و براندازی حاکمیت امپریالیسم می‌رزمد و هدف آن عبارت است از استقلال و آزادی کامل سیاسی و اجتماعی.

اکثریت تام مردم **نامی‌بیا** از پیکار "**سواپو**" پشتیبانی می‌کنند و جهانیان نیز آن را بمنزله تنها نماینده راستین خلق این سرزمین به‌شمار می ـ آورند. پشتیبانی گسترده مردم **نامی‌بیا** از "**سواپو**" سبب شده است که رژیم اشغالگر و تروریستی "پرتوریا" تاکنون نتواند "**سواپو**" را غیرقانونی اعلام دارد ـ هرچند این سازمان عملا مجبور است بیشتر به فعالیت زیرزمینی بپردازد.

باتوجه به تجربیات تاریخی خلق **نامی‌بیا**، همه فعالیت‌های "**سواپو**" در راستای براندازی نظام سیاسی و اجتماعی ـ اقتصادی کنونی بکار می‌رود. این نظام تنها خادم منافع سیاست استعماری و نواستعماری امپریالیسم است و تابه حال ره‌آوردی جز استثمار، تبعیض و گرسنگی برای مردم **نامی‌بیا** نداشته است. "**سواپو**" در راه ایجاد حکومتی مردمی و دمکراتیک برپایه اراده و شرکت توده ـ های وسیع مردم می‌رزمد و هدف خود را آفرینش چنان شرایط نوینی برای تولید و مناسبات تولیدی اعلام داشته است، که به جامعه‌ای بری از استثمار و ستم بیانجامد.

"**سواپو**" برای پیشبرد هدف‌های

پیروزی نظامی را بر "**سواپو**" از دست داده‌اند. رزمندگان "**سواپو**" پس از ۱۵ سال مبارزه نظامی جانبازانه و دشوار بحق به این دستاورد تابناک خود به خویش می‌بالند.

"**سواپو**" در ۲۱ سالی که از پیکار آن در راه آزادی ملی می‌گذرد، در جبهه دیپلماتیک ـ سیاسی نیز به پیروزی‌های بزرگی علیه رژیم تروریستی ـ نژادپرست آفریقای جنوبی دست یافته است. "**سواپو**" اکنون در ۲۰ کشور آفریقایی، آسیایی، اروپایی و آمریکایی

نمایندگی رسمی دارد و بعنوان عضو ناظر سازمان ملل متحد در فعالیت های همه نهادهای این سازمان، از جمله "**سازمان جهانی بهداشت**، **سازمان بین‌المللی کار و سازمان خواربار و کشاورزی**، شرکت می‌کند. "**سواپو**" دو سال است، که در **جنبش غیرمتعهدها** نیز عضویت دارد.

در **نامی‌بیا** امروزه هیچ سازمان سیاسی نیست که در پیکار و پیروزی یارای رقابت با "**سواپو**" را داشته باشد. همه گروهک های دیگر یا ساخته دشمن هستند و یا با آن کم و بیش همکاری دارند. اما "**سواپو**" از اعتماد عمیق خلق برخوردار است.

"**سواپو**" در اردوگاه های پناهندگان نامیبیایی در آنگولا و زامبیا و مناطق آزاد شده **نامی‌بیا** مردم را از نظر سیاسی، معنوی و مادی برای استقلال آماده می‌سازد. در این اردوگاه ها مدارس، بیمارستانها و کارگاه های مختلف احداث شده است، که پناهندگان در آنها آموزش می‌بینند.

"**سواپو**" در مبارزه دشوار خود از کمک مادی **سازمان وحدت آفریقا**، کشور ـ



رزمندگان "سواپو" همه‌جا باگرمی از جانب مردم نامی بیا استقبال می شوند.

خود استراتژی چندگانه‌ای بکار می‌بندد که ماهیت اساسی آن را در تلفیق گام ـ های سیاسی، دیپلماتیک و نظامی باید جستجو کرد. رزمندگان "**سواپو**" این استراتژی متنوع را پاسخگوی شرایط عینی **نامی‌بیا** و نوید بخش پیروزی خویش **می‌بینند**.

با نخستین حمله مسلحانه "**سواپو**" علیه اشغالگران آفریقای جنوبی در روز ۴ شهریور ۱۳۴۵ (۲۸ اوت ۱۹۶۶)، عصری جدید در پیکار مردم **نامی‌بیا** زایش یافت، این حمله نمایانگر عزم "**سواپو**" مبنی بر مقابله انقلابی با قهر ارتجاعی ـ نژادپرستانه و دستیابی به حقوق حقه مردم **نامی‌بیا** بود. امروزه نبرد نظامی عامل تعیین‌کننده مبارزه مردم **نامی‌بیا** را در راه استقلال ملی تشکیل می‌دهد.

ارتش آزادی خلق نامی‌بیا نخست تنها چند رده را در برمی‌گرفت. امروز این ارتش در حدود ۱۱۰ هزار مبارز زن و مرد را شامل می‌شود. با ضربه‌های سهمگینی که **ارتش آزادی خلق نامی‌بیا** برپیکر "پرتوریا" فرود آورده است، نژاد پرستان آفریقای جنوبی هرگونه امید به

های سوسیالیستی و سازمانهای ملی و بین‌المللی گوناگون برخوردار می‌شود. در این زمینه باید بویژه از "**کشورهای جبهه**"، یعنی **آنگولا**، **بوتسوانا**، **موزامبیک** **زامبیا**، **زیمبابوه** و **تانزانیا** یاد کرد. این کشورها نه تنها به "**سواپو**" کمک مادی می‌رسانند، بلکه هزاران نفر از مردم نامیبیا و آفریقای جنوبی را در کشور خود پناه می‌دهند. بنابراین شگفت نیست که آنگولا و دیگر "**کشورهای جبهه**" آماج تهاجمات مکرر آفریقای جنوبی قرار می ـ گیرند.

جای خوشوقتی است که دولت جمهوری اسلامی ایران نیز، بدنبال تجاوز رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به آنگولا، "**سواپو**" را بعنوان تنها نماینده **خلق نامی‌بیا** به رسمیت شناخته و همبستگی خود را با خلق **نامی‌بیا** اعلام داشته است.

سیاست همبستگی جنبش‌های آزادی بخش ملی و دولت های ضد ـ امپریالیستی از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران بدون تردید هم برحیثیت و اعتبار جمهوری اسلامی ایران در صحنه بین‌المللی خواهد افزود، هم جبهه نیرو ـ های ضد امپریالیستی را تقویت خواهد کرد و هم، در نتیجه، به تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب ایران کمک خواهد کرد.

گاهنامهٔ تجاوزات نژادپرستان آفریقای جنوبی به آنگولا

با آخرین تهاجم نیروهای مسلح رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی به جمهوری خلق آنگولا ، تجاوزات "پرتوریا" علیه این کشور به ابعادی جدید دست یافت .

مردم جهان ، سازمان ملل متحد ، سازمان وحدت آفریقا و کشورهای سوسیالیستی وضدامپریالیستی پیوسته سیاست تجاوزنژادپرستان رژیم آپارتاید را به‌سختی محکوم کرده‌اند . این رژیم نه تنها به اعمال غیرقانونی نامیبیا ادامه میدهد ، بلکه همواره علیه جمهوری خلق آنگولا به تجاوز دست میزند .

جمهوری آفریقای جنوبی " ، علیرغم اعتراضات وقطعنامه های گوناگون سازمان ملل متحد ، برخوردار از پشتیبانی دریغ کشورهای امپریالیستی بویژه ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان ، به‌ترور فزاینده علیه خلق‌های جنوب آفریقا ادامه‌میدهد . نژادپرستان آفریقای جنوبی ، به‌بهانه تعقیب "سواپو" ـ که‌سازمان ملل متحد آنرا بعنوان یگانه‌نمایندهٔ راستین خلق نامیبیا می‌شناسد ـ پیوسته می‌کوشند تا اعمال و جنایات خویش را توجیه‌قانونی بخشند .

ازهنگام پایه گذاری جمهوری خلق آنگولا ، رژیم آپارتاید هدف خودرا رویارویی با این کشورنوپا وبراندازی حکومت مترقی ومردمی آن قرار داده است . ناهنامه‌زیر برخی از این تجاوزات بی‌شماررا بازمی‌نماید :

۱۳۵۴ : درپائیز این سال نژادپرستان جمهوری آفریقای جنوبی تجاوز خودرا به آنگولا شدت بخشیدند . چند روز پیش از اعلام استقلال جمهوری خلق آنگولا ، در ۲۰ آبان ۱۳۵۴ ، (۱۱ نوامبر ۱۹۷۵) مزدوران آفریقای جنوبی ، مجهز به جنگ‌افزارهای مدرن ، به این کشور حمله‌بردند . چندی نگذشت که شمارهٔ سربازان آفریقای جنوبی درآنگولا به ۱۰ هزارتن رسید .

همزمان با این تجاوز ، جنگ اقتصادی چندملیتی علیه‌رژیم جوان آنگولا آغازشد . دارایی‌های نقدی آنگولا درکشورهای امپریالیستی مسدودگردید وشرکت‌های خارجی به‌قطع تولید و از بین‌بردن کارخانه‌های "خود" درآنگولا دست‌زدند .

۱۳۵۵ : درزمستان این سال باندهای ضدانقلابی ومزدور آفریقای جنوبی چندین‌بار به‌انفجار راه‌آهن بنگوئلا ، که‌یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی کشور است ، پرداختند .

۱۳۵۶ : ازتابستان این سال تا اواسط دیماه ، نیروهای‌مسلح "جمهوری آفریقای‌جنوبی" ۱۴بار ازخاک‌نامیبیا به‌آنگولا حمله‌کردند . در زمستان ۱۳۵۶ چندین شهرک جنوب آنگولا هدف آتشبار توپخانه نیروهای‌آفریقای جنوبی قرارگرفتند .

۱۳۵۷ : درکشتاری که مزدوران آفریقای‌جنوبی در بهار این سال در "کاسینگا" براه‌انداختند ، بیش‌از ۶۰۰ نفرجان‌خودرا باختند .

چندماه‌بعد ، وزارت دفاع آنگولا اطلاع‌دادکه‌هواپیماهای‌نظامی‌آفریقای جنوبی‌حریم هوایی‌شهرهای "نجیوا" ، "لوبانگو" و"ماتالا" را نقض‌کرده‌اند .

۱۳۵۸ : درآغاز بهاراین سال ، دربیش از ۷۰ بمباران وتحریک مرزی آفریقای‌جنوبی ، عدهٔ بیشماری غیر ـ نظامی آنگولایی به‌هلاکت میرسند . در تاریخ ۴ مهر ۱۳۵۸ (۲۶ سپتامبر ۱۹۷۹) براثرحملهٔ چهارهواپیمای "میراژ" آفریقای‌جنوبی به‌شهر "لوبانگو" ، ۲۶ نفر کشته و۸۹تن سخت زخمی می‌شوند .

اواسط زمستان ۱۳۵۸ وزارت‌دفاع آنگولا اطلاع دادکه از آغازسال‌مسیحی (۱۱ دیماه ۱۳۵۸) ، "جمهوری آفریقای جنوبی" بیش از ۵۰ بار به تحریکات مسلحانه‌علیه‌آنگولا دست‌زد .

۶۰-۱۳۵۹ : درتابستان ۱۳۵۹ ، نیروهای‌آفریقای‌جنوبی ۸بار به "نجیوا" حمله‌بردند ، که‌براثرآن بسیاری ازغیرـ نظامیان به‌هلاکت‌رسیدند . تااوایل فروردین ۱۳۶۰ ، آفریقای‌جنوبی ۱۵۰بار حریم‌هوایی آنگولا رانقض کرد ، ۱۰بار به‌بمباران‌خاک‌این‌کشورپرداخت ، چهار باربه‌عملیات‌زمینی ـ هوایی دست‌زد و ۶باربه‌تیراندازی‌ازهوامبادرت ورزید . درنتیجه‌این تجاوزات ، ۲۶ نظامی و ۷ غیرنظامی کشته شدند .

درخردادماه ۶۰ حمله به‌استان "کونه‌نه" افزایش‌می‌یابد . تقریباهر روز حریم‌هوایی‌آنگولا در این‌منطقه نقض می‌شود . این‌عملیات و تمرکز نیرو در مرزهای‌نامیبیا و آنگولا حاکی ازتدارک تهاجمی گسترده‌است .

در روز ۷مرداد ۶۰ نیروهای‌پیاده نژادپرستان‌آفریقای‌جنوبی‌وارداستان "کونه‌نه" می‌شوندوباپشتیبانی‌هواپیما ـ های‌خود ۷قریه‌رااشغال می کنند ، مهاجمان در "مولمبا" ستاد فرماندهی خود رامستقرمی‌سازند .

دانستنی‌هایی چند دربارهٔ استانهای جنوبی جمهوری خلق آنگولا

سرزمین: مساحت‌استان‌های مرکزی و جنوبی آنگولا ، که هدف تهاجمات تجاوزکاران‌آفریقای‌جنوبی قراردارند ، درحدودنیمی ازوسعت **جمهوری خلق آنگولا** است (۱۲۴۶۷۰۰ کیلومترمربع) . این‌استان‌ها عبارتنداز "بنگوئلا" (مرکز: بنگوئلا) ، "هوآمبو" (هوآمبو) ، بیه (کیتو) ، "مکزیکو" (لوئنا) ، "موکامدش" (موکامدش) ، "هوئیلا" (لوبانگو) ؛ "کونه‌نه" (نجیوا) و"کوآندوـکوبانگو" (منونگه) .

آنگولا دراستان‌های "موکامدش" ، "کونه‌نه" و "کوآندوـکوبانگو" بانامیبیا که دراشغال‌آفریقای‌جنوبی‌است ، در امتداد ۱۲۹۰کیلومترهم مرزاست . دفاع ازاین‌مرز ، بعلت‌همواربودن‌اراضی بسیار دشواراست . درآنسوی‌مرز ، جمهوری آفریقای‌جنوبی "باصطلاح" منطقه عملیاتی "احداث‌کرده‌است ، که پیش ازتهاجم گستردهٔ اخیربه‌آنگولا ، درآن بیش‌از ۴۰هزارسربازارتش‌منظم‌استقرار داشتند . فزون‌براین ، آفریقای جنوبی دراین‌منطقه‌چندین‌پایگاه‌احداث‌کرده است ، که‌ازیکسو برای‌حمله به‌آنگولا از آنهااستفاده‌می‌شود وازسوی دیگر به منظورآموزش‌باندهای "اونیتا" و "فنلا" است وکمک به‌فعالیت‌های‌خرابکارانهٔ آنها .

سکنه‌واقتصاد : دراستان‌های جنوبی جمهوری‌خلق‌آنگولا در حدود ۲ میلیون نفر ، یعنی نزدیک به یک سوم سکنهٔ آنگولا ، زندگی‌می کنند . مهمترین‌گروه‌های‌قومی ساکن‌جنوب آنگولا عبارتند از : "نگان‌گوئلا" ، "چوکوه" ، "هررو" و "خویسان" .

بیشترمردم درروستاهازندگی و کارمیکنند . در اقتصاد کشاورزی استان‌های‌جنوبی‌ذرت و مانیوک‌غالب است ، که‌بویژه‌دردره‌رودخانهٔ "کونه‌نه" کشت وبه‌سراسرآنگولا فرستاده‌می‌شود . ازاینرو ، عملیات‌نظامی‌آفریقای‌جنوبی دراین‌منطقه‌خسارات فراوانی‌برای اقتصادآنگولاببارمی‌آورد . این‌عملیات همچنین‌متوجه‌دامداری آنگولاست (۳ میلیون‌راس‌گاو ، ۱۳۵۷) ، که‌بخش‌عمده آن دراستان‌های‌جنوبی‌متمرکزاست . تا کنون‌هزاران‌راس‌دام ذبح‌ویه نامیبیا برده‌شده‌است . تجاوزگران ، فزون‌براین به‌تجهیزات‌صنعتی (آهن گدازی) "کاسینگا" (درحدود ۳ـ۲ میلیاردتن ذخیرهٔ سنگ‌آهنی که‌دراینجا نهفته است ، ازغنی‌ترین‌منابع آفریقاست ، محتوی‌آهن : ۶۵درصد) ، بندرماهی‌گیری "موکامدش" و "بنگوئلا" (آخرین نقطه‌خط راه‌آهن‌ترانزیت‌ویکی‌ازمهم‌ترین‌منابع ارزی‌آنگولا) حمله‌می‌برند . هدف "پرتوریا" آنستکه دره "کونه‌نه" را ، بانیروگاه‌های آبی واقع در آن ، زیرکنترل خود درآورد .

خسارات‌اجتماعی ـ اقتصادی **جمهوری خلق آنگولا** درنتیجه تجاوز آفریقای‌جنوبی تاکنون بالغ بر ۷/۳ میلیارد دلار ایالات‌متحده بوده‌است . که‌چهاربرابرفرآورده کل اجتماعی آنگولا در سال ۱۳۵۲ است . تنها تهاجمات سال ۵۵ـ ۱۳۵۴ به ۶/۷ میلیارددلار خسارت‌مستقیم انجامید . ازبهار ۱۳۵۵ تااوایل تابستان ۱۳۵۸ کشاورزی ودامداری ۱۴۲/۵ میلیون دلارخسارت‌داشت . این رقم برای ساختمان ۲۱/۶۶ میلیون‌دلار ، ترابری ، ۵۲/۸ میلیون دلار ، ماهی گیری ، ۱۷/۷۵ میلیون‌دلار ، بازرگانی‌داخلی ، ۱۲/۲۸ میلیون دلار ومدیریت و خدمات همگانی ، ۴۲/۳۲ میلیون دلار بود . ازتابستان ۱۳۵۸ تادیماه ۱۳۵۹ ، به‌این‌خسارت‌هاارقام‌زیراضافه‌شد : کشاورزی : ۱۴۱/۲ میلیون‌دلار ، صنعت : ۱۲/۲۵ میلیون‌دلار ، ترابری : ۲۱/۰۶ میلیون‌دلار ، ساختمان : ۳۳/۸ میلیون دلار ، ماهیگیری : ۵/۰ میلیون‌دلار ، بازرگانی‌داخلی : ۱۲/۶۴ میلیون‌دلار ، بهداری : ۳/۸ میلیون‌دلار و آموزش وپرورش : ۱/۳ میلیون‌دلار

دولت **جمهوری خلق آنگولا** و **حزب‌کارمپلا** خواهان خروج فوری نیروهای‌نژادپرست‌آفریقای‌جنوبی از خاک‌آنگولا وپایان‌بخشیدن به‌همه‌گونه تجاوزات علیه‌خلق‌های آفریقای جنوبی‌هستند .

یکی از هزاران

داشتم پایش راپانسمان می‌کردم .

روزی که برای کشیدن دندان به اهوازآمده‌بود ، ازقضا ، یک‌موشک‌عراقی به‌نزدیکی‌اردوگاه‌اصابت‌کرده‌بود و ، با شکسته‌شدن در و پنجره‌خرده‌شیشه در پایش فرورفته و چرک کرده‌بود . نمی‌توانست خوب راه برود . پوتین هم نمی‌توانست بپوشد . اصلا او وضع جسمی خوبی نداشت . لاغروتکیده‌بود . با این همه ، هرکاری به‌اومحول می‌شد ، باعلاقه ودقت انجام می‌داد . برای کار کردن همیشه‌آماده‌بود . کارگربود . به‌قراری که خودش می‌گفت درتهران‌کسی‌رانداشت .

درهمان‌حال‌که‌مشغول پانسمان پایش بودم ، می‌گفت :

ـ برادر . . . من‌روبرید خط (منظورش "خط مقدم" بود)

جوابش دادم :

ـ **ذبیح** جان! پایت چرک‌کرده ، دندانت هم پیله‌کرده . خط احتیاج به آدم سالم داره . لازمه که دو سه روزی استراحت کنی . درخط بایدبدوی ، سینه خیزبروی ، تلاش کنی . آخر باپایی که پوتین‌هم نمی‌تونه‌بپوشه‌که‌نمی‌شه رفت خط!

می‌گفت :

ـ برادر . . . آخراستراحت بر ما حرامه . نباید بگذاریم دشمن‌تو خانه‌مان جاخوش‌کنه . باید به‌قیمت‌جان‌مان هم‌که باشه‌دکش کنیم .

جوابش دادم :

ـ درسته‌که‌استراحت‌برماحرامه، ولی این‌درصورتیه‌که‌سالم باشیم وبتونیم کار کنیم‌ تووقتی‌قادرنباشی‌بدوی و تازه بخواهی‌دوسه روز استراحت را هم به خودت‌حرام بکنی ، دیگه‌چه کاری ازت ساخته‌است؟ دشمن‌رابایدباتن قوی و فکرسالم ازپادرآورد!

بحث راعوض کردوگفت :

ـ برادر . . . کانال را خودم شناسایی کردم . کانال تا پای جادهٔ تدارکاتی دشمن‌می‌ره . باگروه شناسایی راه‌افتادیم . به‌قدری که جلورفتیم ، من جداشدم وتنهایی رفتم‌کانال‌راشناسایی کردم . گفتم که اگرقراره‌کسی‌کشته‌بشه ، بهتره‌که یک نفرباشه . اگریک برنامهٔ خوب بریزیم ، حسابی‌می‌توانیم از پادرـ شان بیاریم . کانال‌اینقدربه جادهٔ تدارکاتی‌شان نزدیکه که‌راحت می‌شه چشم وابروشان راهم دید . من ، فرمانده یک‌گروه‌ازسپاه‌راهم فردایش همراه‌خودم بردم‌ونشانش دادم . خیلی خوشحال‌شد . حالاقول‌داده‌ام‌که‌به فرمانده گردان ارتش‌هم کانال رانشان‌بدهم . آخر ، اگر نرم بدمی‌شه ، برادر . . . ترابه خدا مرابربیدخط .

بناچار ، پس از درآوردن‌شیشه و اتمام پانسمان‌قول دادم که‌فردا صبح روانهٔ "خط" اش کنیم . منتهاگفتم که‌سه چهارروزی‌بماندو بعد برگردد‌برای مداوای‌دندان‌وپایش . خیلی خوشحال شد . می‌گفت :

ـ برادر . . . من‌تاموقعی‌که‌جنگ تمام‌نشه ، به‌مرخصی‌نمی‌رم ، حتی خواب هم برای ما حرامه ، چونکه غفلت برای ماها حرامه وخواب هم غفلته .

گفتم :

ـ آخرآدمی که دوسه‌شب نخوابه ازآدمی‌که‌دوسه ساعت‌بخوابه‌غافلتره . و خندیدیم . . .

بلند شدوگفت :

ـ دیگرداره غروب می‌شه . نمازم رانخوانده‌ام . برم‌نماز .

وبلند شدورفت . اماپس ازنماز دو مرتبه‌برگشت پهلوی‌من .

نشستیم‌به صحبت . ساعت‌حدود هفت بود ، یاکمتر . . . درست نمی‌دانم . چای درست‌کرده‌بودم . برایش‌ریختم و دوتایی شروع کردیم به حرف‌زدن می‌گفت :

ـ برادر . . . چرا این لیبرال ها دست از سرما برنمی‌دارند . (آن‌روز فردای‌حادثهٔ سخنرانی ۱۴ اسفنددر دانشگاه‌بود .)

گفتم :

ـ خوب! منافعشان‌ایجاب می‌کنه که‌دست ازسرمابرندارند .

گفت :

ـ آخه‌ببین‌برادر . . . اگر به خدا هم‌اعتقاد داشته‌باشند ، حرف خدا که یکی‌است . راه‌خداکه‌یکی‌است . مگه راه و خط خداهمان نیست که‌امام می‌ره؟ پس معلوم می‌شه‌اینهاامام راهم‌قبول‌ندارند . اسلام راهم قبول‌ندارند .

ـ **ذبیح** جان! آخربستگی داره که‌آدم به چه‌اسلامی‌اعتقادداشته باشه . اسلام یک‌آدم سودجو که تمام عمرش‌به فکرثروت‌ومال ومنال‌بوده و مردم‌را با ظاهر شرعی‌می‌چاپیده ، بااسلام‌امام که همهٔ عمرش به فکر نجات محرومین ومستضعف‌ها بوده فرق‌می‌کنه . تو‌ببین! همین‌لیبرالهای دولت موقت ، اسلام‌را برای چه‌می‌خواستند ، می‌خواستندبا استفاده از بهانه‌های شرعی‌مالیات ندهند . می‌خواستند ، بااین حرف که اسلام دین رحمت وعطوفته ، ساواکی‌ها وتوطئه‌گرهاوکودتاچی‌هاراآزادکنند . خوب ، خودت ببین چی‌می‌گند . ادعاـ شان اینه که سرمایه‌دارزحمت کشیده ، پس مالش حلال‌وطیب وطاهره . یا ارث پدرش بوده ، پس حلاله‌و . . . اینها اصلا قبول‌ندارندکه پول‌وثروت‌شان‌خون‌جگر محرومین‌ومستضعفینه‌که‌جمع شده . همین حمایت ازمستضعفین‌راهم فقط‌و فقط درلفظ‌قبول دارند . اما امام ، حرف ـ شان‌چیه؟ اینه : "من‌شماکوخ‌نشینان را به‌آن‌کاخ‌نشینان‌ترجیح‌می‌دهم" . ببین چقدرفرق هست بین‌اسلام راستین‌امام واسلامی‌که‌درخدمت آمریکاست .

می‌گفت :

ـ برادر . . . بگذارجنگ تمام‌بشه به‌تهران‌برمی‌گردیم ، پدرهمه‌شان را در می‌آریم . اینهامی‌خواهندبازهم مثل دوران‌طاغوت‌بشه ، می‌خواهندحرف‌های‌امام‌رازیرپابگذارند . امام‌خوب‌کاری کردکه‌اول‌دست‌اینهارو بازگذاشت که خوب برای مردم روبشه . اینجوری دیگه‌نمی‌تونند "اسلام" خودشان رابه ما قالب کنند . حیف‌که‌باید برای‌وحدت سکوت‌کرد . آخ ، برادر . . .! دلم پر درده . . .

ویکباره‌مثل‌اینکه‌نگران‌پرحرفی‌اش بود ، گفت :

ـ ساعت نگهبانی‌ام رسیده . باید برم سرپست .

بلند شدورفت . جای‌نگهبان بعدی هم‌ایستاد . تاساعت‌یک‌بامدادایستاد . ساعت یازده‌ونیم رفتم سراغش مقداری سرپست باهم قدم زدیم . سیگاری‌روشن کردم . گفت :

ـ برادر . . . مگرهمین‌عصر نگفتی که‌باید‌بافکرسالم‌وبدن‌قوی دشمن را از پای درآورد . چراپس سیگارمی‌کشی؟!

جوابی‌نداشتم . کاری‌هم نمی ـ توانستم بکنم . بابلاتکلیفی‌سیگارم‌راپس ازپکی (طبق‌معمول‌درداخل مشتم‌برای استتار) پس پشتم پنهان‌کردم‌وبحث را عوض کردم . ساعت داشت یک می‌شد . نگهبان‌بعدی رابیدارکردم‌و**ذبیح** رابه دفتربردم چای حاضر بود . نمی‌توانست چای داغ بخورد . برای این که مجددا خاطرش‌ازرفتن به خط جمع شود ، سؤال کرد :

ـ برادر . . . من فردا با ماشین لندرورمی‌رم یاباماشین‌آهو؟

گفتم :

ـ فرقی نمی‌کنه . ولی‌مثل این که "آهو" خرابه واحتیاج به تعمیرداره تو بالندروراحمد می‌ری .

برای اطمینان خاطربیشترش لیست بچه‌هایی راکه فرداصبح‌قرار بود به خط بروندنشانش دادم . اسم‌خودش رادیدوخوشحال‌شد . بلند شد . حین رفتن سرش را برگرداندوگفت :

ـ برادر . . . امیدوارم به حق همین ساعت آمریکاونوکرش صدام‌نابود بشن . الان‌که‌تنگشان‌گرفته ، هی‌پیغام و پسغام می‌فرستندکه‌صلح‌کنیم . خیال کرده‌اندکه‌ماتن به "صلح‌آمریکایی" می‌دهیم . "صلح‌آمریکایی" ننگه!!

گفتم :

ـ این رابایدبه لیبرالهاگفت .

ازدربیرون رفت . سیگاری روشن کردم‌وتوی دفتر شروع‌کردم به‌قدم زدن رادیو روشن بود . تفنگم راآوردم‌و پاک کردم . تاساعت دوونیم‌بایدبیدارباشم . پاس بخش یک هستم . یکباردیگر به نگهبان‌ها‌سرزدم‌وآمدم نشستم‌وجزوه‌ای مربوط به شهادت "محمد منتظرقائم" را که‌ازانتشارات "سپاه" بود ، شروع کردم به خواندن .

صبح **ذبیح** زودترازهمه‌حاضربود . ازبعدازنمازصبح بیدارمانده بود . لباس پوشیده و حاضر . بیاد حرفهای‌دیشبش افتادم . برایش نگران‌بودم . به‌دلم آمد که‌اتفاقی برایش خواهدافتاد . و همین شد .

چندی بعد ، درحمله به‌ارتفاعات "الله‌اکبر" که یکی‌ازراههای‌نفوذی‌آن‌را خوداوشناسایی‌کرده‌بود ، ازپا درآمد . **ذبیح** ، یکی دیگر اززحمتکشان مومن‌وفداکاری بود که به صف شهیدان انقلاب و قهرمانان میهن انقلابی‌مان پیوست . یادش گرامی‌باد!

تنها یک معیار...

بقیه از صفحه ۱

آقای صلاح‌الدین زواوی، سفیر خلق قهرمان فلسطین در ایران، یعنی خلقی که احقاق حق آن، از آماج‌های اصلی جبهه خواهد بود، نیز براین واقعیت تاکید دارد و در مصاحبه با روزنامه کیهان می‌گوید: بهتر است قبل از ورود به جزئیات تشکیل جبهه، ملاقات‌هائی صورت بگیرد و دقیقا تمام مسائل مربوط به آن تجزیه و تحلیل گردد. یعنی باید کیفیت تشکیل جبهه و شرکت‌کنندگان و ابعاد آن مطالعه و بررسی شود." (۹ شهریور ۱۳۶۰)

سفیر فلسطین در این مصاحبه، معیارهای خلق فلسطین را برای ایجاد جبهه اعلام کرد و گفت:

"... عقیده داریم که هر جبهه‌ای، چه دولتی و چه ملی، که برای تائید مسئله اساسی ما، یعنی "فلسطین" تشکیل شود، استفاده کننده اول آن خود ما هستیم." (همانجا)

سفیر فلسطین تاکید می‌کند:

"... در هر حال ما مطمئنیم که این جبهه ضد امپریالیسم و ضد صهیونیسم است و درنتیجه برای ما جای درنگ نمی‌گذارد که آن را تائید و در آن شرکت کنیم." (همانجا).

بلافاصله باید گفت که تنها معیار ممکن برای تشکیل جبهه متحد همان معیاری است که سفیر فلسطین بر آن تاکید دارد، یعنی ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بودن شرکت‌کنندگان در جبهه. اعلام این معیار نه تنها دل‌بخواهی نیست، بلکه بر تجربه سال‌های مبارزهٔ انقلابی در جهان و منطقه استوار است. تجربه‌ای که از جمله حاصل خون بهترین فرزندان خلق فلسطین است.

اگر معیار تشکیل جبهه مبارزه با امپریالیسم، و سگ زنجیری آن رژیم صهیونیستی اسرائیل در منطقه باشد، کشورهائی مانند مصر، عربستان سعودی، اردن، پاکستان و... با اینکه "اسلامی" هستند، ولی چون دستیار و دست‌نشاندهٔ امپریالیسم و صهیونیسم‌اند، مجبور خواهند بود که بار دیگر موضع خود را در برابر "جبهه" روشن کنند. این پیروان "اسلام آمریکایی" با این ترتیب نخواهند توانست وارد "جبهه" بشوند و درنتیجه هم نزد خلق‌های خود بیشتر افشا خواهند شد و هم اینکه فرصت خرابکاری در "جبهه" را (اگر با استفاده از معیارهای دیگر وارد "جبهه" شوند) نخواهند یافت. بعلاوه هم‌اکنون صف‌بندی انقلاب و ضد انقلاب در منطقه نمایانگر آنست که چه کسانی میتوانند در "جبهه" شرکت کنند و چه کسانی در مقابل آن قرار دارند. در صف مقدم رزمندگان علیه امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه کشورهای مسلمان انقلابی سوریه، لیبی و الجزایر قرار دارند، دوشادوش آنها جمهوری دمکراتیک خلق یمن است که رژیم آن پیرو سوسیالیسم علمی است، همراه آنها سازمان آزادیبخش فلسطین - تنها نماینده خلق فلسطین است، که خود ترکیبی است از احزاب و سازمان‌های انقلابی با ایدئولوژی‌های مختلف.

جبهه کشورها و نیروهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه بدنبال پیمان همکاری لیبی، اتیوپی و یمن دمکراتیک قدرت بیشتری پیدا کرده است. پیمانی که بر اساس بیانیهٔ مشترک سران سه کشور انقلابی: "همبستگی انقلابی میان این سه کشور را هم تحکیم بخشیده و مبارزات قهرمانانه آنها را علیه امپریالیسم و صهیونیسم و نژادگرایان و ارتجاع به گام‌های فراتری وا خواهد داشت..." (جمهوری اسلامی - ۱۴ شهریور ۱۳۶۰)

در اینجا نیز مبنای پیمان بین سه کشوری که دارای ایدئولوژی‌ها و سیستم‌های حکومتی گوناگون هستند، معیار مشترک همه خلق‌های جهان، یعنی مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم است.

درمقابل این صف انقلابی، به ترکیب جبهه ضد انقلاب نظر بیاندازید: از آمریکای به اصطلاح مسیحی، که رهبر جبهه است، تا صهیونیست‌های اسرائیل و مسلمان‌نماهائی از قبیل سادات و ملک خالد و ضیاء الحق و ملک حسین و... در کنار هم صف بسته‌اند.

و این ترکیب تصادفا استثنائی در خاورمیانه نیست، در سراسر جهان چنین است که صف انقلاب و ضد انقلاب را مذاهب، ملیت‌ها، نژادها، سوابق تاریخی و... جدا نمی‌کنند. این مرز ازمیان یاران امپریالیسم و صهیونیسم و دشمنان آن، علیرغم تفاوت ایدئولوژیک آنها، می‌گذرد.

انقلاب ایران هم در دو سال و نیمی که از پیروزی آن میگذرد، این واقعیت را با همه ناباوری‌ها و پیشداوری‌های برخی از انقلابیون لمس کرده و اینک براثر تجربه بتدریج به جانب باور آن می‌رود. از اینروست که وزیر کشاورزی بعد از بازگشت از جمهوری دمکراتیک خلق کره می‌گوید:

"... ما اگر چه با این کشورها (کشورهای غیرمتعهد) وجه اشتراکی نداریم، اما از این جهت میتوانیم با آنها همکاری داشته باشیم که این کشورها اصلا نمی‌خواهند به ما ضرر برسانند... به هرحال ما می‌توانیم با سوریه، لیبی، الجزایر، کره شمالی و امثال این کشورها روابط اقتصادی داشته باشیم و این روابط را تقویت و گسترش دهیم، به‌ویژه اینکه این کشورها به انقلاب ما احترام می‌گذارند." (اطلاعات ۱۲ شهریور ۱۳۶۰)

وزیر کشاورزی جمهوری اسلامی ایران این واقعیت را تایید میکند که چگونه کشور سوسیالیستی کره می‌تواند، در کنار لیبی و سوریه و الجزایر دوست ایران باشد، درحالیکه رژیم به اصطلاح مسلمان عراق سرگرم کشتار مردم مسلمان ایران است و کشورهای "اسلامی" مصر و عربستان سعودی و پاکستان و... دست در دست آمریکا علیه ایران توطئه می‌کنند.

واقعیتی که بر بنیاد آن کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و جنبش کارگری جهانی، صرفنظر از اختلافات ایدئولوژیک بین‌گردان‌های سه‌گانهٔ جبههٔ انقلاب جهانی در مبارزهٔ بخاطر صلح، استقلال آزادی، امنیت، رفاه و برضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا متحد یکدیگر هستند. درست همین دلیل است که وزیر امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

"... با کشورهائی که هرچند ممکن است از نظر ایدئولوژی با ما فرق داشته باشند و در مدار سیاست نه شرقی نه غربی هیچنوع گرایشی نیز با ما نداشته باشند، اما از نظر روابط بین‌المللی و استراتژیک و همچنین بعضی مسائل دیگر ارتباط با آنها مفید باشد، سعی خواهیم کرد این دگم را درهم بشکنیم و با این کشورها ارتباط برقرار کنیم..." (کیهان - ۱۴ شهریور ۱۳۶۰)

تشکیل جبهه متحد در منطقه برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم نیز باید دگم‌ها را بشکند و موانع مصنوعی را از سر راه بردارد. تنها و تنها معیار، مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم است، که تشکیل جبهه متحد برای مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم را ممکن خواهد کرد و به آن توان و مبارزه با دشمن اصلی و سگ زنجیری آن را در منطقه خواهد داد.



جمهوری آفریقای مرکزی

به‌گزارش خبرگزاریها، روز سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۶۰، کودتایی در "جمهوری آفریقای مرکزی" رخ داد. در پیامد این کودتا، داوید داکو، رئیس‌جمهور، و اعضای دولت، "کناره‌گیری کردند". این خبر را ژنرال کوکیمبار رئیس ستاد مشترک ارتش این کشور در رادیو اعلام داشت. به‌گفته وی:

"ارتش با توجه به وضع وخیم کشور در ۶ ماه گذشته، پرزیدنت داوید داکو را به استعفا مجبور کرده است."

ژنرال آندره کولیمبا، که در راس کمیته‌ای نظامی زمام امور را به دست گرفته است، همچنین تعلیق قانون اساسی و منع فعالیت احزاب سیاسی و هرگونه تظاهرات را اعلام داشت. به گفته او:

"جمهوری آفریقای مرکزی" به همه تعهدات بین‌المللی خود، به‌ویژه دربرابر "کشورهای دوست" وفادار خواهد ماند."

در زیر اوضاع "جمهوری آفریقای مرکزی" در آستانه کودتای ۱۰ شهریور از نظر خوانندگان می‌گذرد:

نام رسمی: "رپوبلیک سانترآفریکن" "جمهوری آفریقای مرکزی".

وسعت: ۶۲۲۹۸۴ کیلومتر مربع

سکنه: ۲ میلیون نفر (۱۳۵۹) مهم‌ترین گروه‌های قومی "جمهوری آفریقای مرکزی" عبارتند از: "باندا"، "بایا"، "مان‌جیا"، "زند" و "سارا". فزون براین، ۱۰ هزار اروپایی در این کشور زندگی می‌کنند.

پایتخت: بانگی (۴۰۸۰۰۰ نفر، ۱۳۵۸).

زبان رسمی: فرانسوی، از "سانگهو" و دیگر زبانهای "بانتو" نیز در محاوره استفاده می‌شود.

مذهب: درحدود ۶۰٪ سکنهٔ آفریقایی پیروان مذاهب طبیعی، ۳۵٪ مسیحی (از این عده ۶۰٪ کاتولیک) و ۵٪ مسلمان هستند.

پول: فرانک "ث. اف. آ" = ۱۰۰ سانتیم (۱ دلار ایالات متحده = ۲۸۶/۹۹۵ فرانک "ث. اف. آ").

حاکمیت: در "جمهوری آفریقای مرکزی" رئیس جمهور از اختیارات ویژه برخوردار است. رئیس جمهور فعلی "داوید داکو" نام دارد. این کشور به ۱۴ استان تقسیم می‌شود.

احزاب: بموجب قانون اساسی کنونی، که در تاریخ ۱۲ بهمن پارسال (۱ فوریه ۱۹۸۱) به تصویب رسید، "جمهوری آفریقای مرکزی" دارای سیستم چندحزبی است. در این کشور هشت حزب اجازه فعالیت دارند، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- "اتحادیه دمکراتیک آفریقای مرکزی"، بریاست **داوید داکو**؛
- "جنبش برای آزادی خلق آفریقای مرکزی" برهبری **آنژپاتاس**؛
- "حزب جمهوریخواه پیشرفت"، برهبری **آمزی مدو**؛
- "جبههٔ میهنی کوبانگی"، برهبری **دکتر آبل گومبا**.

چند هفته پیش بموجب فرمان رئیس جمهور، چند حزب غیرقانونی اعلام شدند.

تاریخ: در سرزمین "جمهوری آفریقای مرکزی" از عصر حجر قدیم انسانها ساکن بودند. اما در طول تاریخ هیچگاه قبایل ساکن این سرزمین کشوری مستقل تشکیل ندادند. در اواخر سدهٔ نوزدهم، **رابح‌فضل‌الله**، سـ دار عرب (۱۸۴۵-۱۹۰۰) قبیله‌های "مان‌جیا" و "باندا" را در شمال این سرزمین به اسارت خود درآورد. نزدیک به ۹۵ سال پیش (۱۸۸۷)، فرانسه آن را منطقهٔ نفوذ خود اعلام داشت، یک سال بعد در "بانگی" نخستین پایگاه استعماری خویش را احداث کرد و در سال بعد به اشغال بقیه اراضی آن پرداخت.

هفتاد و پنج سال پیش (۱۹۰۶)، فرانسه این سرزمین و چاد را، زیر عنوان "اوبانگی شاری - چاد" متحد ساخت و مستعمرهٔ خود اعلام کرد. چهارده سال بعد (۱۹۲۰)، پس از آنکه "اوبانگی - شاری" به "آفریقای استوایی فرانسه" پیوست (۱۹۱۰)، چاد رسما از "اوبانگی شاری - چاد" جدا شد.

درسالهای پس از جنگ دوم جهانی، **بارتلمی بوگاندا** "جنبش برای تحول اجتماعی آفریقای سیاه" ("موومان پورلوولوسیون سوسیال دولافریک نوآر") را پایه گذاشت (۱۹۵۲) مبارزه این جبههٔ آزادیبخش شش سال بعد (۱۹۵۸) به خودمختاری "اوبانگی شاری" درچارچوب "جامعه فرانسه" و تحت عنوان "جمهوری آفریقای مرکزی" انجامید. پس از درگذشت **بوگاندا**، **داوید داکو** رهبری "جنبش برای تحول اجتماعی آفریقای سیاه" را بدست گرفت و پس از استقلال سیاسی این کشور در ۲۲ مرداد ۱۳۳۹ (۱۳ اوت ۱۹۶۰) رئیس جمهور شد. در ۱۱ دی ۱۳۴۵ (۱ ژانویه ۱۹۶۶) **ژان‌بدل بوکاسا**، خویشاوند **داوید داکو**، شخص اخیر را سرنگون کرد. **ژان بدل بوکاسا** "مجلس ملی" را منحل ساخت، قانون اساسی را لغو کرد و خود را فرمانروای این کشور اعلام نمود.

درزمستان ۱۳۵۵ (دسامبر ۱۹۷۶) **بوکاسا** خود را امپراتور خواند و یکسال بعد تاجگذاری کرد.

درشب ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ (۲۱ سپتامبر ۷۹) دراوج ستیزه‌های داخلی و اجتماعی، که ماهها بود کشور را به لرزه درآورده بود - **داوید داکو**، به یاری چتربازان فرانسوی، بوکاسا را سرنگون و بار دیگر جمهوری را برقرار کرد و انحلال "جنبش برای تحول اجتماعی آفریقای سیاه" را اعلام داشت.

اقتصاد: "جمهوری آفریقای مرکزی". کشوری است با کشاورزی عقب افتاده. در آمارهای "سازمان ملل متحد"، "جمهوری آفریقای مرکزی" را در میان ۲۵ کشور از فقیرترین کشورهای جهان می‌یابیم (درآمد سرانه میانگین سالیانه در آن در حدود ۲۰۰ دلار ایالات متحده آمریکا است). سرمایهٔ خارجی، بویژه فرانسوی، برسراسر اقتصاد "جمهوری آفریقای مرکزی" فرمانرواست. ۸۰٪ نیروی کار این کشور در کشاورزی شاغل است. با این همه تنها ۱۰٪ اراضی "جمهوری آفریقای مرکزی" زیرکشت است. مهم‌ترین محصولات کشاورزی آن عبارتست از بادام زمینی و ذرت (برای مصرف داخلی) و پنبه و قهوه (برای صدور - بترتیب ۲۰ و ۳۳ درصد صادرات) در سال‌های ۷۰ درکشاورزی **"جمهوری آفریقای مرکزی"** پیشرفت‌هایی موقت دیده می‌شد، اما چند سال است که محصول کشاورزی رو به کاهش است. شرایط جوی و بیماری‌های مسری مانع ازگسترش دامداری است.

درسالهای اخیر محصول چوبهای استوایی از ۱۶۰ هزار تن درسال به ۵۵۰ هزار تن در سال افزایش یافت. دراقتصاد "جمهوری آفریقای مرکزی" استخراج الماس نیز دارای مقامی مهم است (۲۰٪ صادرات). دولت این کشور اکنون به استخراج اوران (اوکسید اورانیوم) نیز امید بسته است، که ذخیرهٔ آن درحدود ۲۰ هزار تن تخمین زده می‌شود.

توسعهٔ زیرساختار، بویژه شبکه ترابری، هنوز مراحل اولیه را می‌گذراند. بیکاری در شهرها بسیار گسترده است.

مهم‌ترین شریکان بازرگانی خارجی "جمهوری آفریقای مرکزی" عبارتند از: فرانسه، دیگر کشورهای "جامعهٔ اقتصادی اروپا"، ایالات متحده آمریکا و اسرائیل.

"جمهوری آفریقای مرکزی" سالهاست که کسر بودجه دارد.

اوضاع کنونی: بوکاسا در زمستان ۱۳۵۹ (دسامبر ۱۹۸۰) در دادگاهی پرهیاهو در غیاب بمرگ محکوم شد. این محاکمه رسما بعنوان پایان دوران امپراتوری اعلام گردید. **داوید داکو** در همان هنگام برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را برای یکماه بعد (ژانویه ۱۹۸۱) نوید داد، و این انتخابات در ۲۴ اسفند ۱۳۵۹ (۱۵ مارس ۱۹۸۱) صورت گرفت.

درانتخابات ریاست جمهوری، رهبران چهار حزب پیشگفته و همچنین **فرانسوا پهوا** بمنزلهٔ نامزد مستقل، کاندیدا شدند. **داکو** با ۵۰/۲۳٪ آراء پیروز شد، **پاسوا** ۳۸/۱۱٪ آراء را بدست آورد. حزب او، که به نتایج انتخابات شک داشت، به دادگاه عالی بانگی شکایت برد. اما این شکایت بجایی نرسید. پیروان **پاسوا** به اعتراضات خشونت بار دست زدند و پس از درگیری‌های خونین با پلیس، وضع فوق‌العاده در سراسر کشور اعلام شد. بعلت ادامهٔ این ناآرامی‌ها، **داکو** انتخابات پارلمانی را، که قرار بود در اواخر خرداد امسال برگزار گردد، به تعویق افکند.

دراوایل بهار امسال، دولت جدیدی در "جمهوری آفریقای مرکزی" تشکیل شد. نخست وزیر و وزیر خارجه این کشور بترتیب **نارسیس بوزانگاه** و **ژان پیرکومبه** نام دارند.

دولت در نخستین برنامهٔ خود قول داد که به ترمیم اقتصاد ویران این کشور بپردازد و در این راه بویژه به سرمایه خارجی متوسل شده است. سرمایه خارجی نیز از سخاوت خاص این رژیم برخوردار می‌گردد. شرکت کنسرنهای بین‌المللی درموسسات اقتصادی "جمهوری آفریقای مرکزی" و "کمک" ۴۰۰ میلیون دلار فرانسه، "جامعهٔ اقتصادی اروپا" و "بانک غرب برای توسعه اقتصادی آفریقا" نمونه‌هایی از نفوذ سرمایه خارجی در این کشور است. ازسوی دیگر، افزایش قیمت‌ها و "انجماد" دستمزدها سبب شده است که ناآرامی عمومی ادامه یابد. فرانسه، که رژیم کنونی "جمهوری آفریقای مرکزی" بکلی به آن وابسته است، ۱۴۰۰ چترباز در این کشور مستقر ساخته است.

"جمهوری آفریقای مرکزی" در "سازمان ملل متحد" و "سازمان وحدت آفریقا" عضویت دارد.

مسائل بنیادی روند انقلاب جهانی

سوسیال دموکراسی و جنبش آزادیبخش ملّی

افزایش نقش و اهمیت کشورهای از بندرسته آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در مناسبات بین‌المللی و در پیکار برای صلح، امنیت و خلع سلاح و علیه بازمانده‌های استعمار، نواستعمار و نژادپرستی پدیده‌ای است، که دیگر هیچ نیرویی نمی‌تواند آنرا در دوران ما نادیده بگیرد.

جنبش کارگری انقلابی همیشه مبارزه عادلانه خلق‌های استعمارزده را بمنزله بخش گسست‌ناپذیر پیکار جهانگستر انقلابی بشمار آورده است سبب آن است که جنبش کارگری انقلابی و جنبش آزادیبخش ملی دارای منافع مشترک و دشمن مشترک هستند.

کشورهای از بندرسته هرچه بیشتر به سوسیالیسم واقعاً موجود روی می‌آورند

کشورهای از بندرسته آفریقا، آسیا و آمریکای مرکزی هرچه بیشتر به نمونه سوسیالیسم واقعاً موجود روی می‌آورند، زیرا آنها درمی‌یابند که راه رشد سرمایه‌داری نه استقلال ملی آنهارا از نظر اقتصادی تضمین می‌کند و نه به بهبود چشمگیر وضع اجتماعی توده‌های وسیع مردم می‌انجامد. خواستهای عینی پیشرفت هر چه پرشتاب‌تر دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی و اجتماعی را ضرور می‌سازند، خلق‌های مستعمره‌ها و نیمه مستعمره‌های پیشین خواستارند که هرچه زودتر به سیاست امپریالیستی بهره‌کشی و قیمومت پایان بخشند.

اینها واقعیاتی است، که سوسیال دمکراسی نیز باید به آنها توجه کند. رهبران راستگرای سوسیال دمکراسی، دراین زمینه نیز، از اصول رفرمیستی رهنمود می‌گیرند. آنها بیم آن دارند که نبردهای اجتماعی درکشورهای از بندرسته به انقلاب سوسیالیستی بیانجامد و از این رو کوشش می‌ورزند، تا خلق‌های این کشورها را از مبارزه در راه دگرگونی‌های بنیادی بازدارند. ادعای آنها آنست که تدابیر رفرمیستی "تنها راه واقع بینانه رهایی از فقر، گرسنگی، بهره‌کشی و ستم است". رهبران راستگرای سوسیال دمکراسی تردیدی باقی نمی‌گذارند که هدف آنها تنها "بهبود" سرمایه‌داری است وهیچگاه درصدد براندازی این نظام نیستند. آنها ریاکارانه، از ایدئولوژی "آزاداندیشانه" وسوسیالیستی "بشردوستانه" دم می‌زنند. جالب آن که آنها در هیچ جای جهان تاکنون به ساختن چنین نظامی دست نزده‌اند. سوسیالیسم تنها درکشورهایی تحقق پذیرفته است که تئوری عام سوسیالیسم علمی پیگیرانه بکاربسته شده است.

سیاستمداران و ایدئولوگ‌های سوسیال رفرمیست، درمقایسه با نیروهای محافظه کار سرمایه انحصاری، بویژه آنان که پیوند نزدیک با مجتمع نظامی- صنعتی دارند و می‌کوشند تا هدف‌های نواستعمارگرانه خویش را از اتکاء به سیاست قدرت تحقق بخشند، به شیوه‌هایی دیگر دست می‌یازند. آنها، بر پایه "سوسیالیسم دمکراتیک" کذائی خود، بر "دیالوگ عقیدتی- سیاسی" با نیروهای رهایی بخش ملی و اجتماعی اصرار می‌ورزند. اینان می‌خواهند، با تلاش سیاسی برای کاهش برخی تضادهای میان امپریالیسم وکشورهای رشدیابنده در زمینه اقتصادی، کشورهای از بندرسته را در چارچوب سیستم سرمایه‌داری نگه‌دارند. بدین ترتیب، کشورهای نامبرده در سیستم اقتصاد جهانی سرمایه‌داری، کماکان، وابسته باقی می‌مانند و استثمار می‌شوند.

انگیزه‌های تقویت فعالیت سوسیال دموکراسی در جنبش آزادیبخش ملی

عوامل درونی و برونی فراوانی است، که سوسیال دمکراسی بین‌المللی را به تقویت فعالیت خود در جنبش آزادی بخش ملی برانگیخته است. دراین گستره "سیزدهمین کنگره انترناسیونال سوسیالیستی"، که پنج سال پیش (در نوامبر ۱۹۷۶) برگزار شد، نقطه چرخشی بشمار می‌رود. **ویلی برانت**، که دراین کنگره به سمت صدر "انترناسیونال سوسیالیستی" برگزیده شد، در آن هنگام گفت که وقت آن رسیده است که "تعرضی جدید برای برقراری مناسبات نوین میان "شمال" و "جنوب" آغاز گردد. هدف این تعرض، به‌طور عمده عبارت بود از: تطبیق برنامه سیاسی- ایدئولوژیک "سوسیالیسم دمکراتیک" با شرایط ویژه کشورهای از بندرسته، استقرار و تحکیم مناسبات سازمانی با احزاب رفرمیستی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین؛ دخالت فعالانه در زمینه "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" و "حل" تضادها در سه قاره نامبرده.

یکی از ویژگی‌های روش سوسیال- رفرمیستی برخورد با مسائل کشورهای از بندرسته آن است که، نخست بصراحت و بکمک آمار و پیکره‌ها به شرایط دشوار اجتماعی و اقتصادی در مستعمره‌ها و نیمه مستعمره‌های پیشین اشاره می‌شود. دراین زمینه، به تفصیل از این واقعیت سخن می‌رود که اختلاف میان درآمد سرانه کشورهای صنعتی و رشدیابنده، نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه حتی رو به افزایش می‌رود. همچنین بدرستی یادآوری می‌گردد که، درمناطق وسیع قاره‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، گرسنگی، بیسوادی، نداری، بیماری و بیکاری بیداد می‌کند. از سوی دیگر، هیچگونه کوششی به عمل نمی‌آید، تا از علل بنیادی و اجتماعی این "بلایا" نام برده شود.

ترکذائی "تضاد شمال - جنوب"

براین پایه است که آنگاه تز "تضاد شمال- جنوب"، بعنوان مسئله بزرگ اجتماعی سده بیستم مطرح می‌گردد. بدینسان، تضاد اساسی اجتماعی دوران ما، یعنی تضاد میان سوسیالیسم وسرمایه‌داری نفی می‌شود. از سوی دیگر، تعمیق روندهای متضاد اجتماعی- اقتصادی و اجتماعی- سیاسی درکشورهای رشدیابنده و میان این کشورها نادیده می‌ماند.

برخی از ایدئولوگ‌های سوسیال- رفرمیست از این نیز پا فراتر می‌گذارند. آنها ادعا می‌کنند که در سده بیستم "تضاد شمال- جنوب" جایگزین "مبارزه میان سرمایه و کار" شده است، که "مسئله اجتماعی سده نوزدهم" بود. ایدئولوگ‌های نامبرده مدعی هستند که این به اصطلاح "مسئله اجتماعی" - یعنی تضاد آشتی ناپذیر میان سرمایه و کار- در پرتو سیاست سوسیال دمکراتیک "تعدیل" برپایه "مشارکت اجتماعی"، دیگر حل شده است. اما واقعیت آنستکه، این تضاد کماکان درکشورهای سرمایه‌داری وجود دارد، زیرا که دراین کشورها حاکمیت سرمایه انحصاری، یعنی سرچشمه استثمار و سرکوب طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی و چپاول نواستعماری خلق‌های بخش بزرگی از مستعمره‌ها و نومستعمره‌های پیشین، هنوز از میان نرفته است.

سوسیال دمکراسی بین‌المللی برای حل مسائل اجتماعی- سیاسی کشورهای رشدیابنده نسخه "سوسیالیسم دمکراتیک" را بعنوان "راه سوم"، که گویا نه به سرمایه‌داری خواهد انجامید و نه سوسیالیسم واقعی ارائه می‌کند.

سخنان **ویلی برانت** درچهاردهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی" چیزی شبیه این بود. وی تاکید کرد که "سوسیالیسم دمکراتیک از منابعی گوناگون سرچشمه می‌گیرد" و با انواع مدل‌های "سوسیالیسم"، که درکشورهای از بندرسته تدوین شده‌اند- مانند سوسیالیسم "آفریقایی"، "انسانی"، "ملی" - مترادف است.

بدینسان، کوشش می‌شود تا با توسل به تخیلات سوسیالیستی، که برپایه مواضع ناسیونالیستی، خرده بورژوایی و بورژوایی درکشورهای رشدیابنده، پدید می‌آید، با سوسیالیسم علمی مقابله گردد. درعین حال، این اندیشه القاء می‌شود، که گویا آزمون‌های سوسیالیسم واقعی برای خلق‌های این مناطق قابل استفاده نیست. بدین ترتیب، دستاوردهای سوسیالیسم درجهان تحقیر می‌شود.

گرایش‌های جدید دربرخورد با مسائل اجتماعی

ازسوی دیگر، گرایش‌های جدیدی دربرخورد با مسائل اجتماعی کشورهای رشد یابنده پدیدار گشته است. برای نمونه، در "اعلامیه کاراکاس" سوسیال دمکراسی بین‌المللی درسال ۱۳۵۵ (مه ۱۹۷۶)، ازیک مدل ویژه "سوسیالیسم" برای کشورهای آمریکای لاتین سخن به میان می‌رود. این مدل، درزمینه مسائل بنیادی چون براندازی بازمانده‌های فئودالیسم ومعرفی امپریالیسم به منزله نظامی خصومت بار برای پیشرفت، عناصر ضدامپریالیستی رادربردارد.

واقعیت آن است که، سوسیال دمکراسی، درجریان فعالیت‌های آرمانی و سازمانی خود در کشورهای رشدیابنده، نمی‌تواند برخی از شرایط ومسائل مشخص این گونه کشورها را نادیده بگیرد از سوی دیگر، سوسیال دمکراسی، دربرخورد با این مسائل، پیوسته ناپیگیری و سرشت متضاد خویش را آشکار می‌سازد. بویژه هنگامیکه مسئله نتیجه‌گیری‌های عملی بمیان می‌آید نمونه‌وار- ترین تضاد سوسیال دمکراسی، یعنی تضاد میان گفتار وکردار آن، نمایان می‌شود.

تقسیم نقش

چنانکه نظرات نامبرده را با واقعیت به اصطلاح "سیاست کمک به کشورهای رشدیابنده" کشورهای صنعتی سرمایه داری، که سوسیال رفرمیست‌ها دربرخی از آنها حکومت می‌کنند، مقایسه کنیم، درخواهیم یافت که چه تقسیم نقشی دراینجا انجام گرفته است. ازیکسو، در گفتار به جنگ نواستعمار می‌روند و، ازسوی دیگر، دولت‌های سوسیال دمکرات به تشویق تعرض صدور سرمایه از سوی انحصارهای خود به کشورهای از بندرسته می‌پردازند. نتیجه آن می‌شود که، سرمایه خارجی هرچه بیشتر در امور داخلی این کشورها به مداخله می‌پردازد- واقعیتی که پاره‌ای از سیاستمداران سوسیال دمکرات نیز آن رامحکوم می‌کنند. برای نمونه، درکنگره پانزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی"، که سال پیش (نوامبر ۱۹۸) درمادرید برگزار شد، **کارلوس آندرس پرس**، رئیس جمهور پیشین ونزوئلا، از "سیستم نواستعماری خود کامگی اقتصادی" سخن گفت. وی یادآورد شد، که امپریالیسم می‌کوشد تا باکار بست جدیدترین تکنولوژی بر وابستگی کشورهای رشدیابنده به خود بیافزاید. **کارلوس آندرس پرس** کنسرن‌های فراملیتی را "نقض کنندگان خشونت بار و ددمنش حقوق بشر" خواند.

توجه به مسائل "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی"

سوسیال دمکراسی بین‌المللی توجه فراوانی به مسائل "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" مبذول می‌دارد. درسیزدهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی" از "شکست آشکار سرمایه‌داری بین‌المللی" سخن رفت وتاکید شد که "مکانیسم بازار بخودی خود نمی‌تواند برابری و عدالت پدید آورد".

به‌خلاف سیاستمداران بورژوایی اردوگاه محافظه‌کاران، که خواست‌های کشورهای رشدیابنده رایکجا بعنوان غلبه بر "نظام اقتصاد بازار" ارزیابی می‌کنند، سوسیال رفرمیست ها معتقدند که هدف نظام جدید اقتصادی "تقسیم جدید ثروت ودرآمد میان کشورهای صنعتی و کشورهای رشدیابنده باید باشد". (از قطعنامه کنگره سیزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی" درباره "همبستگی بین‌المللی در زمینه اقتصادی"). این نظر درکنگره پانزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی" نیز تکرار شد.

کمیسیون برانت

ویلی برانت، بعنوان رئیس "کمیسیون مستقل برای مسائل توسعه بین‌المللی"، باردیگر نشان می‌دهد که نیروهای متنفذ سوسیال- دمکراسی اهمیت ویژه‌ای برای "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" قائل هستند. درگزارش این کمیسیون بخوبی دیده می‌شود، که سوسیال رفرمیسم درتدوین آن نقش مهمی بعهده داشته است. این گزارش ضرورت مبارزه با واپس‌ماندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای رشدیابنده را یادآور می‌گردد و خواهان "ایجاد جهانی پویا" ست که در آن "هرکشور به سطح رشد فراخور خود دست می‌یابد". اما تحلیل گزارش "کمیسیون مستقل"- که به "کمیسیون برانت" نیز مشهور شده است- نشان می‌دهد که درآن ازدستیابی به چنین هدفی چیزی باقی نمانده است.

کنگره سیزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی" برای نخستین بار، باذکر تامین نیازمندی‌های بنیادی، توجه بیشتر سوسیال دمکراسی را به مسائل اجتماعی نشان داد. اما چه در اسناد کنگره سیزدهم وچه بعد، خواست تامین کار، نان، مسکن، آموزش و پرورش و بهداری برای توده مردم کشورهای رشدیابنده شعاری بیش باقی نماند. علت آنستکه به این پرسش پاسخ داده نمی‌شود که: برای بهبود بنیادی وضع اجتماعی مردم اینگونه کشورها، ازچه حاکمیت سیاسی- اقتصادی باید هواداری کرد؟

از سوی دیگر، برای دگرگونسازی دمکراتیک نظام اقتصاد بین‌المللی، مهم آنست که مسابقه تسلیحاتی ادامه خواهد یافت ویا آن که کشورهای جهان لااقل راه تحدید تسلیحات را برخواهند گزید؟

"گزارش برانت" به این واقعیت هیچگونه اشاره‌ای نمی‌کند. این گزارش، علیرغم آمارها و پیکره‌های گویایی که درآن گرد آمده است، راه حل سازنده‌ای ارائه نمی‌دارد. در "گزارش برانت" از نقش مجتمع نظامی- اقتصادی سخنی بمیان نمی‌آید. بجای آن، کوشش می‌شود "موضعی میانی" اتخاذ گردد و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایالات متحده آمریکا به طوریکسان مسئول وخامت اوضاع بین‌المللی معرفی شوند. چنین موضع‌گیری به دشمنان تنش‌زدایی کمک می‌کند، که با پخش دروغ "خطر شرق" هدف ها و انگیزه‌های راستین خویش را پنهان دارند. این پدیده درکنگره پانزدهم "انترناسیونال سوسیالیستی" نیز پدیدار بود.

کمونیسم ستیزی سوسیال دموکراسی پاسخگوی منافع زحمتکشان نیست

به رهبران سوسیال رفرمیست هم کمونیسم ستیزی سرایت کرده است. برخی از اینان به کارزارهای امپریالیسم علیه کشورهای سوسیالیستی کشانده می‌شوند و بهانه آنها نیز در این زمینه به اصطلاح همبستگی آتلانتیک است. روشن است که چنین سیاستی نمی‌تواند پاسخگوی منافع زحمتکشان باشد.

برخورد عمومی رهبران سوسیال رفرمیست دربرابر مسائل "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" نشان می‌دهد، که آنها تنها بگونه‌ای مشروط آماده کمک به حل مسائل کشورهای از بندرسته هستند ازاینرو، حتی درصفوف سوسیال دمکراسی، نغمه‌های انتقاد واعتراض به "گزارش برانت" شنیده می‌شود. همه کس با این حکم برانت موافق نیست که راستای مباحثات درباره "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" برای سالهای ۸۰ تعیین کننده خواهد بود. یکی از نمایندگان "حزب سوسیال دمکرات دانمارک" در پانزدهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی"، این گزارش را "سازش با نظرات محافظه کارانه" خواند.

تضادهای جدید سوسیال دمکراسی بین‌المللی

ازآن هنگام که سوسیال دمکراتها خود را علمدار "نظام جدید اقتصاد بین‌المللی" جا می‌زنند، تضادهای جدیدی میان آنها پدیدار شده است. سیاست برخی از رهبران راستگرا مبنی بر "آشتی دادن" تضادهای میان امپریالیسم وکشورهای رشدیابنده هرچه بیشتر با مقاومت هواداران ضدامپریالیستی و ضد انحصاری سوسیال دمکراسی روبرو می‌گردند

شکی نیست که درصفوف سوسیال دمکراسی بین‌المللی نیز گرایش‌های همبستگی با پیکار

آزادی بخش ملی خلق‌های آسیا، آفریقا و بویژه آمریکای لاتین هست. این واقعیت که در شعارهایی چون آزادی و استقلال این خلق‌ها و همبستگی با مبارزه عادلانه آنها بازتاب میباید، درقطعنامه‌های "انترناسیونال سوسیالیستی" نیز منعکس شده است. درپانزدهمین کنگره "انترناسیونال سوسیالیستی"، کمیته بین‌المللی برای

بقیه درصفحه ۱۲

جنبش غیرمتعهدها و نقش آن در مبارزه بر ضد امپریالیسم

جنبش کشورهای غیرمتعهد در آوریل سال ۱۹۵۵ در باندونگ (اندونزی) پایه‌گذاری شد و در ژوئن سال ۱۹۶۱ با شرکت نمایندگان ۲۲ کشور نواستقلال در قاهره، پایتخت مصر نخستین کنفرانس خود را برگزار نمود.

پیدایش جنبش غیرمتعهدها در سال‌های دههٔ ۵۰ بازتاب تحولات سیاسی و اجتماعی است که در آن سالها در عرصه جهانی انجام می‌گرفت. برای درک علت پیدایش جنبش غیرمتعهدها و آگاهی به محتوا و هدف‌های این جنبش لازم است که از تاریخ روند تحولات سیاسی و پیشرفت‌های اجتماعی آن دوران شناختی واقع بینانه و به دور از تعصبات و پیش‌داوری‌های ذهنی‌گرایانه داشته باشیم.

پس از جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن که اتحاد شوروی سهم عمده و تعیین کننده در کسب این پیروزی به عهده داشت، تناسب نیروها در عرصه جهان به نفع نیروهای صلح، دمکراسی و سوسیالیسم و به زیان امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دگرگون شد. سوسیالیسم از چهارچوب یک کشور که در محاصرهٔ جهان سرمایه‌داری قرار گرفته بود، بیرون آمد و به یک سیستم جهانی بدل گردید. تحکیم و تقویت کشورهای جامعه سوسیالیستی که به تعمیق و تسریع هرچه بیشتر روند تغییر تناسب نیروها در عرصهٔ جهانی به زیان امپریالیسم و به سود نیروهای ضد امپریالیستی و استقلال طلب کمک نمود، سرآغاز فروپاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم در عرصه جهان بود. خلق های کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره در قاره های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که طی سالیان متمادی علیه استعمارگران امپریالیستی در راه کسب استقلال و آزادی به مبارزه برخاسته بودند، به برکت تغییر تناسب نیروها که موجب تضعیف مواضع سیاسی و نظامی دول استثمارگر امپریالیستی به مقیاس جهانی شده بود، در این مبارزه به کامیابی‌های چشمگیری دست یافتند و بر اثر آن هر روز شمار کشورهای نو‌استقلال فزونتر شد.

امپریالیسم که دیگر قادر نبود سلطه استعماری و مواضع سیاسی و نظامی خود را در این کشورها حفظ نماید، بر آن شد که با شیوه های نوینی به این هدف دست یابد و کشورهای نو‌استقلال را از طریق گروه‌بندی‌های نظامی و سیاسی و وابستگی‌های اقتصادی به حیطهٔ نفوذ و سلطهٔ خود بکشاند. این شیوه‌های نوین که در سیاست نواستعماری تبلور یافت، دام تازه‌ای بود برسرراه کشورهای نواستقلال و به بند کشیدن مجدد آنان از جانب امپریالیسم جهانی.

پایه‌گذاران "جنبش غیر متعهدها" در رویارویی با چنین سیاستی، با تکیه بر اندیشه اتحاد و همکاری همهٔ نیروهای ضد امپریالیستی و استقلال طلب و برخورداری از وجود جامعهٔ نیرومند کشورهای سوسیالیستی به عنوان عامل پرتوان و ضد امپریالیستی به تاسیس جنبش غیرمتعهدها همت گماردند.

ازهمان آغاز پیدایش، اصول بنیادی این جنبش بر مبارزه علیه امپریالیسم، محکوم کردن گروه‌بندی‌های نظامی امپریالیستی و پذیرش سیاست همزیستی مسالمت آمیز استوار گردید.

در آوریل سال ۱۹۵۵، در باندونگ، نمایندگان کشورهای آسیایی و آفریقایی تازه به استقلال دست یافته بودند، در گرد هم‌آئی خود جنبش غیرمتعهدها را به‌وجود آوردند. اصول بنیادی سیاست خارجی "جنبش غیر‌متعهدها" براساس زیر اعلام شد:

شناسایی برابری حقوق همه خلق‌ها و ملیت‌ها، احترام به حق حاکمیت، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احتراز از شرکت در پیمان‌های نظامی امپریالیستی، دفاع از کشور خود طبق اصول منشور سازمان ملل متحد، اجتناب از بکاربردن نیرو و تهدید به آن در حل مناقشات میان کشورها، حل و فصل اختلافات از راه مذاکره.

شرکت‌کنندگان در گردهم‌آیی باندونگ حمایت خود را از مسئله خلع سلاح، منع سلاح اتمی و انحلال پایگاه‌های نظامی امپریالیسم بود محکوم ساختند.

دومین کنفرانس جنبش غیرمتعهدها در سپتامبر ۱۹۶۱ با شرکت سران ۲۵ کشور در بلگراد پایتخت یوگوسلاوی و سومین کنفرانس در سال ۱۹۶۴ با شرکت نمایندگان ۴۲ کشور، از جمله ۹ کشور از آمریکای لاتین در قاهره برگزار شد.

در چهارمین کنفرانس جنبش غیر‌متعهدها که در سپتامبر سال ۱۹۷۳ در الجزیره تشکیل شد، فیدل کاسترو رهبر کوبا، طی سخنرانی خود در این کنفرانس، کارزار تبلیغاتی محافل امپریالیستی و رهبری مائو‌ئیستی چین را که با میان کشیدن نظریه "دو ابرقدرت"، تلاش داشتند در روابط جنبش غیرمتعهدها با متحدان طبیعی خود، یعنی جامعه کشورهای سوسیالیستی و به‌ویژه اتحاد شوروی، تفتین و خرابکاری کنند، افشاء و محکوم کرد.

فیدل کاسترو در سخنرانی خود نزدیکی روابط و گسترش همکاری‌ها میان کشور های عضو جنبش غیرمتعهدها با جامعه کشورهای سوسیالیستی را به عنوان وثیقه پیروزی در مبارزه ضد امپریالیستی و استحکام مبانی استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو این جنبش ارزیابی نمود.

در ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیرمتعهد که در شهریور ۱۳۵۸ در هاوانا پایتخت کوبا، تشکیل شد (نمایندگان جمهوری اسلامی ایران و نیکاراگوئه نیز که پس از پیروزی انقلاب خود به عضویت این جنبش در آمده و برای نخستین بار در کنفرانس غیرمتعهدها شرکت کرده بودند) موافقت‌نامه‌های خائنانه کمپ‌دیوید محکوم گردید و آرمان و خواست های خلق عرب فلسطین مورد حمایت شرکت‌کنندگان این کنفرانس قرار گرفت. در این کنفرانس مسئله بازسازی روابط اقتصادی بین‌المللی و برقراری روابط نوین برابر حقوق میان کشورهای عضو جنبش با کشورهای سرمایه داری مطرح گردید و لزوم قطع هرگونه وابستگی اقتصادی کشورهای نواستقلال به امپریالیسم جهانی مورد تائید قرار گرفت.

بدین ترتیب جنبش کشورهای غیرمتعهد باوجود ناهمگونی در نظام اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو که در سراسر تاریخ موجودیت آن بی سابقه بوده در اساس به اصول اولیه بنیان‌گذاری خود ـ مبارزه ضد امپریالیستی و استقلال‌طلبانه ـ وفادار مانده و در نتیجه به عامل موثری در مبارزه خلق‌ها در راه کسب استقلال و استحکام مبانی آن و پیکار علیه سیاست نو‌استعماری امپریالیسم تبدیل شده است.

شرکت جمهوری اسلامی ایران در این جنبش که به برکت پیروزی انقلاب شکوهمند مردم میهن ما امکان پذیر گردید، از گام‌های مثبت و برجسته است که در زمینه سیاست خارجی کشور ما بر‌داشته شده است. دولت جمهوری اسلامی ایران، با اتخاذ روش اصولی مبتنی بر واقع بینی و به دور از هرگونه تعصبات و پیشداوری‌های تنگ‌نظرانه، می‌تواند در تعمیق و گسترش محتوای ضد امپریالیستی این جنبش تاثیری بسزا و نقشی برجسته داشته باشد.

متاسفانه تاکنون ارزیابی‌هائیکه در مطبوعات کشور ما درباره نقش و محتوای این جنبش انتشار یافته و همچنین نظریاتی که از جانب برخی مقامات مسئول مملکتی در این باره بیان شده نه‌تنها به‌سود تقویت و ژرفش محتوای ضد امپریالیستی و انسجام وحدت آن در مسائل عام مبارزه برضد امپریالیسم و سیاست نظامیگری و نواستعماری آن نبوده، بلکه غالبا همان مطالبی بعنوان "جهات منفی "جنبش غیر ـ متعهدها مطرح می‌شود که از بدو تاسیس این جنبش، از سوی محافل تبلیغاتی امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رهبری مائوئیستی چین، با هدف نفاق افکنی در جنبش و ایجاد بدگمانی در روابط کشورهای غیرمتعهد با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی درمیان کشورهای عضو این جنبش اشاعه داده می‌شود.

تکیه بر نظریه امپریالیستی ـ مائوئیستی "دوابرقدرت" توصیه به فاصله‌گیری برابر از آنها، عنوان‌کردن بسط نفوذ سیاسی اتحاد شوروی در این جنبش از طریق کشورهای سوسیالیستی عضو این جنبش مانند کوبا، جمهوری سوسیالیستی ویتنام، جمهوری دمکراتیک افغانستان، جمهوری دمکراتیک خلق یمن و دیگر کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین که سیاست پیگیر ضدامپریالیستی دارند، همان مطالبی است که امپریالیسم آمریکا و رهبری مائوئیستی چین به‌منظور محروم کردن" جنبش غیرمتعهدها "از همبستگی و حمایت اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی عنوان می‌کنند و قصد دارند از این راه تسلط سیاسی و نظامی و اقتصادی مجدد امپریالیسم آمریکا و نیات برتری طلبانه رهبری مائوئیستی چین را بر کشورهای عضو این جنبش تحمیل نمایند.

وجود کشورهای سوسیالیستی مانند کوبا و ویتنام و کشورهای ضد امپریالیست پیگیر مانند لیبی و سوریه و کشورهایی با سمت‌گیری سوسیالیستی مانند یمن دموکراتیک و اتیوپی و کشورهای مستقل دیگری مانند هند، که استحکام و گسترش روابط و همکاری با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را یکی از اصول بنیادی سیاست خارجی خود می‌دانند نه نقطهٔ ضعف و نارسایی جنبش غیرمتعهدها، بلکه از مثبت‌ترین و بارورترین جهات این جنبش در دستیابی به اهداف استقلال‌طلبانه و ضد امپریالیستی آن به‌شمار میاید. موجودیت اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی و توان اقتصادی و نظامی و نفوذ سیاسی و معنوی جهان سوسیالیسم مطمئن‌ترین وثیقه موفقیت کشورهای نواستقلال و جنبش‌های رهایی بخش ملی خلق‌ها در مبارزه به‌خاطر کسب و استحکام استقلال، مبارزه علیه امپریالیسم و توطئه‌های نظامی و نقشه‌های مداخله‌گرانه و تجاوزی آن است.

روابط گستردهٔ بازرگانی و اقتصادی و کمک‌ها و همکاری‌های صنعتی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعهٔ سوسیالیستی با کشور‌های عضو جنبش غیرمتعهدها به ایجاد صنایع ملی و پی ریزی شالوده استقلال اقتصادی این کشورها به‌جهان سرمایه‌داری می‌انجامد.

با پیشداوری‌ها و تعصبات تنگ‌نظرانه نمی‌توان از واقعیت موجود جهان معاصر و آرایش و تناسب نیروها در صحنه جهانی شناختی واقع بینانه و راستین داشت. این پیشداوریها و تعصبات تنها می‌توانند موجب انحراف و گمراهی در سمت‌گیری درست در مبارزه برضد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و فاصله‌گرفتن از جبههٔ جهانی نیروهای واقعی ضد امپریالیستی و طرفدار آزادی و استقلال خلق‌ها شوند.

امید آن است که حاکمیت انقلابی در جمهوری اسلامی ایران بتواند بر این پیش‌داوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست غلبه کند و منطبق با محتوای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب اسلامی ایران، در جنبش غرمتعهدها در کنار سایر نیروهای اصیل ضد امپریالیست، به تعمیق محتوای ضد امپریالیستی جنبش و اتحاد نیروهای اصیل ضد امپریالیست کمک کند.

سوسیال دمکراسی ...

بقیه از صفحهٔ ۱۱

دفاع از انقلاب نیکاراگوئه تاسیس یافت، که پانزده سوسیال دمکرات نامدار را در برمی‌گیرد. ریاست این کمیته را فلیپه گونسالس، رهبر سوسیالیستهای اسپانیا، بعهده دارد. فزون بر این، سوسیال دمکراسی، در کنگره پانزدهم خود، ایالات متحده آمریکا را فراخواند، تا کمک سیاسی و نظامی خود را به "خونتا "ی السالوادور پایان بخشد و "خونتا "ی این کشور آمریکای مرکزی را از رژیمی خودکامه خواند، که جنگ خانگی را در السالوادور مسبب شده است. نمایندگان کنگره پانزدهم همچنین همبستگی خود را با پیکارهای آزادی بخش آمریکای لاتین (بولیوی، گواتمالا، اروگوئه، پاراگوئه، شیلی)، آفریقا ("سواپو"، "کنگرهٔ ملی آفریقا" و "پولیساریو") و "کشورهای خط مقدم جبهه" ابراز داشتند.

اما، در این میان، بویژه در برابر پیکار آزادی بخش خلق السالوادور گرایش های حدیدی در سوسیال دمکراسی پدیدار شده است. سیاستمداران برجسته سوسیال دمکرات، ظاهرا زیر فشار ایالات متحده آمریکا، به تجدید نظر دربارهٔ موضعگیری های خود دربارهٔ السالوادور پرداخته‌اند. اینان، بگزارش ۱۲ اسفند ۱۳۶۰ روزنامه "دی‌ولت" (جمهوری فدرال آلمان)، اکنون می‌کوشند تا "ازیکسو، ایالات متحده را به موضعگیری برانگیزند، که بازگشت این کشور آمریکای مرکزی را به شرایط دمکراتیک ممکن سازد" و از سوی دیگر تلاش می‌ورزند تا "میان جناح‌های سیاسی تماس برای گفتگو آغاز شود". اینجاست که باردیگر، مانند صدها بار در گذشته، مشی اپورتونیستی و خیانتکارانه رهبران راستگرای سوسیال دمکراسی آشکارا نمایان می‌گردد.

این واقعیت را همچنین در موضعگیری "انترناسیونال سوسیالیستی" در برابر "مسئلهٔ خاورمیانه" مشاهده می‌کنیم. اختلاف عمیق درباره این مسئله، بویژه در زمینهٔ شناسایی "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" مانع از آن شد که کنگره پانزدهم سیاستی واحد در این باره اختیار کند. (تنها سوسیالیست‌های ایتالیا و اسپانیا، در بیانیه‌ای مشترک، از "سازمان آزادی‌بخش فلسطین" بعنوان نماینده راستین خلق فلسطین و طرف برابرحقوق در گفتگوهای احتمالی سخن گفتند). چنین می‌نماید که پس از ناکامی "کمپ دیوید"، پاره‌ای از محافل نمی‌خواهند با "ابتکارات "نمایشی خود "راه‌حلی" سراپا امپریالیستی را دشوار سازند.

تلاش برای تشکل بین المللی احزاب رفرمیست "جهان سوم"

"انترناسیونال سوسیالیستی "فعالیت‌های گسترده‌ای را برای بسط مناسبات سازمانی خود با احزاب رفرمیست کشورهای رشدیابنده آغاز کرده و، در این زمینه، در آفریقا و آمریکای لاتین به موفقیت‌هایی چند نیز دست یافته است.

سی سال پس از پایه‌گذاری "انترناسیونال سوسیالیستی"، شماره احزاب عضو آن از ۲۹ به ۶۰ رسیده است. اکنون برای نخستین بار احزاب غیراروپایی در "انترناسیونال سوسیالیستی" اکثریت را بدست دارند. فزون‌بر این، باید از چند سازمان وابسته، مانند "کمیتهٔ آمریکای لاتین انترناسیونال سوسیالیستی"، "دفتر ویژه انترناسیونال سوسیالیستی" در توکیو برای آسیا و "سازمان میان آفریقایی احزاب سوسیالیستی" نام برد. سازمان اخیر، پس از سالها تلاش، در اواسط زمستان ۱۳۵۹ (فرویه ۱۹۸۰)، مرکب از ۱۰ حزب، تشکیل شد. رهبران سازمان نامبرده خود را هوادار "سوسیالیسم دمکراتیک" و دشمن احزاب مارکسیست ـ لنینیست آفریقا می‌خوانند "مدل سوسیال دمکراسی" این رهبران، نظام انحصار دولتی جمهوری فدرال آلمان است!

عملکرد متضاد سوسیال دموکراسی در عرصه مبارزه آزادیبخش ملی و اجتماعی

عملکرد سوسیال دمکراسی بین‌المللی در عرصهٔ مبارزهٔ آزادی‌بخش ملی و اجتماعی خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بسیار متضاد است. از یکسو، گرایش وابسته به امپریالیسم درون آن به منافع حیاتی این خلق‌ها لطمه وارد می‌آورد و پیشبرد پیکار انقلابی آنها را مانع می‌گردد. از سوی دیگر، برخی جریانات، خواستها و فعالیت‌های فزاینده ضد امپریالیستی را در میان صفوف آن نمی‌توان نادیده انگاشت. نیروهای انقلابی وظیفه دارند که از هرگامی که برای صلح و دمکراسی مفید باشد، پشتیبانی کنند.

پابپای نبرد اصولی با ایدئولوژی رفرمیستی، می‌توان و باید، در چارچوب وحدت جهانگستر نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در مبارزه با امپریالیسم، استعمار، نواستعمار و نژادپرستی، به پیکار در راه دفاع از منافع ملی و اجتماعی خلق‌های آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین علیه سیاست تجاوزکارانه و صلح ستیز امپریالیسم ادامه داد و به چشم انداز آن خوشبین بود.

کارنامه ...

بقیه از صفحهٔ ۵

"... بیکاری، تورم ... همان شرایط عمومی سقوط هستند ..." (۱۱ فروردین ۶۰ ـ از کارنامه بنی‌صدر ـ انقلاب اسلامی)

و آنوقت بیان "آرزوی وضع سابق":

"... (اگر) قوانین ما که در زمینهٔ تغییرات اساسی اقتصادی در جهت استقلال از وابستگی و چه در جهت تغییر مناسبات اقتصادی داخل جامعه خوب اجرا می‌شدند و اینطور نمی‌شد که یا بلا اجرا بمانند و یا طوری اجرا می‌شد که ما آرزوی وضع سابق را بکنیم ..." (۲۳ فروردین ۶۰ ـ انقلاب اسلامی ـ کارنامه بنی‌صدر)

"انقلاب اسلامی "از "بحران "سخن می‌گفت (عنوان سرمقاله "انقلاب اسلامی"، ۱۰ اردیبهشت ۶۰) و "رنجبر "آنرا نشخوار می‌کرد:

"... جامعه ما باردیگر در بحران قرار گرفته‌است ... خطر جدی انحراف و شکست انقلاب موجود است ..." (رنجبر شماره ۱۵۱)

و همه اینها تدارکی بود برای وارد آوردن ضربه نهائی به انقلاب. (ادامه دارد)

به پیشواز هفته سالگرد جنگ عادلانه بر ضد تجاوز آمریکائی صدام علیه جمهوری اسلامی ایران

جنگ تحمیلی دوستان و دشمنان انقلاب را در صحنهٔ جهانی شناساند

● امپریالیسم خبری با کمک جاسوسان خود در "انقلاب اسلامی" ودوستانش در "میزان" به تبلیغ پرداخت که شوروی از راه بندر عقبه به رژیم صدام سلاح می دهد بعداً فاش شد که بندر عقبه از یکسال قبل توسط آمریکا برای رساندن اسلحه به عراق تجهیز می شده است

● در جریان جنگ تحمیلی، آمریکا وتفاله هایش کوشیدند تا آمریکا "منسی" شود وشوروی تحریک کنندهٔ جنگ معرفی گردد. این توطئه باشکست مواجه شد.

۲۸ شهریور ۱۳۵۹، متجاوزان صدامی به ایران انقلابی تهاجم وسیع نظامی کردند. با بمباران چندفرودگاه ایران جنگ تحمیلی آغاز شد، ونه‌فقط در آغاز، بلکه از چندماه قبل نیز آشکار بود که این جنگ توطئهٔ جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران است.

سندی که بعدا فاش شد، نشان داد که نقشه تجاوز رژیم صدام حسین به‌ایران، یکسال پیش از آن، در ستاد مرکزی "سیا" و "کمیسیون‌های ویژه ایران" در واشنگتن ولندن طرح‌ریزی شده است. این نقشه پس از جنگ، توسط روزنامه "تشرین" چاپ سوریه فاش گردید طبق این سند، که نامهٔ محرمانه "قسمت سیاسی وزارت امورخارجه آمریکا مورخ خرداد ۵۸ است، امپریالیسم آمریکا به طرح این نقشه پرداخت، تا برای "نابود کردن انقلاب اسلامی آیت‌الله خمینی" (ازمتن سند) ازجمله با "شعله‌ورکردن آتش اختلاف وجنگ میان ایران وکشورهای همسایه ایران، که اختلاف مرزی دارند، استفاده شود." (ازمتن سند منتشر شده در روزنامه‌های ایران ۱۰، ۲۱ آبان ۱۳۵۹)

بایس ترتیب پس ازآغاز تهاجم صدامیان به‌ایران، امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا، که خود بعدازطرح نقشه‌مقدمات جنگ‌را نیز از مدت‌ها قبل فراهم کرده وحتی مبالغ هنگفتی صرف تجهیز بندرعقبه‌کرده‌بود، بهتر از هر کس می دانست چه‌اتفاقی افتاده است.

امپریالیسم آمریکا حساب کرده‌بود که با تیر زهرآگین صدام دونشان خواهدزد: اول جنگی را به‌ایران تحمیل می‌کند، تا زمینه‌نابودی انقلاب وجمهوری اسلامی ایران فراهم شود. دوم به حساب اینکه رژیم عراق، درزمانی که هنوز سیاست ضدامپریالیستی داشت، توسط سلاح‌های ساخت شوروی تجهیز می‌شد و تبلیغ اینکه هنوزهم شوروی به‌عراق اسلحه‌می‌دهد، روابط ایران رابااتحادشوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی تیره‌می‌کند.

انجام این نقشه به‌امپریالیسم خبری ودوستان داخلی امپریالیسم در ایران سپرده می‌شد.

باآغازتهاجم رژیم صدام حسین به خاک ایران، امپریالیسم خبری با سوء استفاده‌از روابط اتحادشوروی و رژیم عراق (مربوط است به‌کمک‌های نظامی اتحادشوروی به عراق، زمانی که‌این‌رژیم هنوز سیاست ضد امپریالیستی داشت برای تقویت جبههٔ‌مبارزه علیه‌اسرائیل‌وآمریکا) باهمه‌نیرنگ‌ها و ترفند ها به‌میدان‌آمد، تاثابت‌کند که اتحادشوروی هم دراین‌تجاوزشریک‌است، ونه‌فقط شریک‌است بلکه عامل‌اصلی در ایجاد آن‌است. هدف اصلی این‌کوشش عبارت‌بود از خارج‌کردن آمریکا از زیرضربه و، به‌گفته‌امام‌خمینی: "منسی کردن آمریکا". برای‌این‌منظورصدها "خبر"، که همه حکایت‌ازاین داشتندکه اتحادشوروی، پس از شروع‌جنگ، هنوز هم به‌عراق از طریق هوا و زمین‌اسلحه‌می‌دهد، از طریق شبکه عظیم امپریالیسم‌خبری درسراسرجهان پخش‌شد. محافل‌لیبرالی ومائوئیستی نیز این "اخبار جعلی را باآب وتاب بمنظور "منسی کردن آمریکا وتیزکردن حربهٔ‌زنگ‌زده‌آمریکا، یعنی‌تبلیغ "خطر شوروی" ویالااقل‌شریک‌جرم‌تراشیدن برای‌آمریکا وتقسیم بی‌آبروئی، درنشریات خود منتشر ساختند.

لیبرالها و مائوئیست‌ها مجری سیاست آمریکا.

سناریوی ضدشوروی از روز اول تجاوز رژیم صدام‌حسین به‌ایران، براساس‌خبر "صدور اسلحه‌شوروی‌به‌عراق"، توسط پنتاگون (وزارت دفاع‌آمریکا) طرح‌ریزی شد و ازطریق‌امپریالیسم خبری ونوسط لیبرال‌های وطنی به‌اجرادرآمد.

درست یک‌روز پس‌ازحمله رژیم صدام حسین به‌ایران، روزنامه‌کیهان که آن‌روزها در اختیار ابراهیم‌یزدی‌بود، درخبری‌چنین‌نوشت: "در وزارت دفاع آمریکایک‌سخنگو گفت آمریکا به‌هیچ‌وجه در این‌حمله دخالت نداشته است واظهارامیدواری کرد که تهیه کننده‌عمده تسلیحات‌عراق، یعنی شوروی نیز از دخالت دراین‌امراجتناب‌ورزد." (کیهان‌اول مهر ۵۹)

دوم‌مهر ۱۳۵۹، گردانندگان روزنامهٔ کیهان، تحت نظارت عالیه‌دفترابراهیم‌یزدی گزارش مفصلی‌را ازخبرگزاری فرانسه، درصفحهٔ ۱۲ خود باتیتر درست به‌چاپ رساندند، با عنوان: "ایران‌برای چندمین‌بار خواستار قطع فروش اسلحه‌شوروی به‌عراق‌شد."

درمتن خبر، پس از ارائهٔ اطلاعاتی درباره‌قراردادفروش‌اسلحه‌شوروی به‌عراق، این جمله‌معنی‌داروجهت‌دهنده‌به‌چشم‌می‌خورد: "درعین‌حال‌باید دانست مسکو در سال ۱۹۷۸ (۲سال‌ونیم‌پیش‌ازشروع‌جنگ) اعلام کرده‌است، که‌فروش‌اسلحه‌خودرا به‌عراق‌افزایش خواهدداد." (کیهان، ۲۰مهر۵۹)

این‌خبرتحریک‌آمیز این‌چنین به پایان می‌رسید: "بنابرگزارش همین‌خبرگزاری از بیت‌المقدس(!) اتحادشوروی آماده‌است تاموشک‌های زمین‌به‌زمین به‌عراق تحویل دهد." (همانجا)

بدین‌ترتیب پردهٔ‌اول سناریو به اجرا درآمدکه، براساس‌آن، آمریکا اصلا در جنگ دست‌نداشت‌وبرعکس شوروی مسلح‌کنندهٔ رژیم صدام ومحرک آن به‌جنگ‌بود!

حمل اسلحه به عراق پس از جنگ

پرده‌دوم این سناریوعبارت‌بود از تبلیغ گسترده‌این‌دروغ، که‌اتحادشوروی پس از شروع جنگ‌به‌عراق اسلحه‌می‌دهد.

دراین‌جا باز یکی دیگر از اعضای امپریالیسم‌خبری، یعنی خبرگزاری فرانسه، پیش‌قدم‌بود. خبراین‌خبرگزاری به‌نقل‌از روزنامه‌های‌تل‌آویو (!) متاسفانه درروزنامه‌اطلاعات که‌به‌دام‌این‌ترفندافتاده‌بود، به‌صورت‌زیر به چاپ‌رسید:

"بیت‌المقدس: خبرگزاری‌فرانسه: روزنامه‌های‌تل‌آویو درشماره‌های امروزخودنوشتند هواپیماهای‌عراقی‌که‌اخیرابه‌اردن‌منتقل‌شده‌اند، فقط برای مجهز شدن به‌ساز وبرگ نظامی به‌این‌کشور رفته‌اند. براساس گزارش‌خبرنگاران این‌روزنامه، هواپیماهای عظیم‌الجثه‌حمل‌ونقل ساخت‌روسیه، دریکی‌ازپایگاه‌های‌نزدیک امان فرودآمدند تامقادیری‌بمب و مهمات‌جنگی به عراق حمل کنند." (اطلاعات، ۳مهر۱۳۵۹)

به‌مضمون‌این‌خبرتوجه‌کنید: از جمله "هواپیماهای... ساخت‌روسیه" ونه‌هواپیما های متعلق به‌شوروی استفاده شده. این‌هواپیماها البته‌می‌توانستند متعلق به‌کشورهائی از قبیل سومالی ومصر باشند- وبودند- که‌درده‌قبل ازشوروی‌اسلحه‌می‌گرفتندوسپس بر اثر خیانت رهبرانشان به‌نوکران‌امپریالیسم مبدل‌شدندودر نتیجه، ارسال‌سلاح‌ازطرف اتحادشوروی به‌آنها قطع‌شد.

روزنامه‌اطلاعات‌این‌خبر سراپامشکوک را با این تیتر به‌چاپ رساند: "شوروی‌بمب‌ومهمات به عراق تحویل داد."

بدنیست دراین‌جابه‌مسیراین‌خبر در مطبوعات‌ایران‌نظری‌بیفکنیم:

روزنامه‌صبح‌آزادگان‌این‌خبر را به صورت زیر منتشرساخت:

"هواپیماهای عظیم‌الجثه حمل و نقل ساخت روسیه دریکی از پایگاه‌های نزدیک‌امان فرودآمدندتاظاهرا مقادیری بمب ومهمات و همچنین دارو به عراق حمل‌کنند." (صبح آزادگان، ۳مهر ۱۳۵۹)

یک‌هفته بعد روزنامه اطلاعات خبری از خبرگزاری فرانسه رابصورت زیرمنعکس ساخت: "واشنگتن- خبرکزاری‌فرانسه - یک منبع آگاه نظامی‌در واشنگتن اعلام کرددوهواپیمای حمل‌ونقل‌شوروی، حامل مقادیر زیادی اسلحه ومهمات‌جنگی‌که به‌طرف عراق‌پروازکرده‌بودند به‌علت شدت نبردها در شمال خلیج‌فارس و منهدم شدن پایگاه‌های نظامی‌عراق، توسط هواپیماهای ایرانی مجبور به بازگشت به سوی شوروی شدند. (اطلاعات، ۱۰مهر ۱۳۵۹)

ملاحظه‌می‌کنیدکه در این‌جایک "منبع آگاه‌نظامی آمریکا "خبرحمل اسلحه از شوروی رابه‌عراق "باد" می‌کند وامپریالیسم‌خبری‌آنرا به‌این‌سو وآن‌سو به‌پرواز درمی‌آورد.

امپریالیسم‌خبری پس‌از کسب اولین پیروزی‌های خود در زمینهٔ پخش اخبار کذب درمورد ارسال "اسلحهٔ شوروی‌به‌عراق"، ترفند دیگری‌رابه‌موقع‌اجراگذاشت:

"لندن: خبرگزاری فرانسه - روزنامهٔ فاینانشال‌تایمز در شماره‌اخیر خود نوشت اتحادشوروی همچنان به‌ارسال اسلحهٔ خود بطورمعمول ادامه‌می‌دهد. این‌روزنامه نوشت شوروی ازافزایش تحویل اسلحه به عراق، از زمان‌گسترش خشونت بین ایران و عراق، خودداری کرد وفقط "بطورمعمول "اسلحه به عراق‌ارسال‌می‌دارد." (میزان، ۱۲مهر ۱۳۵۹)

اما این ترفندبا تکذیب اتحاد شوروی روبروشدوتوطئهٔ امپریالیسم خبری و همکاران آنان درایران را عقیم‌گذاشت. سفارت‌شوروی در ایران‌روزبعداین‌خبررا تکذیب‌کردو "کیهان" در این‌موردنوشت:

وابستهٔ مطبوعاتی سفارت شوروی درتهران صبح‌امروز طی تماسی با کیهان خبر روزنامهٔ فاینانشال‌تایمزرا مبنی‌برارسال اسلحه شوروی به‌عراق تکذیب کرد: (کیهان، ۱۳مهر ۱۳۵۹)

امالیبرال‌های وطنی، که عرصهٔ مناسبی برای کشیدن پای شوروی به‌میان جنگ عراق علیه‌ایران، به‌عنوان عامل جنگ‌یافته‌بودند، همین‌خبرتکذیب شده را اینبار از منبع‌دیگری ازمنابع امپریالیسم‌خبری‌به‌چاپ‌رساندند. روزنامه "انقلاب‌اسلامی" در شماره ۱۶مهر ۵۹ خود همین خبر را این‌بار به‌نقل از روزنامهٔ فرانسوی "لوموند" به‌چاپ رساند، و به این ترتیب دامنهٔ توطئه، علیرغم تکذیب سفارت شوروی، بازهم گسترده‌شد.

امابرخلاف تصورات‌امپریالیسم‌خبری و لیبرال‌های "هوادار حفظ منافع‌آمریکا درایران که‌فکرمی‌کردندمی‌توانندمجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی‌ایران‌رادراین ترفند گرفتار آورند، امام‌خمینی ودیگر پیروان خط‌امام از همان‌روزهای آغاز جنگ، برانگیزاننده اصلی تجاوز صدام‌حسین به‌ایران را شناختندواعلام کردند.

امام‌خمینی، رهبرانقلاب وبنیانگزار جمهوری‌اسلامی‌ایران، پس ازتجاوز جنگنده‌های‌عراق به‌خاک‌ایران‌تصریح‌کردندکه: "صدام‌حسین‌به‌واسطه تحریک‌آمریکا به ماتجاوزکرده‌است" و "ایران‌در حال جنگ با آمریکاست."

حجت‌الاسلام‌خامنه‌ای، امام جمعهٔ تهران، درخطبه‌های‌نمازجمعه۴مهر ۵۹ یادآور شدکه: "تجاوزگران‌یعنی در راه آمریکامی‌جنگند در راه اسرائیل می‌جنگند."

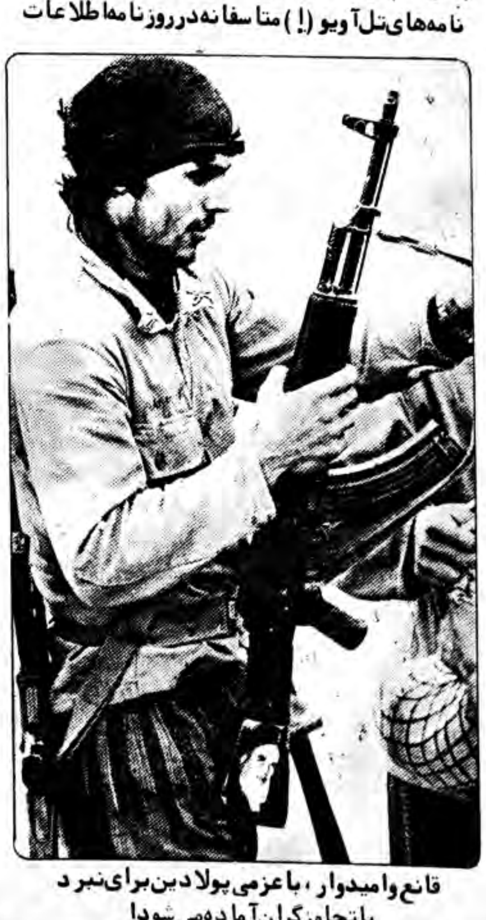
حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی، رئیس مجلس‌شورای‌اسلامی دراین‌زمینه‌گفت: "این‌جنگ‌را درحقیقت آمریکا شروع‌کرده ودامن‌می‌زند." (مصاحبه‌مطبوعاتی، ۷ مهر، ۱۳۵۹)

شهید محمدعلی‌رجائی، نخست‌وزیروقت جمهوری‌اسلامی‌ایران، طی‌سخنانی، در دیدار باسفرای کشورهای‌اسلامی، ازجمله‌گفت: "دولت‌آمریکاازابتدای‌انقلاب‌مامی‌کوشید که‌این‌انقلاب‌رابه‌هرصورتی ممکن‌است از مسیر خودش خارج‌کند. تلاش‌های پنهانی او بعد از تسخیرلانهٔ جاسوسی برملاشد. تلاش‌های آشکار وبه‌بهانهٔ نجات‌گروگان‌ها باشکست‌کامل‌روبرو شد وپس ازاین دوشکست، ازحمله‌مستقیم‌منصرف شده وحالابه‌کمک عراق انقلاب‌اسلامی‌مارا مورد تجاوزقرارداده‌است." (روزنامه‌ها ۷مهر۱۳۵۹)

همچنین درمورد جعلیات‌امپریالیسم‌خبری درموردشرکت‌اتحادشوروی درجنگ، حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی، در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی نقطه‌نظرات‌خویش را چنین عنوان کرد:

"من‌هنوز دفاع ازصدام‌حسین در جنگ باایران را از روسیه شوروی ندیدم. برای ما روشن‌نشده‌است. یعنی مانمی‌بینیم که شوروی

بقیه‌از صفحه ۱۴



قانع وامیدوار، با عزمی پولادین برای نبرد با تجاوزگران آماده می‌شود!



کودکان انقلابی میهن ما در نبرد با امپریالیسم آمریکا و یا دیش دوشادوش برادران رزمنده خود به پیش می‌تازند!

بقیه از صفحهٔ ۱۴

به پیشواز هفته جنگ ...

یک موضع طرفداری از عراق گرفته باشد." (میزان ۸ مهر ۵۹)

اینبار بندر عقبه

امپریالیسم خبری در این جا با اولین شکست خود روبرو شد، اما به وسیله جاسوسانش در روزنامه "انقلاب اسلامی" و دوستانش در روزنامه "میزان"، که دروغ های آن را بزرگ و بزک می کردند، ونیز در اثر کم تجربگی برخی از پیروان خط امام، که به آسانی در دام می افتادند، به توطئه ادامه داد وسومین پرده سناریوی ضد ـ شوروی به روی صحنه آمد.

پس از "ارسال اسلحه از طریق هوا "نوبت زمین" رسید! امپریالیسم خبری به سراغ "بندر عقبه" رفت وبا استفاده از نقل وانتقالات نظامی در این بندر، که بعدها فاش شد که همگی کمک های نظامی کشورهای امپریالیستی وکشورهای مرتجع منطقه به رژیم صدام بوده، گزارش هائی را در مورد "نقل وانتقالات اسلحه های روسی" "از بندر عقبه در سراسر جهان پخش کرد:

"خبرگزاری رادیو دانمارک ــ امان ــ تصور می رود که هم اکنون دولت اردن از طریق زمین کمک های نظامی برای عراق می فرستد این خبرگزاری گزارش می دهد که در راه بین امان، بغداد، کاروان های طولانی نظامی دیده می ـ شود که حامل ساز و برگ جنگی ساخت شوروی بودند که در بندر عقبه تخلیه شده است. امروز چنین استنباط می شود که شوروی از طریق زمین یک کشور ثالث اقدام به فرستادن کمک های نظامی مورد نیاز عراق نموده است." (اطلاعات، ۱۳ مهر ۱۳۵۹)

همین خبر را "لوموند" این چنین به چاپ رساند:

"روسیه این تجهیزات را از طریق شیخ نشین کویت وبندر عقبه در اردن به عراق ارسال می دارد." (میزان، ۱۶ مهر ۱۳۵۹)

وبونایتدپرس از قول "منابع مطلع" این خبر را به طور محرر وکامل این چنین گزارش داد:

"یونایتدپرس، به اظهار منابع مطلع ـ عراق از طریق بندر عقبه در دریای سرخ مرتبا مهمات وقطعات یدکی از شوروی دریافت می ـ کند. این منابع افزودند: تجهیزات ارسالی شوروی در بندر عدن در یمن جنوبی و بندر مساوه در اتیوپی تخلیه می شوند. محصولات ارسالی شوروی از طریق ۵ میون از بندر عقبه به مرز عراق حمل می شود." (انقلاب اسلامی، ۱۵ مهر ۱۳۵۹)

عین همین خبر متاسفانه در روزنامه های "صبح آزادگان" و "جمهوری اسلامی" ۱۶ مهر ۵۹ هم به چاپ رسید.

این پرده از نمایش چنین ادامه یافت:

"تل آویو ـ خبرگزاری فرانسه ـ رادیو اسرائیل (توجه کنید! رادیو اسرائیل) برای چندمین بار در بخش های خبری خود گزارش داد چند کشتی روسی حامل تسلیحات ومهمات وارد بندر عقبه در اردن شدند، تا برای عراق اسلحه خالی کنند. بگفته مفسر نظامی تلویزیون اسرائیل، تا این موقع (۱۶ مهر) فقط یک کشتی در بندر عقبه پهلو گرفته است." (میزان ۱۷ مهر ۱۳۵۹)

این "یک کشتی" در همان روز به "پنج کشتی" تبدیل شد:

"آسوشیتدپرس: منابع آگاه گزارش دادند که عراق از آغاز جنگ تاکنون، ۵ کشتی لوازم یدکی ساخت شوروی، از طریق بندر عقبه دریافت کرده است." (کیهان، ۱۷ مهر ۱۳۵۹)

این خبر نیز از طرف اتحاد شوروی تکذیب شد. رادیو مسکو در برنامه ۱۸ مهر ۱۳۵۹ خود در این مورد از جمله چنین گفت:

اتحاد شوروی ادعاهای خبرگزاری های غرب را درباره اینکه گویا اسلحه شوروی از راه بندر عقبه اردن به عراق فرستاده می شود تکذیب کرد."

اما لیبرال ها ومائوئیست های آمریکائی ـ به ویژه جاسوسان جاگرفته در "دفتر هماهنگی" و روزنامه "انقلاب اسلامی" ـ علیرغم این تکذیب، بطور مداوم به آش دست پخت عموسام روغن اضافه کردند و نمک وفلفل زدند تا آن را به مردم ایران بخورانند.

"انقلاب اسلامی" نوشت:

"آیا می توان پذیرفت که عراق با وجود وابستگی تمام عیار نظامی به روسیه، علیرغم خواست مسکو به ایران حمله کرده است؟" (انقلاب اسلامی، ۳ مهر ۱۳۵۹)

ویا:

"روسیه در ماه های اخیر در رابطه با تجاوز نظامی اش به افغانستان در پیکاری بی ـ امان وسهمگین با رزمندگان مسلمان افغانستان گرفتار آمده بود. در نتیجه شوروی برای نجات از این بن بست از تنها راهی که برایش باقی مانده بود استفاده کرد وهیئت حاکمه عراق را که به وسیله ثروت های غنی منابع نفتی پیمان های طویل المدت وسنگین نظامی داشت، با اسلحه های مدرن او ارتشی نسبتا مدرنیزه را در منطقه بوجود آورده بود، بهره جست و صدام را دلگرم از پشتیبانی نظامی خود، به حمله ایران تشویق نمود." (نگاهی کوتاه به جنگ ایران وعراق ـ انقلاب اسلامی، شماره ۴۰)

اما چنانکه رسم تاریخ است، واقعیت بر ـ خلاف نیات امپریالیسم ولیبرال ها ومائوئیست ـ های وطنی سیر کرد. در تاریخ ۱۷ آبان ۱۳۵۹، در نماز جمعه از سوی بهزاد نبوی، سخن گوی دولت شهید رجائی اعلام شد:

"آمریکا خلیج عقبه اردن را در اختیار عراق گذاشته وشبانه روز در خدمت عراق است".

مدتی بعد حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، که از یک سفر موفقیت آمیز از لبنان، سوریه، الجزایر وفلسطین باز گشته بود، اطلاعات وسیعی مبنی بر شرکت آمریکا ودیگر کشورهای مرتجع منطقه در جنگ علیه ایران، در اختیار رسانه های گروهی قرار داد. رئیس مجلس در یک مصاحبه مطبوعاتی در پاسخ این پرسش که: آیا اتحاد شوروی به عراق کمک می کند، گفت:

"همین جا که بودیم خبری داشتیم وآنجا که رفتیم، این خبر تائید شد. این جا که بودیم بطور رسمی از طرف آقای بنی صدر به ما اطلاع داده بودند که شوروی به فرستاده عراق که رفته اسلحه می خواسته است، گفته است که ما این جنگ شمارا جنگ به نفع امپریالیسم می دانیم: جریانی که در ایران حاکم است، جریان ضد ـ امپریالیستی است ومانمی توانیم کمک کنیم به جنگی که علیه آن جریان کار می کند." (مصاحبه مطبوعاتی، ۱۹ آذر ۱۳۵۹)

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد بندر عقبه ونقل وانتقالات نظامی در آنجا گفت:

"عراق قبلا یک میلیارد دلار به اردن برای توسعه بندر عقبه داده بود ومعلوم بود که با نقشه آمریکا بندر عقبه مجهز شده برای پذیرفتن کشتی ها در جنگ." (همانجا)

رئیس مجلس در مورد اخیر، در سخنانی در اجتماع بزرگ بازار تهران ـ ۱۲ آذر ۵۹ ـ خاطر نشان ساخت که:

"آنرا (بندر عقبه) توسعه دادند، اسکله زیاد کردند برای روزی که جنگ شروع می شود ... ملک حسین، اسرائیل، عربستان سعودی و خیلی کسان دیگر در توطئه قرار می گرفتند. آمریکا هدایت گر وراهنماست و اینها مجری."

وبه این ترتیب روشن شد که بندر عقبه، که اینهمه درباره تحویل سلاح شوروی از آنجا به رژیم عراق تبلیغ میشد، در واقع از یک سال قبل، با یک میلیارد دلار آمریکائی، برای رساندن اسلحه به صدام تجهیز می شده، ولی امپریالیسم خبری از طریق اخبار جعلی، با یک تیر دو نشان میزده: لاپوشانی کمک آمریکا به رژیم صدام و جانشینی شوروی بجای آن.

وسرانجام پس از گذشت نزدیک به ۳ ماه از آغاز جنگ، باوجود تلاش شبانه روزی، نقشهٔ امپریالیسم خبری ودوستان داخلی آن، که سعی کردند اتحاد شوروی را به عنوان عامل جنگ معرفی وبدینسان آمریکا را "منسی" کنند. با شکست مفتضحانه ای روبرو گشت. معلوم شد که اتحاد شوروی بعلت تجاوز نظامی رژیم صدام حسین به ایران، ارسال اسلحه وکمک نظامی را به عراق متوقف ساخته است. معلوم شد که در این جنگ نه اتحاد شوروی، بلکه جبهه متحد امپریالیسم جهانی ورژیم های ارتجاعی منطقه به سرکردگی آمریکا شرکت دارند وآنرا دامن می زنند، تا زمینه برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد.

جنگ تحمیلی
دوستان و دشمنان انقلاب را
در صحنهٔ جهانی شناساند

جنگ تحمیلی طراحی شده توسط آمریکا واجرا شده توسط رژیم صدام، به نوبه خود دوستان ودشمنان انقلاب ایران را شناساند.

در سالگرد این جنگ تجاوزکارانه مرز بین دوستان ودشمنان انقلاب ایران کاملا آشکار شده است.

در کنار ایران، جبهه ضدامپریالیستی جهانی قرار دارد، که در آن کشورهای مسلمان انقلابی نظیر لیبی، سوریه، الجزایر وکشور ـ های باسمتگیری سوسیالیستی مانند یمن دمکراتیک واتیوپی و... وکشورهای سوسیالیستی دیده میشوند. درمقابل ایران جبهه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا ایستاده است که در آن هم کشورهای به اصطلاح مسلمان از قبیل عربستان، مصر، سودان، پاکستان و... قرار دارند وهم کشورهای غیرمسلمان از قبیل امریکا اروپای غربی، اسرائیل و...

وسناریوئی که امپریالیسم خبری بدستور امپریالیسم آمریکا، در آغاز تجاوز صدام به ایران پیاده کرد وهنوز هم می کند، مخدوش کردن این دوجبهه وجدا کردن ایران از دوستان آن در جهان است. این جوهر اصلی نقشه امپریالیسم آمریکا برای منزوی کردن ایران وسپس نابود ـ کردن انقلاب ایران است. برهمه نیروهای انقلابی است که در برابر این ترفند هشیار باشند.

بقیه از صفحه ۱

آمریکا همچنان...

شوروی درمی آید وقسمت جنوبی در اختیار آمریکا قرار می گیرفت، که این پیشنهاد از طرف شوروی رد شد".

این خبر باید درست باشد، نه فقط بدلیل اینکه وقاحت آمریکا حد ومرزی نمی شناسد، بلکه همچنین بدلیل این که تجزیه ایران هدف دیرینه ای است که امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، همواره تعقیب کرده ودر شرایط کنونی نیز بصورت ـ های مختلف تعقیب می کند، تا بدین وسیله، با حذف موجودیت ایران، انقلاب وجمهوری اسلامی ایران را بشکند.

شاید خوانندگان ما بخاطر داشته باشند که سال گذشته روزنامه "بلیتس" چاپ هندوستان، وروزنامهٔ "پراودا"، چاپ شوروی، فاش ساختند که آمریکا طرحی برای تجزیه ایران در چنته دارد به نام طرح "لوئیز" (یکی از صهیونیست های هارومعروف که طراح آن است). طبق این طرح، که برژینسکی آنرا "اصلاح" کرده، تا قابلیت اجرای بیشتری پیدا کند، آمریکا کوشش خواهد کرد که از طریق تجزیه برخی کشورهای بزرگ منطقه (از جمله ایران) کشورهای کوچک تری بوجود آورد که آسانتر قابل "اداره" باشند.

طبق این طرح، کردستان ایران، خوزستان وبلوچستان ایران می بایستی از ایران جدا شوند وهرکدام با بخش کوچکی از سرزمین های کشورهای هم مرز، کشو رـ های کوچکی را تشکیل دهند، تا گرگ سیری ناپذیر آمریکا بهتر بتواند آنها را ببلعد.

از "طرح لوئیز" که بگذریم، باید یادآوری کنیم که در ۱۹۰۷، آنگاه که تزارها در روسیه سلطنت مطلقه داشتند و روسیهٔ تزاری دولتی استعمارگر و امپراطوری انگلستان نیز سردمدار امپریالیسم جهانی بود، بین این دو دولت سلطه گر وغارتگر قراردادی به امضا رسید که طبق آن قرار شد بخش شمالی ایران قلمرو سلطهٔ روسیهٔ تزاری، بخش جنوبی زیر سلطه امپراطوری انگلستان ویک بخش میانهٔ "بیطرف" نیز بعنوان حائل دو بخش دیگر باشد. تا این دو جانور سهم ببرند و هرکدام با خاطری آسوده به غارت استعماری بخش "خویش" مشغول شود.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، که بسال ۱۹۱۷ بساط سلطنت مطلقه تزارها را در روسیه برچید وآنرا برای همیشه به زباله دان تاریخ افکند، مانع از اجرای این قرارداد وتقسیم ایران گردید. دولت جوان شوروی، که به ریاست **لنین** بر روی ویرانه رژیم تزاری پایه عرصه وجود نهاد اعلام داشت که تمام قراردادها وموافقت نامه های سری یا علنی را که بین روسیه تزاری یاهر دولت دیگر، بزیان استقلال وتمامیت ارضی کشور ثالث ویا برای سلطه بر کشور ثالث، انعقاد یافته است، ملغی می داند. دولت شوروی اعلام داشت که احترام به حق حاکمیت، استقلال وتمامیت ارضی همه کشورها، سیاست اصولی اوست ودر نتیجه قرارداد ۱۹۰۷ برای تقسیم ایران محکوم و ملغی اعلام گردید وتمامیت ارضی ایران حفظ شد.

سالها گذشت و دولت های امپریالیستی، همه دست بدست هم دادند وفاشیسم آلمان وماشین جنگی بهیمیش را بعنوان نیروی ضربتی امپریالیستی بر پا داشتند، تا با تهاجمی "برق آسا"، اتحاد شوروی را درهم شکنند. ولی با وجود تبهکاری **چمبرلن** (انگلستان) و **دالادیه** (فرانسه) در مذاکرات "مونیخ" با **هیتلر**، که مضمون آن "کیش دادن" هیتلر برای حمله به شوروی بود ودر تاریخ به "خیانت مونیخ" ثبت شد، **هیتلر** درصدد برقراری "نظام نوین" در "جهان" برآمد و برای رسیدن به این مقصود، ابتدا به فرانسه و انگلستان حمله برد، تا پس از تصرف اروپا وخالی کردن میدان از رقبا، آنگاه به شوروی حمله ور شود وظرف دو سه هفته، "برق آسا"، کار شوروی را هم بسازد و سپس به آسانی (!) "جهان" را تصرف کند.

شرح سیر حوادث پیچیده دوران جنگ دوم جهانی در حوصلهٔ این مقال نیست. این قدر باید گفت که این سیر حوادث پیچیده از جمله باعث شد که آمریکا وانگلستان "نق نق زنان" وارد ائتلاف ضد هیتلری با اتحاد شوروی شوند، آمریکا به این امید که بعد از پایان جنگ، با استفاده از ضعف ناشی از "خونریزی" همه دولت های جنگنده (از جمله و بویژه انگلستان) سلطهٔ خویش را بر جهان بگستراند، وانگلستان به این امید که شاید بتواند لااقل "بخشی" از امپراطوری را، که در آن "آفتاب بر روی پرچم دولت فخیمه" غروب نمی کرد، حفظ کند. به همین دلیل و در راه دسترسی به همین مقصود، در اواخر جنگ وآنگاه که شکست **هیتلر** ومتحدینش دیگر محرز شده بود و چگونگی وضع آینده جهان مطرح بود، در کنفرانسی که در مسکو، با شرکت **مولوتف** وزیر خارجهٔ شوروی، **آچسن**، وزیر خارجه آمریکا، و**بوین**، وزیر خارجه انگلستان تشکیل یافت، انگلستان وآمریکا به اتحاد شوروی پیشنهاد کردند که ایران به دو بخش شمالی وجنوبی تقسیم شود.

این پیشنهاد با شدت از سوی اتحاد شوروی رد شد. **مولوتف** اعلام داشت که اتحاد شوروی تمامیت ارضی و استقلال ایران را ضمانت کرده است واتحاد شوروی از اصول سیاست خارجی خود، که احترام کامل به استقلال و تمامیت ارضی همه کشورها است، تخطی نمی کند و نخواهد کرد ولذا پیشنهاد تقسیم ایران از دستور مذاکرات باید خارج شود، چونکه اساسا قابل طرح ومذاکره نیست.

تجدید این پیشنهاد، چنان که **مارتین کال** مدعی است که از سوی کارتر به وسیله اشمیت به اتحاد شوروی شده، این ضرب المثل فرانسوی را به خاطر می آورد که **"بوربونها بسا چیزها دیدند، ولی هرگز نیاموختند"**، تا سرانجام سر به زیر گیوتین نهادند. اتحاد شوروی، بدیهی است چنین پیشنهادی را همانطور که **مارتین کال** نوشته، رد کرده است.

لئونید برژنف، رهبر اتحاد شوروی در یکی از نطق های اخیر خود به این نکته اشاره می کند که آمریکا پیشنهاد ایجاد "منطقهٔ نفوذ" به اتحاد شوروی کرده است. شاید این اشاره رهبر اتحاد شوروی مربوط به مطلبی باشد که **مارتین کال** فاش کرده است. ولی به هرحال رهبر اتحاد شوروی بلافاصله می افزاید که اتحاد شوروی هرگز چنین پیشنهادی را نپذیرفته ونخواهد پذیرفت. رد این پیشنهاد از سوی شوروی طبیعی است، ولی شما درجه حماقت **کارتر** را، یا دقیقتر بگوئیم طراحان سیاست آمریکا را، که هنوز هیچ چیز در این دنیا نفهمیده اند، ببینید!

می گویند روزی ملانصرالدین به شوخی وبه دروغ به مردم کوچه وبازار گفت و تکرار کرد که امروز در منزل فلانی ناهار می ـ دهند. بعد از تکرار مکرر این دروغ، خودش هم بسوی آن "ضیافت" روان شد. از او پرسیدند: ملا کجا می روی؟ گفت: می روم شاید درست باشد! امپریالیسم خبری نیز ازفرط تکرار این دروغ، که گویا "دو ابر قدرت" می توانند بحساب دیگر خلق ها با هم سازش کنند، گوئی "طراحان سیاست" خود آمریکا را نیز تحت تاثیر قرار داده که، بدنیست بار دیگر برویم. شاید این بار "ضیافت" راست باشد! بوربونها بسا چیزها دیدند وهرگز نیاموختند، تا سر به زیر گیوتین نهادند. "بوربونهای" آمریکائی نیز مطمئنا سرنوشتی بهتر از این نخواهد داشت.

تصحیح و پوزش

متاسفانه، در عنوان شعری که هفته گذشته چاپ شد، اشتباهی رخ داد. ضمن پوزش از شاعر ارجمند و خوانندگان عزیز، بدینوسیله توضیح داده می شود که صحیح آن "درمشایعت" می باشد.

توطئه بزرگ ...

بقیه از صفحه ۱

"میتسوبیشی" و "ایدمیتسو" براساس قراردادهائی که با ایران امضاء کرده بودند، روزانه ۲۳۰ هزار بشکه نفت مستقیما از شرکت ملی نفت ایران خریداری می کردند".

خبرگزاری فرانسه در توضیح این خبر خود اضافه می کند که، این نخستین بار است که شرکت‌های نفت ژاپن به قراردادهای خرید مستقیم نفت از یک کشور عضو "اوپک" پایان می دهند، در گزارش واحد مرکزی خبر، به نقل از رویتر، از قول مقامات دولتی توکیو گفته می شود که:

"اوضاع نابسامان ایران باعث شده است که ادامه واردات نفت ژاپن از ایران و تکمیل ساختمان طرح چند میلیارد دلاری پتروشیمی در ساحل خلیج فارس در معرض شک و تردید قرار گیرد".

بدون آنکه محتاج توضیح و تفسیر بیشتر باشیم، خود خبر نشان می دهد که تصمیم ژاپن به لغو خریدهای نفت از ایران و معلق نگاه داشتن تکمیل ساختمان طرح پتروشیمی بندر امام خمینی یک تصمیم سیاسی است و نه تصمیمی اقتصادی، که بالا بودن قیمت‌های نفت ایران بهانه اتخاذ آن قلمداد شده است.

اینکه گویا بعلت بالا بودن قیمت نفت ژاپنی‌ها خرید نفت ایران را به حال تعلیق درآورده‌اند و می‌خواهند بجای نفت ایران با بهای بشکه‌ای ۳۷ دلار، به خرید بیشتر نفت عربستان سعودی با بهای نازل ۳۲ دلار اقدام نمایند، صرفا یک بهانه است. درست است که دولت عربستان سعودی با خیانت آشکار به سازمان کشورهای صادرکننده نفت ـ اوپک منافع همهٔ اعضاء این سازمان را زیر ضربه قرار داده و بازار جهانی را با تولید زیاد نفت و بهای نازل اشباع نموده است، لیکن تصمیم شرکتهای ژاپنی درمورد لغو خریدهای نفت خود از ایران علل سیاسی بسیار مهمتری دارد و از توطئه‌ای بزرگ علیه انقلاب ایران خبر می‌دهد.

هنگام پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی، مردمی و اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، ایران از نظر وزن مخصوص صنایع استخراج و صدور نفت، چه بصورت خام و چه به شکل فراورده‌های نفتی در بازار جهان سرمایه‌داری موقعیت ممتازی داشت بعلاوه ذخایر ارزی ایران و امکانات اقتصادی و مالی کشور درحدی بود که، در صورت اقدام دولت‌های پس از انقلاب به حل سریع مسئله احیاء و رشد صنعتی و کشاورزی در داخل کشور، اقتصاد ایران پس از پیروزی انقلاب قطعا با رونق و شکوفائی سریعی همراه می‌گردید.

دریک چنان شرایطی البته تحریم خرید نفت از ایران نه فقط به زیان دول امپریالیستی و انحصارات نفتی بود، بلکه موجب می گردید که ایران انقلابی در اتخاذ مشی ضدامپریالیستی بویژه در زمینه استفاده از ذخایر و صنایع نفت با قاطعیت عمل کند و اقتصاد خود را از وارد آمدن ضربات غافلگیرانه و مهلک مصون نگاه دارد. به همین دلایل و با اعتماد به اینکه توطئه روی کار آوردن دولت لیبرال "گام به گام" و سپس بنی‌صدر، ایران انقلابی را به دامن امپریالیسم بازخواهد گرداند، دول امپریالیستی و انحصارات نفتی، بویژه اعضاء کارتل بین‌المللی نفت ـ "هفت خواهران"، هنوز از ایراد ضربات قاطع به نفت ایران، خودداری می ـ کردند.

طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، امپریالیسم و در راس آن آمریکای جنایتکار و انحصارات امپریالیستی نفت، هم‌زمان با نومیدی بیشتر به بازگشت اوضاع به سود خود، پی درپی ضربات مهلک‌تر و کمرشکن تری به اقتصاد ایران وارد آورده‌اند. آنها نه فقط به طرق مختلف از احیاء و رشد تولید داخلی در ایران جلوگیری کرده‌اند، بلکه ابتدا با تحریم اقتصادی سپس با محاصره مالی و بالاخره با تحمیل جنگ راهزنانه صدام به ایران، مواضع کشور ما را، چه در زمینه اتکاء به صنعت نفت، که ستون فقرات اقتصاد ایران را تشکیل می‌داد، و چه در زمینهٔ کاهش شدید امکانات مالی و ارزی بزرگی که از اینراه در اختیار ما قرار داشت، بیش از پیش ضعیف ساخته‌اند.

به یک سخن، امپریالیسم جنایتکار آمریکا با انهدام بخش مهمی از صنایع نفت درجریان جنگ، با جلوگیری از صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی به خارج و حتی با مجبور ساختن کشور ما به صرف مبالغ مهمی از ارزهای موجود برای خرید مواد نفتی، همزمان با جلوگیری از احیاء و رشد تولید صنعتی، کشاورزی و خرابکاری در اقتصاد و مالیه ایران، وضع اضطراری جدی برای کشور ما بوجود آورده است، بطوریکه امروز احتیاج کشور ما به فروش نفت و دریافت درآمد‌های ارزی، چه برای تامین هزینه‌های جنگ تحمیلی و چه تامین نیازهای وارداتی، به مسئلهٔ مبرم و حیاتی بدل شده است.

در این شرایط و درحالیکه اوضاع داخلی کشور براثر ترورها و کشتارهای فجیعی که بطور عمده به‌دست عمال امپریالیسم صورت می‌گیرد متشنج گردیده و از نظر محافل امپریالیستی و ضدانقلاب داخلی گویا زمینه برای ایراد ضربات "نهائی" به موجودیت جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌گردد، خبر تصمیم ژاپنی‌ها به لغو قراردادهای خرید نفت از ایران انتشار می ـ یابد.

پرواضح است که تصمیم مقامات دولتی و انحصارات ژاپنی در این موقع تصمیمی سیاسی است. هدف این تصمیم ضربه مستقیم به انقلاب عظیم مردم ما و موجودیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد. تصمیم انحصارات امپریالیستی ژاپن بخشی از توطئهٔ بزرگ امپریالیستی است، که می‌خواهد فشار مالی و اقتصادی به کشور ما را از راه تحریم خرید نفت، به‌عنوان آخرین حربه، برای از پا درآوردن جمهوری اسلامی ایران بکارگیرد.

اولین واکنش مقامات دولتی، به ویژه وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه جدید امپریالیسم جهانی و انحصارات عمده غارتگر نفتی، صدور اطلاعیه‌ایست، که طی آن اعلام میدارد:

"ملت مبارز و مسلمان ایران می تواند اطمینان داشته باشد که با تحرک حکومت جمهوری اسلامی ایران صنایع نفت کشور ما پس از هشتاد سال از چنگال امپریالیسم و شرکت‌های فتی چند ملیتی نجات یافته و اکنون اداره تام و تمام آن در دست خود مردم ایران قرار دارد و درآمدهای حاصله از این ثروت خدادادی عاید بیت المال می شود." (روزنامه "کیهان" ۱۷ شهریور ۱۳۶۰) بنظر ما، این واکنشی است کاملا به جا، منطقی و لازم.

تکیه وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران برتامین استقلال کامل صنایع نفت ایران از راه لغو کلیه قراردادهای تحمیلی نفت، اعم از قرارداد ننگین آبان ۱۳۳۳ و یا قرارداد ننگین‌تر مرداد ۱۳۵۲، و کوشش برای حل وفصل نهائی دعاوی پوچ انحصارات غارتگر نفتی، خاصه تکیه بر استیفای حقوق حقه مردم ایران از بابت غارت عظیم ثروت نفت ایران در هشتاد سال گذشته، همه اقدامات بجا وضروری هستند، که از حمایت و پشتیبانی همهٔ مردم ایران و همه نیروهای مبارز و انقلابی برخوردارند.

واکنش کنونی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران درقبال توطئه جدید امپریالیسم و انحصارات غارتگر نفتی نشان می‌دهد که اکنون در مقامات ذیصلاح دولت جمهوری اسلامی ایران این مطلب بدرستی درک شده است، که برسر غارت منابع نفتی کشورهای نفت‌خیز درحال رشد و درهم‌شکستن جنبش‌های انقلابی در این کشورها تفاوتی بین سیاست دول امپریالیستی، اعم از آمریکا یا انگلیس، ژاپن یا فرانسه، آلمان غربی یا استرالیا وجود ندارد. جهان امپریالیستی، به عنوان یک کل واحد، درغارت منابع ثروت های طبیعی کشورهای درحال رشد نفع مشترک دارد دست همه این جهان و مجموعه کشورهای امپریالیستی باید از غارت ثروت کشورهای دیگر کوتاه گردد. به همین جهت باید در قبال همه توطئه‌های آنان، منجمله توطئه کنونی انحصارات نفتی ژاپن، بعنوان سرآغاز توطئه بزرگی علیه انقلاب و موجودیت جمهوری اسلامی ایران، واکنش لازم به‌خرج داده شود.

با این همه واکنش بجای کنونی وزارت نفت جمهوری اسلامی، ضمن اینکه لازم است، هنوز کافی نیست. به‌همراه چنین واکنشی باید به‌عمق خطر دست زدن دول امپریالیستی و انحصارات عمده نفتی به‌تحریم خرید نفت ایران توجه کرد و هرچه‌سریعتر به اتخاذ تصمیمات مشخص و قاطع برای خنثی ساختن چنین توطئهٔ خطرناکی پرداخت. به‌نظر ما، چنین تصمیماتی را فقط در چهارچوب سیاست فعال ضدامپریالیستی در نفت می‌توان اتخاذ نمود و به اجرا گذاشت تنها این سیاست است که امکانات وسیعی را برای برهم‌زدن و خنثی ساختن توطئه نفتی امپریالیسم و انحصارات نفتی دراختیار کشور ما قرار می‌دهد.

اتخاذ و اجرای سیاست فعال ضد ـ امپریالیستی در نفت به‌کشور ما فرصت می دهد که با تکیه بر امکانات صنعتی، فنی و بازرگانی کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای ضد ـ امپریالیستی، استفاده از تضاد و رقابت در بازار سرمایه‌داری جهانی نفت، موکول ساختن فروش نفت به‌مبادلات پایاپای نفت ـ کالا و نظایر این اقدامات، نه فقط هرچه‌سریعتر صنایع نفت و پتروشیمی را در داخل کشور احیاء و تکمیل کنیم، بلکه به‌فروش موفقانه نفت خود، درحدی که نیازهای وارداتی ما را برآورده سازد، نائل آئیم.

به‌هوش باشیم که اعمال سیاست انزوا ـ طلبی، به‌ویژه در آنچه به صنعت و بازرگانی نفت مربوط می شود، (با توجه به اینکه صنعت و بازرگانی نفت به معنی واقعی کلمه جهانی است) وتا بحال ناآگاهانه به‌کشور ما تحمیل شده، خطرات بسیار جدی برای انقلاب ما دربردارد نفت در دوران سلطه امپریالیسم وارتجاع بر کشور ما وسیله غارت و اسارت کشور ما بود. نفت دردوران انقلاب می‌تواند و باید حربهٔ کار ـ آئی باشد، که پیروزی نهائی انقلاب، شکوفائی جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه نیل به استقلال اقتصادی کشور ما را تامین نماید. درکاربرد نفت بدینصورت نباید کمترین تردیدی به‌خود راه دهیم.

باکشور بوتان آشنا شویم

نام رسمی: "دروک یول" / "پادشاهی بوتان"

سرزمین: . این کشور در هیمالیای خاوری واقع و وسعت آن ۴۷۰۰۰ کیلومترمربع است.

سکنه: ۱/۳ میلیون نفر (۱۳۵۹). علاوه بر بوتیایی‌ها، ۳۲۵۰۰۰ نپالی و ۱۹۵۰۰۰ نفر از اقلیت‌های ملی دیگر در این کشور زندگی می کنند. ۴۵% سکنه جوان‌تر از ۱۵ سال است.

زبان رسمی: جُنگ‌خا.

مذهب: بوتیاها بودایی لامایی و نپالی‌ها هندو هستند.

پول: ۱ نگولتروم = ۱۰۰ چتروم، علاوه بر این روپیه هند نیز دراین کشور اعتبار دارد.

حاکمیت: بوتان ۱۳ سال است که دارای پادشاهی مشروطه و موروثی است. رئیس حکومت شاه جیگم سینگ وانگ چوگ است، که پس از مرگ پدرش در ۹ سال پیش، برتخت سلطنت نشست (تاجگذاری او در سال ۱۳۵۳ صورت گرفت).

شاه سابق بوتان که تا سیزده سال پیش بساط سلطنت مطلقه خود را دراین کشور گسترده بود، از حق وتوی خود دربرابر مجلس ملی (تسونگدو) صرفنظر کرد و بدین ترتیب "تسونگدو" به بالاترین نهاد کشور بدل شد.

"تسونگدو" ۱۵۰ عضو را در بر می‌گیرد: ۱۰۰ نفر را غیرمستقیم ریش‌سفیدان دهات بر ـ می‌گزینند، ۱۰ تن لاما هستند (که نمایندگی در حدود ۶۰۰۰ کشیش را بعهده دارند) و ۴۰ کرسی متعلق به دولت است، که کارمندان، وزیران، معاونان آنها و قضات بلندپایه را به سمت نمایندگی منصوب می کند. مجلس ملی بوتان نیز می‌تواند وزیران را برگزیند، آنها را عزل کند و حتی با اکثریت دوسوم آراء شاه را نیز از مقام خود برکنار سازد (اما جانشین او باید از سلسلد "وانگ چوگ" باشد).

درفاصله دو اجلاس مجلس ملی، شاه و وزیران او با "شورای پادشاهی" مشورت می‌کنند. "شورای پادشاهی" از یک نماینده شاه و هفت نماینده مجلس ملی تشکیل می شود. احزاب سیاسی در بوتان ممنوع هستند.

شاه بیست و پنج ساله بوتان ـ چهارمین شاه سلسله "وانگ چوک" ـ سیاست اصلاحات محتاطانهٔ پدر خود را ادامه داده است: تحدید امتیازهای فئودالی لاماها و تدابیری در جهت امروزین سازی کشور، که ۲۰ سال پیش با تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی پنج ساله آغاز گشت.

بوتان از ۱۵ استان تشگیل می شود. پایتخت این کشور "تیمبو" (در حدود ۲۳۵۰۰ نفر) نام دارد.

تاریخ: تپوها، که ساکنان بومی بوتان بودند درسدهٔ هشتم میلادی به بودایی‌گری گرویدند (مروجان این مذهب در بوتان کشیش‌های هندی بودند). درسدهٔ بعد، کشور به سیادت تبت درآمد. بعدها بر پایه درآمیزی خلق‌های تپو و تبت، بوتیایی‌ها پدید آمدند و لامائیسم تبتی به عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شد. در اواسط سدهٔ شانزدهم میلادی (۱۵۵۷)، شابدونگ ریمپوچی ناوانگ نامگیال، سرکردهٔ بوتیا ها زمام قدرت را بدست گرفت و استقلال کشور را از تبت بدست آورد. حاکمیت را "دارمه‌راجه" (رهبر مذهبی) و "دب‌راجه" (رهبر غیرمذهبی) میان خود تقسیم کردند. اما درواقع قدرت حقیقی در دست لاماها باقی ماند.

درسدهٔ هیجدهم (۱۷۷۴)، بوتان مجبور شد به قراردادی با "بریتیش ایست ایندین کامپانی" تن در دهد. بموجب این قرار داد، بوتان بخشی از استقلال خود را از دست داد و به پرداخت باجهای سنگینی مجبور گردید. درسدهٔ نوزدهم (۶۵-۱۸۶۴) نیروهای استعماری بریتانیا استان جنوبی "دوابخیری" و دیگر بخش ـ های بوتان را به تصرف خود درآوردند.

دراوایل سدهٔ بیستم (۱۹۰۷)، خاندان "وانگ چونگ" سلطنت موروثی را مرسوم ساخت. سه سال بعد (۱۹۱۰)، بریتانیا استقلال بوتان را به رسمیت شناخت، ولی همچنان نظارت خود را برسیاست خارجی این کشور حفظ کرد.

درتابستان ۱۳۲۸ (اوت ۱۹۴۹)، میان بوتان و هند قرارداد دوستی امضا شد. از آن هنگام تاکنون هند همواره به کمک اقتصادی به همسایهٔ خود اقدام کرده و در گسترهٔ سیاست خارجی، نمایندگی آن را بعهده گرفته است. دراین میان، بریتانیا "دوابخیری" را به بوتان بازگردانید.

اقتصاد: بوتان کشوری است دارای کشاورزی عقب‌افتاده. برپایه آمار "سالنامه ۱۹۸۱ آسیا" (هونگ‌کونگ)، از ۳۰۰۰۰۰ فرد شاغل در بوتان، ۹۴% در کشاورزی و ماهیگیری، یک درصد درکارگاههای صنعتی، ۱/۳ درصد درساختمان، یک درصد درخدمات و بازرگانی، ۲/۳ درصد در ادارات دولتی و ۰/۴ در دیگر گستره‌ها کار می‌کنند.

مهمترین محصولات کشاورزی و دامداری بوتان عبارتست از برنج، گندم، ذرت، کره و پشم. به کمک هند قرار است یک کارخانه سیمان سازی و یک نیروگاه آبی (به‌ظرفیت ۳۳۶ مگا وات) دربوتان احداث شود.

تنها ۱۵% هزینه‌های عمرانی بوتان از بابت منابع خودی تامین می شود. بقیه این هزینه‌ها را هند (هند در دوران برنامهٔ پنجساله چهارم "۸۱ ـ ۱۹۷۶" ۹۰۰ میلیون روپیه در اختیار بوتان گذاشت) و سازمانهای بین‌المللی تقبل می‌کنند.

بازرگانی خارجی: صادرات بوتان درسال ۱۹۸۰ بالغ بر ۱/۵ میلیون دلار ایالات متحده بود، که از ۹۸% مواد خام و ۲۰% کارهای دستی تشکیل می‌شد. درهمین سال واردات بوتان ۲ میلیون دلار ایالات متحده بود. هند با ۹۰% سهم درمبادلات بازرگانی، مهم‌ترین شریک تجارت خارجی بوتان است. سه سال است که بوتان می‌کوشد مقداری ادویه‌جات، سیب‌زمینی، سیب و پرتقال به بنگلادش و نپال صادر کند.

آموزش وپرورش: بیشتر از ۹۰% مردم بوتان بی‌سوادند. این کشور در سال ۱۹۸۰، تنها ۷ مهندس، ۹ پزشک، سه کارشناس کشاورزی و سه دامپزشک داشت. درآن سال ۱۳۰ دانشجوی این کشور درهند و ۴ کشور دیگر به تحصیل مشغول بودند.

بوتان در زمینه سیاست خارجی خود را پیرو اصل عدم تعهد اعلام می دارد. این کشور در سال ۱۳۵۰ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد و یکسال بعد برای نخستین‌بار دارای وزیر خارجه شد. بوتان درسطح سفارت درهند و بنگلادش، نمایندگی دیپلماتیک دارد.

وقایع مهم جهان در یک هفته

نیروهای آفریقای جنوبی پیران، زنان و کودکان آنگولا را می‌کشند

به‌گفته وزارت دفاع آنگولا، آفریقای جنوبی در آغاز هفته اخیر به گسترش تجاوز خود دست زد.

در استان کونه‌نه ۱۱ هزار سرباز آفریقای جنوبی و واحدهای باند تروریستی "اونیتا" بسر می‌برند. نیروهای رژیم نژادپرست به‌مین‌گذاری بخشی از سرزمین‌های مرزی دست زده‌اند. شهرها وروستاهای استان کونه‌نه با خاک یکسان شده‌است. هواپیماهای آفریقای جنوبی مدارس و بیمارستان‌ها را بمباران می‌کنند. حتی آمبولانس‌های "صلیب سرخ" که قصد بیرون بردن زنان وکودکان را ازمنطقه نبرد دارند، بامحدودیت‌های فراوان روبرو می‌شوند.

به‌گزارش خبرنگار "تاس" از لوآندا، نیروهای آفریقای جنوبی بسیاری از غیر نظامیان، ازجمله پیران، زنان وکودکان را به هلاکت می‌رسانند هواپیماهای نژاد پرستان حتی ازبمباران بیمارستان‌ها ابانمی‌ورزند.

درمنطقه میان اونجیوا ولوبانگو، نیروهای آفریقای جنوب خرمن دهقانان را می‌سوزانند وخانه‌های آنها را ویران می‌سازند.

نیروهای تجاوزگر مزدوران ایالات متحدهٔ آمریکا، بریتانیا و دیگر کشورهای غربی رادربرمی‌گیرند.

درلوآندا، پنجاه‌هزار نفر درگردهمایی اعتراض‌خودرا علیه تجاوز آفریقای جنوبی به کشورخود، که‌ارپشتیبانی ایالات‌متحدهٔ آمریکا برخوردارمی شود، اعلام کردند. دومینگوش، عضوهیات سیاسی کمیته‌مرکزی "مپلا- حزب کار"، درسخن رانی خودگفت، که‌نژادپرستان هفت‌سال است که به‌جنگی اعلام‌نشده علیه مردم آنگولا، اشتغال دارند.

ازآغاز تجاوز کنونی آفریقای جنوبی تا کنون ۱۳۰ هزار آنگولایی ازپیامدهای خانمان‌سوزآن رنج‌برده‌اند.

خبرنگاران خارجی، که از استان‌های جنوبی آنگولا دیدارکرده‌اند، ازبمباران‌های ددمنشانه آبادیها واردوگاه‌های پناهندگان خبرداده‌اند.

یک‌خبرنگار "خبرگزاری‌فرانسه" می‌گوید‌که شهرک کاهاما، در ۱۳۰ کیلومتری‌مرزنامی‌بیا "به تل‌خاکستر تبدیل‌گردیده‌است، که تنهاسگ‌های‌آواره درآن‌دیده‌می‌شوند".

برپایهٔ این گزارش، نه‌تنها خانه های مسکونی، بلکه‌همچنین مدارس وبیمارستان ها هدف بمباران هواپیماهای آفریقای‌جنوبی قرار گرفته‌اند.

بگفتهٔ نماینده آنگولادرسازمان‌ملل متحد تاکنون حداقل ۷۰۰ نفر قربانی تجاوزآفریقای جنوبی شده‌اند.

از سوی دیگر، نیروهای مسلح آفریقای جنوبی روزچهارشنبه ۱۸ شهریور ۶۰ به‌منطقه "سه شاکه" زامبیاحمله‌ورگردیدند. بگفتهٔ سخنگوی دولت‌زامبیا، این حمله‌بخشی ازکوشش "پرتوریا" برای ثبات زدایی درجنوب‌آفریقااست.

لئونید برژنف:

اتحادشوروی دربرابرتجاوز آمریکا ساکت نخواهد نشست

لئونید برژنف، دبیر کل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی وصدر هیئت رئیسه‌شورای عالی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی، گفته‌است‌که "اتحادشوروی‌جویای برتری‌نظامی نیست‌واز کشورهای دیگر می‌طلبد که‌ازنقشهٔ تولیدجنگ‌افزارهای‌جدید دست‌بر‌دارند."

وی، که‌در ضیافتی به‌افتخار لــه‌دوان، رهبرویتنام، سخن‌میگفت، ازکوشش ایالات متحده‌برای‌تبدیل به‌قدرتمندترین‌کشوروبرتری جویی جهانی انتقادکرد.

برژنف‌گفت:

"چنین‌چیزی درتاریخ معاصر تازگی نداردو‌همه‌میدانندکه‌چنین تلاش‌هایی‌به کجا انجامیده‌است."

وی‌گفت،

"درحالیکه ایالات‌متحده آمریکا ودیگر کشورها به‌جنگ‌افزارهای جدید دست‌می یابند اتحادشوروی ساکت‌نخواهدنشست. درچنین حالتی‌نیروهای مسلح‌شوروی نیز بازدارنده‌های مناسب‌را دربرابر چنین جنگ‌افزارهایی دراختیارخواهند داشت."

رهبرشوروی یادآورشد، که‌بیست‌وششمین کنگره‌حزب‌کمونیست‌اتحادشوروی برنامه‌جامعی برای پیشبرد صلح در سالهای ۸۰ ارائه داشته بود وافزود، که "هدف این پیشنهادها بهبود اوضاع در همهٔ مناطق جهان‌است."

برژنف ازسیاست‌ایالات‌متحده وچین در آسیا انتقاد کرد وازکوشش‌ویتنام، لائوس و کامبوچیا برای‌تبدیل آسیای‌جنوب‌خاوری به منطقه صلح و ثبات استقبال کرد.

به‌نوشتهٔ "ایزوستیا"، اتحادشوروی‌آماده است تابرای‌ازمیان‌برداشتن خطرجنگ‌هسته‌ای به‌جامع‌ترین اقدامات دست زند. این‌اقدامات میتواند ایجادمناطق بری ازسلاح‌های اتمی در سراسراروپاباشد.

"ایزوستیا" خاطرنشان‌می‌سازد، که حتی دراین‌مرحله‌میتوان با ایجاد مناطق بری از سلاح‌های اتمی دربالکان وشمال قاره از تنش فزایی جلوگیری کرد.

به‌گزارش "ایزوستیا"، سران کشورهای سوسیالیستی، که‌درماه‌های‌تابستان با لئونید برژنف درکریمه دیدارنمودند، بدین اعتقاد دست یافتند و خواست فزاینده مردم اروپای غربی برای پیشبرد تنش فزایی این اعتقاد را تحکیم بخشیده‌است.

دربریتانیا "راه‌پیمایی‌زنان برای صلح" در "گرین‌هام‌کامن"، درنزدیکی یکی ازپایگاه‌های‌نظامی آمریکا، که‌موشک‌های "کروز" قرار است درآن استقرار یابد، پایان پذیرفت. زنان بریتانیایی وکودکان آنها در این‌راه‌پیمایی ۱۷۰ کیلومتری ندای اعتراض خود را علیه نقشه‌های خطرناک ایالات‌متحده‌و "ناتو" بلندکردند.

سازمان "حزب‌سوسیال‌دمکرات آلمان (غربی)" "دراشلزویک‌هولشتاین طوماری را منتشرساخت، که‌به‌امضای ۳۰ هزار شهروند آلمان‌فدرال رسیده‌است‌وامضاکنندگان‌تولید جنگ‌افزارهای‌نوترونی در آمریکاواستقرارآنها رادرخاک‌آلمان‌غربی محکوم‌کرده‌اند.

لرد نوئل بیکر (بریتانیا) برنده‌جایزه نوبل گفته‌است که مقایسه میان سخنرانی‌ها و ابتکارات رهبران آمریکاواتحادشوروی انسان رابرآن‌میداردکه‌به‌فعالیت‌های لئونیدبرژنف در راه صلح ارج فراوان‌نهد.

لردنوئل بیکر درمصاحبه‌ای‌با "ایزوستیا" اظهار داشت،

"این نظر راخیلی‌ساده میتوان توجیه کرد. لئونید برژنف پیشنهادکاهش‌بودجه‌های نظامی را داده‌است، ریگان‌آنهارا بالا برده است. لئونیدبرژنف پیشنهادتحدید مسابقه تسلیحاتی راکرده‌است، ریگان‌بدان‌سرعت بخشیده‌است. لئونیدبرژنف پیشنهادگفتگوبا ریگان راکرده‌است، ریگان با اتخاذ سیاست "گفتگو از موضع قدرت" در این راه سنگ انداخته‌است."

تجاوزپی‌درپی برتری‌جویان پکن به‌ویتنام

روزنامه ویتنامی "نیان‌دان" نوشته‌است، که‌برتری جویان "پکن" فعالیت‌تحریک‌آمیز خودراعلیه ویتنام شدت بخشیده‌اند."

به‌گزارش این‌روزنامه از ۱۱ دیماه ۱۳۵۹ تا کنون، چین به تحریک بیش از ۱۸۰۰ درگیری مرزی دست زده‌است وگشتی‌های چینی درهمین‌مدت نزدیک به ۸۰۰۰ بارحریم‌هوایی ویتنام رانقض کرده‌اند.

اعلامیه‌شورای جهانی صلح

بمناسبت روزجهانی صلح ۱۹۸۱*

درآستانه اول سپتامبر، چهل ودومین سالگردآغاز دومین جنگ‌جهانی، ملت‌ها بیش ازهرزمان‌دیگری خواستار حفظ صلح و دور کردن خطر درگیری جنگ هسته‌ای می‌باشند. تلفات بیشمار جانی ومالی که تجاوزفاشیستی برای جهان‌به‌بارآورده‌برای‌همیشه‌دریاد‌ملتها نقش بسته‌است. ملت‌ها مراقبت‌خودراتازه نگه می‌دارندومردان وزنان را، از هرعقیده‌سیاسی وفلسفی وازهرایمان ومذهبی، بسیج‌می‌کنندو متشکل می‌سازند، به‌ویژه جوانان سراسرجهان راکه‌برای حفظ صلح، این‌گرانبهاترین نعمت بشریت واین حق اساسی انسان، آماده همه گونه‌فداکاری هستند.

برغم امیدواریهاوبه‌رغم‌خواست بارها اعلام شدهٔ سراسربشریت شیفته‌صلح، ابرهای مخاطره‌باری آسمان سیاست راتیره‌ساخته‌است چنان‌که‌همه‌آنچه راکه‌تاکنون‌به‌دست‌آمده از نوبه‌بحث می‌گذاردوهمه فرآورده‌های، معنوی وفرهنگی سراسرتاریخ بشر را به‌خطرمی‌اندازد

اگر درگذشته، مسئولیت‌اصلی دراعمال سیاست‌کشورگشایی واستثمار و ویرانگری پر‌دامنه وکشتارجمعی بر عهدهٔ نیروهای امپریالیستی وفاشیستی آلمان هیتلری بود، امروزه این مسئولیت برعهدهٔ دولت ایالات متحده آمریکا وسودجویان‌مجتمع‌های نظامی - صنعتی بین‌المللی است‌که‌باتشدیددیوانه‌وارمسابقهٔ تسلیحات هسته‌ای جهان رابه‌سوی فاجعه‌ای بازوحشت‌بارترمی‌رانندکه‌ابعاد آن‌را به‌سختی می‌توان در تصور آورد.

اگرکاری صورت نگیرد که به‌بهبوداوضاع منجرشود، همه‌آنچه درطی سالهای هفتاد به برکت سیاستی در راستای‌صلح و همزیستی مسالمت‌آمیزوتشنج‌زدایی وسودمتقابل به‌دست آمد، - سیاستی که نقطه‌اوج‌آن‌تشکیل‌کنفرانس درباره‌امنیت وهمکاری دراروپابوده‌به صدور قطعنامه‌نهائی کنفرانس ودیگرموافقت‌نامه‌های مهم بین دولت‌ها انجامیده‌است. - بار دیگر مورد سئوال قرارخواهد گرفت.

واینک به‌رغم ارادهٔ همه ملت‌ها، و در حالی‌که‌همه‌جااهالی خواست‌خودرامبنی بر صلح وتشنج‌زدایی ومخالفت با انباشت تسلیحات‌آمریکایی وآرایش سلاح‌های تازه کشتار جمعی‌مانندموشکهای پرشینگ ۲ وموشک‌های میان‌بردازسوی آمریکا دراروپای غربی به‌قوت‌ابرازمی‌دارند، ریگن، رئیس جمهور ایالات‌متحدآمریکا، درست چنین‌لحظه‌ای را برای اعلام تصمیم تولیدسلاح‌های نوترونی انتخاب‌کرده‌است.

این‌تصمیم بس‌بیشرمانه‌درجهت خلاف مذاکرات‌کنونی‌ونفی‌امکان‌شروع‌فوری‌گفت وگو‌های‌سران درباره سلاح‌های‌نوترونی در اروپا و بازگشت به‌روندسالت سیرمی‌کند.

اقدام‌آمریکا به‌تولیدکلی‌سلاح نوترونی بشریت رابازبیشتر به‌راه‌افزایش کنترل‌ناپذیر تسلیحات می‌اندازد، سلاح‌نوترونی بسیار به آسانی می‌تواندآتش جنگ هسته‌ای جهانی را برافروزد. خود وجوداین سلاح به‌این‌پندارخام که‌جنگ‌هسته‌ای محدودامکان‌پذیر است مایه می‌دهد. این‌تصمیم حمله‌ای‌جنایت‌آمیزبه‌صلح جهانی‌است، خوارشمردن‌ارادهٔ ملت‌هاست، و منظورازآن‌کسب‌برتری نظامی‌است برای اعمال سیاست‌باجگیری دربرابرکشورهای سوسیالیستی درهم‌شکستن جنبش‌های رهایی‌بخش‌ملی، از بین‌بردن‌استقلال‌ملی ملت‌ها وتحقق‌بخشیدن به‌رهبری جهانی آمریکا.

شورای جهانی صلح اعلام‌می‌کند:

احتمالات‌خطرناک‌بروزجنگ‌سوم جهانی پیوسته فزونی‌می‌گیرد. قدرت‌ویرانگری چنین جنگی، اگر درگیرشود، بی‌اندازه بزرگتر از آن چیزی‌خواهدبودکه در جنگ جهانی دوم بوده است. هیچ‌کشور، هیچ‌قاره‌ای ازآن‌سالم به‌در نخواهد آمد. به‌همین علت‌است‌که‌بشریت سلاح‌های تازه کشتارجمعی راطردمی‌کند. ملت‌ها نیازی نه‌به‌موشک‌های‌میان‌برد دارند، نه بمب نوترونی. آنهاخواستارمذاکرات‌سازنده فوری و پیشروی واقعی به‌سوی خلع سلاح‌می‌باشند.

این‌یگانه شیوه متوقف ساختن خطر، یگانه‌راه‌آزادساختن منابع مالی وانسانی است که‌آن‌همه‌برای‌از‌بین‌بردن‌محرومیت‌وفقروقحطی وبیماری ونیز درد بیسوادی که درجهان امروز همچنان‌به‌میزان‌بلندی شایع‌است‌فوریت ولزوم دارد.

شورای جهانی صلح، بادر نظر گرفتن درسهای‌تاریخ، به‌ویژه واقعهٔ اول سپتامبر ۱۹۳۹، همگان رابه‌مناسبت روز جهانی صلح ۱۹۸۱ به‌فعالیت‌های وسیع وانبوه تازه‌ای برای صلح‌جهانی فرامی‌خواند.

مبارزه‌جهانی‌بی‌سابقه‌ای بایدهمهٔ ملتها وهمهٔ قاره‌هاراگردآوردوبی‌هیچ‌توقفی به‌پیش‌روی ادامه‌دهد، تاهمه‌دولت‌هاوهمه پارلمان ها ناگزیر شوند به‌این‌ارادهٔ ملت‌هاتن‌دردهند.

ماملت‌ها، اگرباهم‌دست به‌عمل زنیم، توانایی آن‌راداریم که‌تاریخ را خود شکل‌دهیم وآن‌رابه‌طور قطع به‌راه صلح مداوم، خلع سلاح وتشنج‌زدایی دراندازیم.

مطمئن‌باشیم که‌ندای‌ملت‌ها شنیده‌خواهد شد.

موشک‌های‌میان‌بردوبمب‌های نوترونی آمریکایی نه!

مذاکره‌دربارهٔ خلع سلاح‌واقدام‌مشخص‌بر ضدتهدیدهسته‌ای، آری!

باهم برای نجات فرزندانمان و تامین آینده‌ای‌سعادت‌آمیزعمل‌کنیم!

---

* با آن که از روزاول‌سپتامبر دو هفته‌ای می‌گذرد، انتشاراین‌اعلامیه که دیر به دست ما رسید، به‌علت اهمیت‌موضوع‌آن، لازم‌وسودمند تشخیص داده‌شد. ازتاخیری‌که‌ناگزیر روی داد پوزش می‌طلبیم - اتحادمردم

ترورخائنانهٔ امام‌جمعهٔ تبریز رامحکوم می‌کنیم

درپی‌آخرین توطئهٔ بمب‌گذاری‌درمرکزدادستانی انقلاب وشهادت‌حجت‌الاسلام‌والمسلمین‌علی قدوسی‌دادستان‌کل‌انقلاب بدست‌ایادی‌امپریالیسم جهانی بسرکردگی‌آمریکا بانهایت تاسف خبر یافتیم که‌عوامل‌ضدانقلاب‌پروردهٔ امپریالیسم یکی‌دیگر ازیاران وفادار امام‌وانقلاب خونبارمردمی‌و اسلامی‌ایران رااین‌باردرتبریزقهرمان بشهادت‌رسانیدند.

اگرچه‌این‌جنایت مانندموارد‌مشابه‌آن برای‌ملت‌ما‌فاجعهٔ بزرگی‌است، امادرنهایت‌هیچ‌تزلزلی درارادهٔ مردم پیکارجوی ما در مبارزه باامپریالیسم خونخوار آمریکا وایادی‌گوش‌بفرمان‌آن ایجاد نخواهدکرد.

مابامحکوم‌کردن این‌تبه‌کاری‌های‌رذیلانه، شهادت‌آیت‌الله‌مدنی‌امام‌جمعهٔ تبریز را به رهبر انقلاب ومردم قهرمان‌ایران‌صمیمانه‌تسلیت‌می‌گوئیم.

ضیاءالحق درچین بمب اتمی آزمایش می‌کند

گروهی‌ازکارشناسان‌هسته‌ای پاکستان ازدیماه سال‌پیش‌تاکنون‌درچین به‌تدارک‌نخستین‌انفجاربمب‌اتمی پاکستان‌اشتغال دارد. یک هفته نامهٔ فرانسوی به‌نقل ازمقامات اطلاعاتی بریتانیا خبرنامبرده راپخش‌کرده‌است. برپایه‌این‌گزارش‌ممکنست که‌نخستین‌آزمایش پائیز امسال‌صورت‌گیرد.

ازسوی‌دیگر جیمزباکلی، معاون وزارت‌خارجه آمریکا، برای گفتگو پیرامون "کمک" آمریکا به پاکستان‌وارد اسلام‌آباد شد. قراراست، که‌آمریکا درپنج‌سال‌آینده ۳۲۰۰ میلیون دلار، بویژه به‌شکل‌کمک نظامی، در اختیار پاکستان‌بگذارد

هند ودیگرکشورهای منطقه این "کمک‌ها" رامحکوم‌کرده‌اند.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

صاحب‌امتیازومدیرمسئول:

محمودا عتمادزاده (م. ا. به‌آذین)

آدرس: منطقه ۱۳ پستی

صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷